

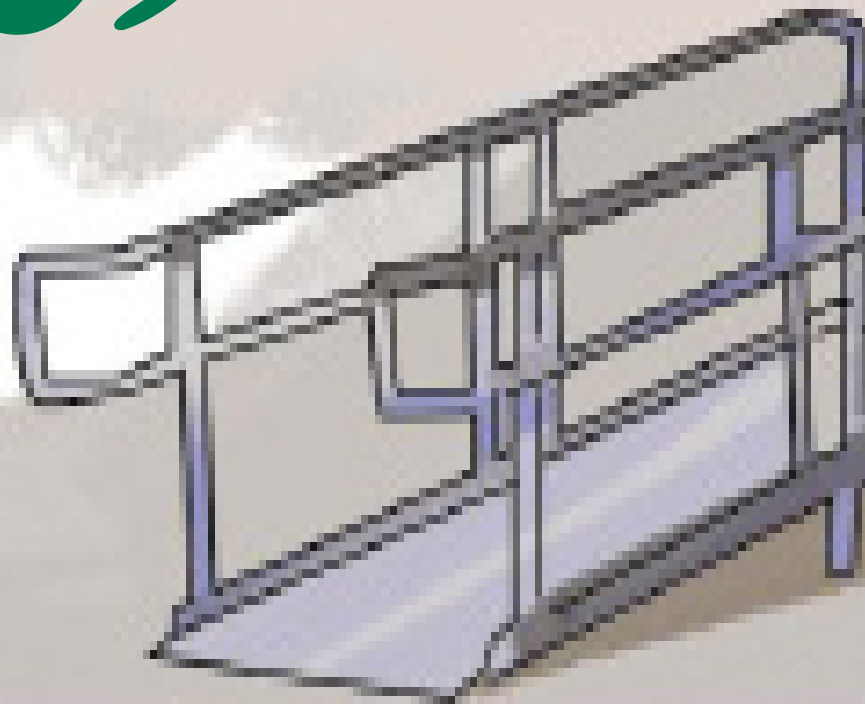


# تلاش

ارگان نشراتی مرکز اجتماعی معلولین

شماره بیست و هشتم، خزان ۱۳۹۴ ویژه روز جهانی اشخاص دارای معلولیت (سوم دسامبر)

## دسترسی حق من است



# تلاش

فصلنامه  
ارگان نشراتی مرکز اجتماعی معلولین

## فهرست عناوین این شماره

- ۱ شامل سازی همه جانبه؛ حق اشخاص دارای معلولیت.....
- ۲ پیام رییس جمهور به مناسبت روز بین المللی فیزیوتراپی.....
- ۴ کودکان توانمند ناشنوا با زبان اشاره.....
- ۵ جامعه نامهربان برای اشخاص دارای معلولیت.....
- ۸ پنج راز موفقیت برای اشخاص دارای معلولیت.....
- ۹ قانون حقوق و امتیازات اشخاص دارای معلولیت در تاریخخانهی ارگانهای اجرایی.....
- ۱۱ توسعه و حقوق بشر برای همه.....
- ۱۳ ضرورت نگاه جدی و اجرایی به میثاق جهانی حقوق اشخاص دارای معلولیت.....
- ۱۵ اعتماد به نفس، کلید موفقیت اشخاص دارای معلولیت.....
- ۱۷ سالمندی و معلولیت.....
- ۱۷ صحت روانی؛ عوامل ابتلا و راهکارهای درمان آن.....
- ۲۱ عصای سفید، نماد امنیت نابینایان.....
- ۲۳ میم مثل ماین.....
- ۲۴ میراث سنگین جنگ در افغانستان.....
- ۲۵ معلول الگو.....
- ۲۶ قهرمانان ولچر سوار.....
- ۲۷ تاریخچه ورزش اشخاص دارای معلولیت.....
- ۲۹ دغدغههای ملاندرلارو معلولیت.....
- ۳۱ گدایی مانع خلاقیت و زنده فقر فرهنگی اقتصادی.....
- ۳۳ معلول غز.....
- ۳۴ معلولیت لرونکی، وگری او بشری حقونه.....
- ۳۷ دانستنیها.....
- ۳۹ ورزشکاران موفق.....
- ۴۸ - ۴۱ مطالب به زبان انگلیسی.....



### دست اندر کاران

صاحب امتیاز: مرکز اجتماعی معلولین

سر دبیر: پوهنیا سید الدین «نظامی»

معاون سر دبیر: حاجی احمد شاه «اعظمی»

نویسندگان: سید الدین «نظامی»، حاجی احمد شاه

«اعظمی» و محمدرضا گلکوهی

همکار بخش پشتو: نسرين شرر

همکاران بخش انگلیسی: سهیلا فروغ و کبری سعیدی

مسئول طرح و اجرا: محمدرضا گلکوهی

### نشانی

آدرس: ایستگاه آخر پوهنتون کابل - داخل کوچه

لیسه خصوصی نور، مقابل موسسه تحصیلات عالی

کاروان، جوار مسجد علی ابن ابوطالب (رض)

شماره تماس: ۰۷۵۲۱۲۸۳۲۸ - ۰۷۹۹۲۱۵۸۲۰

آدرس الکترونیکی:

ccd\_kabul@yahoo.com

وب سایت: www.ccd.org.af

فیسبوک: Facebook/ccd.org.af



# فعالیت های مرکز اجتماعی معلولین در سطح جامعه

مرکز اجتماعی معلولین (CCD) مرکز منابع برای اشخاص دارای معلولیت در سال 1383 هجری شمسی مطابق سال 2004 میلادی بنا بر ضرورت حاد جامعه افغانی به ابتکار جمعی از اشخاص دارای معلولیت پیشین در کشور به مقصد حمایت و بهبود حقوق اساسی و شهروندی اشخاص دارای معلولیت بر اساس قانون اساسی کشور، میثاق ها و اعلامیه های بین المللی حقوق بشر که دولت افغانستان آنها را پذیرفته و خود را مکلف به رعایت آن در داخل کشور دانسته است، تأسیس و ایجاد گردیده است. اهداف اساسی این مرکز را تغییر مثبت در نگرش جامعه پیرامون موضوعات معلولیت به منظور فراهم سازی شرایط مناسب و زمینه های مؤثر برای شامل سازی و ادغام اشخاص دارای معلولیت و بهبود وضعیت زنده گی اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و مدنی آنان در افغانستان و همچنین دادخواهی از حقوق مدنی، بشری و شهروندی این قشر، مشارکت در مراحل مختلف پالیسی و استراتژی، شفافیت سازی و ظرفیت سازی، حقوق برابر زنان و اشخاص دارای معلولیت و ارائه خدمات توانبخشی و بازتوانی اشخاص دارای معلولیت تشکیل می دهد.

جهت رسیدن به اهداف مذکره با توجه به تأمین همکاری های لازم با دیگر سازمان های فراهم کننده خدمات مختلف برای اشخاص دارای معلولیت، این مرکز فعالیت های مختلف و اساسی ذیل را پیشکش می دارد:

- تحلیل وضعیت اجتماعی و اقتصادی اشخاص دارای معلولیت و خانواده های شان
- ارزیابی ضرورت های اساسی جامعه در قبال مسایل معلولیت
- مشوره دهی روانی- اجتماعی و حمایت همتایان
- رجعت دهی به مراجع و مؤسسات ارایه کننده خدمات آموزشی، صحتی، بازتوانایی فیزیکی، احیای مجدد و ظرفیت سازی
- خدمات آموزشی و تعلیمات ابتدایی
- فراهم سازی بورسیه های تحصیلی در مؤسسات تحصیلات عالی خصوصی داخل کشور (دوره های لیسانس و ماستری)
- فعالیت های ورزشی و تفریحی و آگاهی دهی از فواید ورزش
- آموزش های کوتاه مدت حرفوی
- خدمات کاربایی و استخدام
- حمایت های مالی جهت آغاز کار مستقل بعد از آموزش حرفه
- آگاه سازی جامعه و خانواده های اشخاص دارای معلولیت از حقوق و موضوعات اساسی معلولیت
- عیار سازی محلات کار، مکاتب عامه و مراکز آموزشی
- ایجاد هماهنگی و همکاری بین نهادهای مختلف اجتماعی در رابطه به موضوعات معلولیت
- دادخواهی از حقوق اساسی، مدنی و بشری اشخاص دارای معلولیت
- ایجاد شبکه های همکاری متقابل با سایر نهادها
- راه اندازی تحقیقات و مطالعات تحلیلی از موضوعات گوناگون معلولیت
- اثرگذاری در قوانین و فراهم سازی زمینه های بیشتر حقوقی برای بهبود وضعیت زنده گی اشخاص دارای معلولیت
- فراهم سازی دسترسی اشخاص دارای معلولیت به کتابخانه های فیزیکی و دیجیتالی
- فراهم سازی سهولت های دسترسی به اینترنت
- راه اندازی کنفرانس ها، ورکشاپ ها و سیمینارهای تحقیقاتی پیرامون موضوعات مختلف معلولیت
- پرورش کارمندان اجتماعی از طریق دوره های آموزشی کوتاه مدت و میان مدت
- آگاه سازی مراجع، مراکز و مؤسسات ارایه کننده خدمات از موضوعات معلولیت به منظور فراهم ساختن فرصت های بیشتر برای مشارکت اشخاص دارای معلولیت.
- بلند بردن ظرفیت سازمانی و کاری نهادهای مدنی اشخاص دارای معلولیت



# شامل سازی همه جانبه؛

## حق اشخاص دارای

### معلولیت



شعار امسال روز جهانی اشخاص دارای معلولیت (سوم دسامبر) شامل سازی است که دسترسی و توانمندسازی قابلیت های همگانی از مسایل مهم آن شمرده شده است. این شعار در جهان امروز که تلاشها برای همگانی سازی خدمات اجتماعی به یکی از اهداف اصلی و اساسی سازمان های بین المللی تبدیل شده و بخشی از اهداف انکشافی هزاره است، از اهمیت خاص برای شامل سازی اشخاص دارای معلولیت برخوردار می باشد.

در حال حاضر، "دستیابی" و به موازات این مفهوم، "توانمندسازی" در بسیاری از موارد و در خیلی از کشورها برای اشخاص دارای معلولیت نه تنها تحقق نیافته است، بلکه تا هنوز هم به منزله ی یک رویا تلقی می شود. از سوی دیگر، تفسیر این مفاهیم نیز نیازمند تحلیل پیشتر و تجزیه ی روشن تر آنها می باشد، زیرا فهم نارسای

در حال حاضر، "دستیابی" و به موازات این مفهوم، "توانمندسازی" در بسیاری از موارد و در خیلی از کشورها برای اشخاص دارای معلولیت نه تنها تحقق نیافته است، بلکه تا هنوز هم به منزله ی یک رویا تلقی می شود. از سوی

دیگر، تفسیر این مفاهیم نیز نیازمند تحلیل پیشتر و تجزیه ی روشن تر آنها می باشد، زیرا فهم نارسای آن در بسیاری از جوامع، منجر به اجرای ناقص این مفاهیم در سطوح مختلف اجتماعی گردیده است. به طور مثال، بیشتر اوقات، مفهوم دسترسی تنها شامل مسایل راجع به معماری و دسترسی به ساختمان ها است. این رویکرد دسترسی تنها ناظر به مشکلات جابه جا شدن است، درحالی که مفهوم دسترسی یک حوزه ی گسترده را شامل شده و در ساحت های مختلف زندگی انسانی نمود پیدا می کند. دسترسی به اطلاعات، دسترسی به مشارکت در برنامه های مختلف سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی، دسترسی به آموزش، دسترسی به کار و سایر خدمات و امکانات زندگی در عرصه های مختلف حیات اجتماعی از جمله مواردی است که این مفهوم را در بر گرفته و به آن معنای همه جانبه می دهد.

آن در بسیاری از جوامع، منجر به اجرای ناقص این مفاهیم در سطوح مختلف جامعه گردیده است. به طور مثال، بیشتر اوقات، مفهوم دسترسی تنها شامل مسایل راجع به معماری و دسترسی به ساختمان ها است. این رویکرد دسترسی تنها ناظر به مشکلات جابه جا شدن است، درحالی که مفهوم دسترسی یک حوزه ی گسترده را شامل شده و در ساحت های مختلف زندگی انسانی نمود پیدا می کند. دسترسی به اطلاعات، دسترسی به مشارکت در برنامه های مختلف سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی، دسترسی به آموزش، دسترسی به کار و سایر خدمات و امکانات زندگی در عرصه های مختلف حیات اجتماعی از جمله مواردی است که این مفهوم را در بر گرفته و به آن معنای همه جانبه می دهد. مسلم است که توانمندسازی نیز بسان مفهوم دسترسی دارای حوزه ی گسترده و

خیلی از کشورها کانال‌های تلویزیونی برای اشخاص ناشنوا، برنامه‌های زیرنویس‌دار و برنامه‌هایی به همراه ترجمه را پخش می‌کنند. در انگلستان، طرحی در دست است که هدف از آن فراهم آوردن اطلاعات شفاهی است تا اشخاص نابینا بتوانند فیلم‌های مستند و فیلم‌ها در سالن‌هایی که دروازه آن برای عموم باز است، را تعقیب کنند. این طرح (موسوم به "توصیف شنیداری تلویزیون") مبتنی بر توضیحات بیش‌تری است که عمل، مکان و طرز پوشش را توصیف می‌کند. تلویزیون همین سیستم را برگزیده است: شرح‌هایی به تصویر اضافه شده‌اند تا به نابینایان این امکان را بدهد تا برنامه‌های تلویزیونی مختلفی را دنبال کنند. برنامه‌هایی با توصیف شنیداری طی حدود 4 ساعت در هفته پخش می‌شوند.

در پاریس، هوتلی این ویژگی را ارائه می‌دهد که اتاق‌هایی را در اختیار اشخاص دارای معلولیت‌های حسی و حرکتی بگذارد که کاملاً برای آنان مناسب است: تجهیزات آنها (روشنایی، تلفون، دروازه‌ها، شیرآلات و ...) می‌توانند به کمک انگشت یا صدا از دور کنترل شوند؛ به علاوه، هشت سالن کنفرانس طراحی و تجهیز شده است تا پذیرای اشخاصی باشد که دچار انواع گوناگونی از معلولیت‌ها هستند.

همان‌گونه که مشاهده می‌شود امکان‌های متنوعی برای دست‌یابی به اطلاعات و ارتباط اشخاص دارای معلولیت وجود دارد که در کشورهای پیشرفته‌ی دنیا انجام گرفته است. با این وجود، باید بر ضرورت اتخاذ تصمیم‌هایی برای سازمان دادن هر چه وسیع‌تر این شیوه‌ها و گسترش آنها تأکید کرد. در این قلمرو، خدمات عمومی و مؤسسات برای پاسخ‌گویی هر چه بهتر به نیازها و بهبود کیفیت زندگی اشخاص دارای معلولیت می‌توانند همکاری کنند.

این درحالی است که افغانستان به لحاظ دسترسی و توانمندسازی اشخاص دارای معلولیت در جایگاه بس نازلی قرار دارد. در بیان این نارسایی همان بس که حتی دسترسی نابینایان کشور به عصای سفید دچار محدودیت است و عدم دسترسی از سیمای شهر و چهره‌ی کشور ما فریاد می‌زند. بنابراین، تحقق شعار امسال با موضوع محوری شامل‌سازی که دو اصل "دسترسی و توانمندسازی" پایه‌های اصلی آن اند نیازمند آن است تا تلاش همه جانبه از سوی نهادهای اشخاص و ارگان‌های حکومتی و غیرحکومتی صورت پذیرد. در غیر آن، تجلیل سمبولیک از این مناسبت، سودی به حال اشخاص دارای معلولیت نداشته و رسالت ملی و انسانی ما را در این خصوص نیز ادا نخواهد کرد.



معلولیت این است که به خاطر مساوات در رفتار باید به این نوآوری‌ها دسترسی داشته باشند. در سطح بین‌المللی، سیستم‌های "عملیات بانکی در منزل"، که اجازه می‌دهند تا اقدامات بانکی از منزل انجام گیرند، در حال گسترش هستند. همچنین، پست الکترونیکی یک سیستم شایعی است که ارتباط میان یک کامپیوتر با کامپیوتر دیگر را ممکن می‌سازد. در روزگار کنونی، مطبوعات بسیاری پیش از انتشار بر روی نسخه‌های الکترونیکی ذخیره می‌شوند. وانگهی، تکنالوژی اسکن کردن اجازه می‌دهد تا اسناد چاپی را به کامپیوتر منتقل نمود. به کمک شیوه‌های جدید از نوع تحلیل‌های صوتی، تبدیل به الفبای بریل، ردیف کلیدهای متناسب و ... تمامی اطلاعات می‌توانند برای اشخاص دارای معلولیت قابل دسترس باشند. برای نیل به این هدف، از سویی باید مقررات وجود داشته باشد که پیش‌بینی کنند تا نسخه‌های پشتیبان الکترونیکی در دسترس و متمرکز باشند؛ از سویی دیگر، سیستم‌های متناسب در اختیار اشخاص دارای معلولیت قرار گیرند. جدا از تکنالوژی‌های نوین، مدت‌ها است که در

میدان وسیع اجرایی است که نمی‌توان به صورت محدود و آموزش‌های مشخص به اشخاص دارای معلولیت اکتفا کرد. این اصل زمانی بستر عملی خود را باز می‌یابد و شامل‌سازی بر آنها صدق خواهد کرد که توانمندسازی در راستای احیا و بازسازی تمام قابلیت‌های اشخاص دارای معلولیت عملی شده و زمینه و فرصت بازتوانی این اشخاص با استفاده از ابزارهای مفید مهیا شود. خوش‌بختانه که امروزه تکنالوژی به کمک انسان‌ها شتافته و نقش به سزایی در ادغام اجتماعی و حرفه‌ای پیدا نموده است. در حوزه اطلاعات، تکنالوژی امکان بیان نمودن، ارتباط برقرار کردن و اندیشیدن را برای تمامی شهروندان میسر می‌سازد. هر شهروند از این حق بهره‌مند است تا به بهترین و کامل‌ترین شکل ممکن از اطلاعات باخبر شود. نوآوری‌های تکنالوژی معلوماتی و ارتباطی، این حوزه از عملکرد انسانی را عمیقاً تغییر داده است. از این پس، دستیابی به خدمات ارتباطی از راه دور یا توسط بانک معلوماتی، یکی از شیوه‌های مشارکت و ادغام در زندگی اجتماعی را تشکیل می‌دهد. یکی از حقوق مسلم اشخاص دارای



# پیام رئیس جمهوری اسلامی افغانستان به مناسبت روز بین‌المللی فزیوتراپی

بهبود خدمات توانبخشی فیزیکی از طریق آموزش فزیوتراپیست‌ها و معلمان فزیوتراپی، آماده‌سازی وسایل لازم و ترویج این مسلک تلاش نمایند. وزارت صحت عامه موظف است تا موانع و مشکلات موجود در حوزه انکشاف فزیوتراپی را شناسایی و در حل آن اقدام و زمینه‌های پیشرفت و انکشاف آن را آماده نماید. یک‌بار دیگر، روز جهانی فزیوتراپی را به

خدمات رشته فزیوتراپی در راستای توانبخشی اشخاص دارای معلولیت‌های فیزیکی یکی از نیازهای اساسی کشور ما است. متأسفانه جنگ‌های دوام‌دار در کشور تعداد زیادی اشخاص دارای معلولیت به جا گذاشته است و این روند همچنان ادامه دارد. در حال حاضر دو اعشاریه هفت فی‌صد جمعیت کشور را اشخاص دارای معلولیت تشکیل

هشتم سپتمبر، روز جهانی فزیوتراپی را به مردم افغانستان و فزیوتراپیست‌های کشور در داخل و خارج تبریک و خجسته باد می‌گوییم. فزیوتراپی از جمله رشته‌های مهم طبابت عصر حاضر به شمار می‌رود، فزیوتراپیست‌ها در جهت حفظ و بازگرداندن حداکثر توانایی‌های حرکتی و عملکرد اشخاص فعالیت می‌نمایند. آنها در زمانی که حرکت و عملکرد بدن انسان بنا بر کهن‌سالی،



فزیوتراپیست‌ها، مردم افغانستان و سروران حاضر در محفل تبریک گفته، موفقیت همه را از دربار ایزد متعال خواهانم.

محمد اشرف غنی  
رئیس جمهوری اسلامی افغانستان

می‌دهند که از آن جمله بیش‌تر از سه صد هزار آنان دارای معلولیت فیزیکی اند. دولت افغانستان متعهد به انکشاف و توسعه این رشته‌ی مهم طبی بوده در جهت ارتقای ظرفیت و توسعه آن تلاش خواهد کرد. از نهادهای فزیوتراپی در کشور می‌خواهیم تا در عرصه‌ی توسعه و

جراحت، امراض و یا هم عوامل محیطی تهدیدی می‌گردد، با اشخاص کمک می‌کنند. هرچند این مسلک در افغانستان هنوز جوان است، ولی پیشرفت‌های چشم‌گیری داشته است؛ انجمن فزیوتراپی افغان که در سال ۱۹۹۸ تأسیس شده، فعلاً یکی از اعضای کنفدراسیون جهانی فزیوتراپی است.

# کودکان توانمند ناشنوا با زبان اشاره

«بیانیه رسمی فدراسیون جهانی ناشنوایان (WFD) به مناسبت هفته جهانی ناشنوایان ۲۱ تا ۲۷ سپتامبر ۲۰۱۵»

امسال، هفته جهانی ناشنوایان با موضوع "با حق داشتن زبان اشاره، کودکان ناشنوای ما توانمند می‌شوند!" از ۲۱ تا ۲۷ سپتامبر ۲۰۱۵ برگزار شد. خوب است بدانیم که: در مقالات شماره ۲۰، ۹، ۲۱، ۲۴، ۳۰ میثاق سازمان ملل در بخش حقوق اشخاص دارای معلولیت (CRPD) و جامعه ناشنوایان، در مورد زبان اشاره آمده است که: فرزندان ناشنوا می‌توانند استفاده از زبان اشاره و حق داشتن آن را به‌عنوان یک اصل از قوانین حقوق بشر و یک حق لازم از بدو تولد درخواست کنند. در این مقاله ناشنوایان را به‌عنوان یک گروه اقلیت زبانی (جامعه ناشنوا) به رسمیت می‌شناسد.

ناشنوایان متعلق به گروهی شناخته می‌شوند که از راه چشم، اشاره انگشتان و نگاه اطلاعات خود را مبادله می‌نمایند و خواستار آن است که زبان اشاره به‌عنوان یک حق در دسترس اشخاص ناشنوا باشد. همان‌طور که در ماده ۲۴ بخش ۳ تبصره (ب) از میثاق جهانی حقوق اشخاص دارای معلولیت (CRPD) عنوان شده، دولت‌ها موظف به تسهیل یادگیری زبان اشاره و ارتقای هویت زبانی جامعه ناشنوایان هستند.



شعار "با حق داشتن زبان اشاره، کودکان ناشنوای ما توانمند می‌شوند"، زبان اشاره را به‌عنوان وسیله زبانی معتبر برای انتقال افکار، ایده‌ها و احساسات قلمداد می‌کند. این یک واقعیت پذیرفته شده و تصویب شده در ماده ۲ میثاق جهانی حقوق اشخاص دارای معلولیت (CRPD) است که زبان اشاره را برابر با زبان گفتاری می‌داند. به این ترتیب، یادگیری زبان اشاره نباید به‌عنوان آخرین راه حل و گزینه نهایی مطلوب یا موقت برای کودکان ناشنوا باشد. "با حق داشتن زبان اشاره، کودکان ناشنوای"

ما توانمند می‌شوند" و همچنین تأکید می‌کند که استفاده از زبان اشاره مانع یادگیری یک زبان گفتاری نیست و سواد و زبان برابر با گفتار و ارتباط نیست.

توسعه زبان باید مقدم بر همه چیز باشد و توسعه گفتار می‌تواند بعداً رخ دهد.

در مقابل، توسعه زود هنگام گفتار به تنهایی نمی‌تواند مهارت‌های زبان و سواد را تضمین کند.

مغز، بدون تحریک کافی در طول سال‌های حساس آموزش، از بدو تولد تا ۳ سالگی، ممکن است به اندازه ۳۰ درصد تحلیل رود و کارآیی خود را از دست بدهد.

در واقع، نوزادان شنوا که والدین‌شان از زبان اشاره استفاده می‌کنند فرصت برتری در برقراری ارتباط با والدین‌شان دارند. با توجه به حمایت ناکافی خانواده و جامعه در طول این

دوره حساس برای یادگیری، کودکان ناشنوا در یادگیری زبان هنگام شروع آموزش رسمی سرگردان می‌شوند.

بنابراین برای کودکان ناشنوا از اهمیت زیادی برخوردار است که قادر به استفاده از زبان اشاره در سال‌های اولیه پس از تولد و در تمامی دوران‌ها و زمینه‌های زندگی باشند.

منبع: وبسایت رسمی فدراسیون جهانی ناشنوایان

<http://wfdeaf.org/news/international-week-of-the-deaf>

# جامعه نامهربان برای اشخاص دارای معلولیت

«مروری بر پروژه شناسایی خانه به خانه اشخاص دارای معلولیت در شهر کابل»

تهیه کنندگان: نسرين شرر، علی اکبر آل جعفری و نورآغا یوسفی



یکی از فعالیت‌های مهم تحقیقی که مرکز اجتماعی معلولین طی شش ماه اخیر سال جاری (2015) با حمایت برنامه توانمندی انجام داده است، سروی عمومی از وضعیت صدها شخص دارای معلولیت در سطح شهر کابل به شکل خانه به خانه می‌باشد. در این سروی عمومی، ضمن اطلاع رسانی همه جانبه از حقوق و امتیازات اشخاص دارای معلولیت برای آنان، از وضعیت عمومی و شرایط زندگی آنان در بخش‌های مختلف آگاهی حاصل شده است.

در گزارش حاضر روی بخشی از معلومات به دست آمده از میان چهارصد و ده مورد به عنوان یک جامعه آماری از ساکنان پایتخت تمرکز شده و نتایج به دست آمده وضعیت تأسبابی را نشان می‌دهد. وضعیت اشخاص دارای معلولیت را می‌توان مشت نمونهی خروار دانسته و سایر شهرها را نیز نسبت به آن مقایسه کرد. زیرا وقتی پایتخت کشور چنین باشد، حدیث مفصل سایر ولایت‌ها و شهرها را نیز می‌توان از همین قصه‌ی مجمل مورد ارزیابی قرار داد. در این گزارش روی شاخص‌هایی چون تناسب جنسیتی، میانگین سنی، مسأله‌ی سواد، عوامل معلولیت و تعداد استفاده کنندگان از خدمات دولتی و تسهیلاتی اجتماعی تمرکز شده است. هرکدام از این شاخص‌ها، بیانگر حقیقت‌های تلخی اند که نشان‌دهنده‌ی نامهربانی جامعه و نهادهای مسئول در قبال سرنوشت بخشی از شهروندان این سرزمین است. عدم ایفای مسئولیت کسانی که در مراحل مختلف حیات انسان‌های ساکن این سرزمین دارای نقش بوده اند از یکسو میزان معلولیت را افزایش داده و از سوی دیگر، محرومیت از خدمات دولتی

و تسهیلات رفاهی را در میان اشخاص دارای معلولیت تشدید بخشیده است. مردان دارای معلولیت، دوبرابر از زنان همان‌گونه که در مقدمه‌ی گزارش مورد اشاره قرار گرفت، اولین مبحث این سروی تناسب جنسیتی است. واقعیت‌های انعکاس یافته در این گزارش، میزان مردان دارای معلولیت را بیش‌تر از دو برابر نسبت به زنان دارای معلولیت نشان می‌دهد. این حقیقت را می‌توان ناشی از دو عامل دانست؛ اول اینکه در جامعه‌ی

آشوب‌زده‌ی افغانستان، قربانی‌های بیشتر این پدیده مردان اند و به دلیل اینکه مردان در ساحات جنگی و زمین‌های آلوده با ماین حضور زیادتری دارند، بیش‌ترین اشخاص دارای معلولیت جنگی را مردان تشکیل می‌دهند. دلیل دوم آن نیز ممکن است پنهان ماندن یا پنهان ساختن زنان دارای معلولیت از جامعه و حتی رضاکاران اجتماعی باشد. زیرا سنت‌های اجتماعی مردم براین امر تأکید دارد که زنان نباید در انظار عمومی ظاهر شده و در معرض



تحقیق قرار گیرند.

به هر حال، آنچه پیامد این تناسب جنسیتی را زیان بار می‌سازد اینکه در بسیاری از خانواده‌ها مردان نان آور خانه به حساب آمده و داشتن معلولیت سرپرست خانواده که منبع امرار معاش به شمار می‌آیند، به معنای خلق بحران مستمر در نحوه‌ی زنده‌گی خانواده‌ها می‌باشد. بخصوص اینکه بسیاری از خانواده‌هایی که سرپرست مرد شان معلولیت دارند، از عایله‌مندی زیادی نیز برخوردار بوده و جمعیت تحت حمایت این مردان دارای معلولیت را، بیش‌تر از پنج شخص تشکیل می‌دهد. مسلم است که تأثیر این پدیده در زنده‌گی اجتماعی این خانواده‌ها بسی ناگوار بوده و شایط دشواری را برای آنان رقم می‌زند.

اند. این امر به معنای آن است که اشخاص با میانگین سنی که آوان جوانی شان را نشان می‌دهد، ضرورت دارند تا به نیازهای شان رسیدگی صورت گرفته و امکانات لازم برای توانمندسازی آنان فراهم شود. زیرا هرگاه بستر مناسب حیات اجتماعی برای جوانان دارای معلولیت فراهم نشود، تأثیر منفی و ناگواری روی نحوه‌ی زنده‌گی آنان خواهد گذاشت. در سروی انجام شده توسط مرکز اجتماعی معلولین این حقیقت تلخ به خوبی نمایان شده است که اکثر اشخاصی که در محدوده‌ی سنی 20 تا 30 دارای معلولیت اند، یأس و ناامیدی بیش‌تری بر روحیه‌ی آنان مستولی است و در انتظار آینده‌ی نامعلومی به سر می‌برند. بنابراین، نهادهای مسئول دولتی و غیر دولتی

از اشخاص دارای معلولیت توانسته اند با سواد شوند. یعنی اینکه از میان 410 مورد که گزارش حاضر روی آن تمرکز نموده است، تنها 155 مورد آن توانسته اند دسترسی به تعلیم و تحصیل داشته باشند که بسیاری از آنان نیز سواد کافی و تحصیلات عالی ندارند.

این آمار به معنای آن است که فرصت‌های تعلیمی و تحصیلی برای اشخاص دارای معلولیت میسر نبوده و جامعه‌ی ما از نهادهای آموزشی قابل دسترس برای اشخاص دارای معلولیت برخوردار نمی‌باشد. در برخی موارد نیز خانواده‌های اشخاص دارای معلولیت مانع رفتن اعضای دارای معلولیت شان به مکتب شده اند، چرا که از حضور آنان در جامعه خجالت کشیده و ستم خودخواسته را



هرچند نمی‌توان پیامدهای نامطلوب معلولیت را در میان زنان نیز نادیده انگاشت. چرا که مسائلی چون ازدواج، تربیت فرزندان، روابط اجتماعی و... همگی از جمله مواردی اند که زنان دارای معلولیت را دچار مشکل می‌سازد.

جوانان دارای معلولیت و آینده‌ی نامعلوم از میان چهارصد و ده مورد از نمونه‌ی آماری در گزارش حاضر، بیش‌تر آنان را کسانی تشکیل می‌دهند که میانگین سن شان از 25 تا 30 ساله

و تمامی اقشار و اشخاص جامعه مسئول اند تا در قبال این قشر از جامعه رسالت ملی، انسانی و اسلامی خویش را ادا نموده و با مهیا ساختن شرایط بهتر برای اشخاص دارای معلولیت جوان، آینده‌ی روشن‌تری را برای آنان رقم زنند.

بی سواد، مشکل مضاعف اشخاص دارای معلولیت  
سروی حاضر نشان می‌دهد که تنها یک سوم

در حق یکی از اعضای خود روا داشته اند. این امر از یک سو نامهربانی جامعه، دولت و نهادهای مسئول را در قبال اشخاص دارای معلولیت به اثبات می‌رساند و نبود امکانات و محدودیت دسترسی را برملا می‌سازد و از سوی دیگر تأثیرات نامطلوبی را در حیات اجتماعی آنان برجا می‌گذارد. زیرا مسلم است که نداشتن سواد برای اشخاص دارای معلولیت، محدودیت شان را در جامعه افزایش داده و

ادامه در ص ۷

مشکلات مضاعفی را بر آنان تحمیل می‌کند. معلومات به دست آمده از برنامه‌های مختلف مرکز اجتماعی معلولین بیانگر این حقیقت است که بسیاری از نهادهای آموزشی نه محیط آموزشی مناسب و قابل دسترس برای اشخاص دارای معلولیت دارند و نه هم آگاهی لازم از حقوق و امتیازات آنان داشته‌اند. وانگهی در بسا موارد نیز دیده شده است که در صورت آگاهی از این حقوق نیز برای عملیاتی ساختن آن مانع تراشی کرده‌اند. لذا ضروری است تا بسترهای آموزشی و نهادهای تعلیمی و تحصیلی ما بازنگری جدی در این خصوص داشته باشند و زمینه‌های آموزشی را برای اشخاص دارای معلولیت مهیا سازند. از جانب دیگر خانواده‌های اشخاص دارای معلولیت مکلف‌اند تا جهت بیرون رفتن از انزوای تمام عیار یک عضو شان بگذارند تا سوادآموزی برای اشخاص دارای معلولیتی که عضو خانواده شان هستند، به یک مسئولیت تبدیل شده و کوشش همگانی در راستای بهرمندی از این نعمت به خرج داده شود.

#### عوامل مهم معلولیت

یکی از شاخص‌های اساسی که در راستای جلوگیری از معلولیت‌ها به مردم و دولت کمک می‌کند، تشخیص دقیق عوامل معلولیت است. زیرا این عوامل کمک می‌کنند تا بتوانیم از گسترش معلولیت جلوگیری نموده و پیامدهای آن را نیز شاهد باشیم. شناسایی خانه به خانه‌ای که مرکز اجتماعی معلولین انجام داده است، به صورت عمده سه عامل را در صدر فهرست عوامل معلولیت نشان می‌دهد.

از میان 410 شخص دارای معلولیت که گزارش حاضر روی آن تمرکز نموده است، بیشترین آنان اشخاص دارای معلولیت مادرزادی‌اند. از این تعداد 142 مورد آن را اشخاصی تشکیل می‌دهند که عوامل مادرزادی باعث معلولیت آنان گردیده است. 135 مورد نیز به اثر جنگ‌ها معلولیت پیدا نموده و 133 مورد آن ناشی از بیماری‌های مختلف بوده‌اند.

این آمار نشان می‌دهد که نبود آگاهی لازم از مسایل صحتی، کمبود امکانات درمانی، محدودیت‌ها به لحاظ محیطی و غذایی و... یکی از عوامل اصلی معلولیت می‌باشند. زیرا بسیاری از معلولیت‌ها ناشی از عدم آگاهی از پیامدهای ازدواج با اقارب، نبود مراکز درمانی و صحتی جهت جلوگیری از حاد شدن بیماری‌هایی که منجر به معلولیت شده‌اند، عدم تطبیق واکسن در زمان مناسب، استفاده

از دواهای خودسرانه، ضربه‌های شدید به دلیل خشونت در محیط خانوادگی بوده‌اند و یا هم انجام کار ثقیل و... باعث شده است تا نوزادان دارای معلولیت به دنیا آمده و دنیای پر مشکلات و دشواری‌ها را شاهد باشند.

جنگ نیز یکی از عوامل آشکار معلولیت در جامعه‌ی ما است. شرکت در جنگ‌ها، تصادف با ماین یا قرار گرفتن در معرض آتش جنگ، انفجار و انتحار به شکل ناخواسته از جمله عوامل معلولیت‌اند که سالیان زیادی جامعه افغانستان را رنج داده و دچار معلولیت‌های گسترده ساخته است. به همین ترتیب، بیماری‌هایی که در زمان مناسب مورد تداوی قرار نگرفته‌اند نیز از شهروندان کشور قربانی گرفته و بخشی از آنان به شکل اشخاص دارای معلولیت در جامعه ظاهر شده‌اند.

خدمات ناکافی برای اشخاص دارای معلولیت یکی از تأسفاترترین بخش این سروری، اشاره به خدماتی است که از سوی دولت ارائه شده یا در قالب تسهیلات عمومی در سطح اجتماع برای آنان مد نظر گرفته می‌شود. از میان 410 مورد نمونه‌ی آماری در این گزارش،

است، تنها 76 مورد آن از خدماتی برخوردار اند که توسط برخی از نهادهای توانبخشی، مراکز درمانی یا مؤسسات کمک‌کننده ارائه می‌گردد.

محرومیت یک چهارم از اشخاص دارای معلولیت از خدمات اجتماعی یا تسهیلات رفاهی تصویر تکان‌دهنده‌ای را به نمایش می‌گذارد و آن عدم توجه همه‌جانبه به مشکلات اشخاص دارای معلولیت است. زیرا این خدمات نیز حالت دایمی نداشته و هیچ تضمینی وجود ندارد که بتوان این خدمات را به شکل مستمر و دوام‌دار حفظ کرد.

#### نتیجه

واقعیت‌های بازتاب یافته در گزارش حاضر که نتیجه‌ی سروری دقیق وضعیت اشخاص دارای معلولیت در پی «شناسایی خانه به خانه» می‌باشد، اوج نامهربانی جامعه‌ی ما را در خصوص اشخاص دارای معلولیت نشان می‌دهد. فاکتورهای یاد شده در این سروری عدم مسئولیت‌پذیری، نبود امکانات کافی، ناآگاهی‌های گسترده از عوامل معلولیت، راه‌های درمان و جلوگیری و همچنین چگونگی برخورد با این بدیده را به نمایش می‌گذارد.



افزون برآن، این پروژه ضرورت اطلاع‌رسانی از حقوق و امتیازات اشخاص دارای معلولیت را به خوبی بیان نموده و اقدام‌های عاجل را در این خصوص ضروری می‌سازد.

لازم به ذکر است که این پروژه علاوه بر شهر کابل در ولایت‌های بامیان و بلخ نیز اجرا شده و تعداد زیادی از اشخاص دارای معلولیت را تحت پوشش قرار داده است که گزارش تفصیلی آن با شرح و جزئیات بیشتر در آینده نشر شده و جهت بهره‌برداری‌های علمی و کاربردی در اختیار همگان قرار خواهد گرفت.

تنها 88 مورد آن از خدمات دولتی مثل معاش مستمری وزارت کار، امور اجتماعی، شهدا و معلولین برخوردار اند و 323 مورد دیگر نتوانسته‌اند به این حق دسترسی داشته باشند. شاید یکی از دلایل آن محدودیت یا بهتر است گفته شود، تبعیض قانونی است که معلولیت‌های غیرجنگی را مستحق این معاش نمی‌داند. وضعیت اشخاص دارای معلولیت در خصوص سایر تسهیلات رفاهی و اجتماعی بدتر از فاکتور متذکره است. از میان چهارصد و ده مورد که در گزارش حاضر روی آن تمرکز شده

# شعارهای روز جهانی اشخاص دارای معلولیت «از سال ۱۹۹۸ – ۲۰۱۵»



شعار سال 2015 روز جهانی اشخاص دارای معلولیت:

دسترسی و توسعه قابلیت‌های همگانی از موضوعات مهم شامل‌سازی اند.

مناسبت سالیانه روز جهانی اشخاص دارای معلولیت در سال 1992 طی نشست عمومی مجمع عمومی سازمان ملل متحد در قالب مصوبه‌ی 47/3 اعلام شده و در تقویم این سازمان به عنوان یک مناسبت رسمی ثبت شد.

اهداف اصلی این مناسبت رشد و اصلاح درک از مسایل معلولیت و بسیج عمومی جهت حمایت اشخاص دارای معلولیت است تا جایگاه اجتماعی و حقوق آنان به خوبی تفهیم شده و تحقق یابد. این مناسبت به دنبال آن است تا منافع اشخاص دارای معلولیت را در عرصه‌های مختلف تأمین نموده و حضور آنان را در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به اثبات برساند.

از سال 2009 تاکنون بخش اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل یک جشنواره فیلم را راه اندازی کرده است که از رخدادهای هیأت رهبری سازمان ملل متحد تجلیل

به عمل می‌آورد. جشنواره فیلم بازتوانی سازمان ملل متحد (UNEPF) شامل بخش‌های است که در آن فیلم‌های مستند تهیه شده و مبنای اصلی آنها را حاوی پیام‌هایی است که می‌تواند جامعه را از مسایل معلولیت آگاه ساخته و اشخاص دارای معلولیت را در راستای مشارکت‌های اجتماعی تشویق و ترغیب نماید.

از سال 2015 تاکنون نیز، بخش اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد جشنواره عکس را راه اندازی کرده است. این جشنواره‌ی عکس در راستای تغییر ذهنیت‌های منفی و برداشت نادرست اجتماعی درباره اشخاص دارای معلولیت به اجتماع کمک می‌رساند. این جشنواره همچنین برای درک بهتر از مسایل معلولیت به مردم کمک می‌کند تا اشخاص دارای معلولیت را به عنوان یک عضو از جامعه بشری پذیرفته و آن را در رشد گوناگونی جامعه قبول نمایند. شعارهای سال‌های قبل:

۲۰۱۴: توسعه پایدار، نوید فن‌آوری

2013: موانع را از سر راه بردارید، درها را باز کنید برای يك جامعه ي فراگیر برای همه  
2012: از بین بردن موانع برای ایجاد جامعه

ای فراگیر و قابل دسترس برای همه  
2011: با هم برای دنیایی بهتر برای همه:  
شرکت دادن افراد دارای ناتوانی در توسعه  
2010: انجام تعهدات: تا سال 2015 و پس  
از آن، توجه به ناتوانی را در اهداف توسعه  
هزاره به يك جریان غالب تبدیل کنیم  
2009: اهداف توسعه هزاره را فراگیر  
کنیم: افراد دارای ناتوانی و جوامعشان را در  
سرتاسر جهان قدرتمند سازیم  
2008: منزلت و عدالت برای همه ما  
2007: کار مناسب برای افراد دارای ناتوانی  
2006: دسترسی به رسانه های الکترونیکی  
2005: حقوق اشخاص دارای معلولیت، اقدام  
در جهت توسعه  
2004: هیچ چیز در باره ما، بدون ما قابل  
قبول نیست  
2003: صدای خودمان  
2002: زندگی مستقل، پایدار و قابل تحمل  
2001: مشارکت کامل و برابری  
2000: تأمین کار در زمینه فن آوری اطلاعات  
همه

1999: دسترسی برای همه در هزاره جدید

1998: هنر، فرهنگ و زندگی مستقل



شش سال از تصویب قانون حقوق و امتیازات اشخاص دارای معلولیت می‌گذرد. بسیاری از اشخاص دارای معلولیت فعال در عرصه حقوقی، بسیاری از مواد این قانون را حفظ کرده‌اند و همچنان منتظر اجرای این قانون‌اند. اما علی‌رغم تلاش‌های دادخواهانه، مشاهده می‌شود که بسیاری از مواد این قانون چهل ماده‌ای همچنان بسان نوشته‌های روی یخ باقی مانده‌اند. نکته‌ای که بارها یادآوری گردیده و نیازمند تعدیل می‌باشد اینکه قانون حقوق و امتیازات اشخاص دارای معلولیت در بخشی از مفاد خود تبعیض آشکاری را روا داشته و اشخاص دارای معلولیت عادی را فاقد امتیازات مستمر دانسته است. براساس حکم ماده هفدهم این قانون، اشخاص دارای معلولیت طبیعی یا مادرزادی از مفاد ماده چهارم و هشتم که شامل حق تقاعد و معاش مستمر است، محروم‌اند. اما جدا از این مسأله، مقاله‌ی حاضر حاوی نگاه اجمالی به تعدادی از ماده‌های این قانون است که در عمل متروکه باقی مانده است. ارزیابی حاضر به منظور جلب توجه مسئولین است تا شاید راهگشای عملی برای اجرایی شدن این مواد گردد.

در ماده اول این قانون که به تأسی از حکم ماده پنجاه و سوم قانون اساسی افغانستان به تصویب رسیده است، اهداف اساسی وضع آن "حمایت اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، تعلیمی، تربیتی، تفریحی و ورزشی و بازتوانی معلولین (اعم از زن، مرد و طفل) جهت سهم‌گیری فعال‌شان در جامعه و تأمین حقوق و امتیازات آنها" شمرده شده است. اما اگر با نگاه دقیق و با توجه به ارزیابی‌های صورت گرفته از وضعیت اشخاص دارای معلولیت به این موضوع نگرسته شود، خواهیم دید که نه حمایت‌های همه‌جانبه که در ماده اول این قانون از آنها یاد شده است، به هیچ وجه جنبه‌ی عملی نیافته است. حمایت‌های کلی در تمام ابعاد زنده‌گی

# قانون حقوق و امتیازات اشخاص دارای معلولیت در تاریخ‌خانه‌ی ارگان‌های اجرایی

محمد قره‌باغی

در ماده دوم این قانون نیز آمده است که «وزارت کار، امور اجتماعی، شهدا و معلولین به همکاری ادارات ذیربط، زمینه حمایت اجتماعی و بازتوانی معلولین را جهت سهم‌گیری فعال‌شان در جامعه مطابق احکام این قانون فراهم می‌نماید.» اما با تأسف باید گفت که نه تنها این هماهنگی و همکاری به وجود نیامده، بلکه با گذشت شش سال از تصویب این قانون، تاکنون نیز بسیاری از کارکنان دولتی و حتی مدیران عالی‌رتبه‌ی نهادهای مرتبط با معلولیت از مواد این قانون آگاهی ندارند و یا هم اگر آگاهی دارند، اقدامات عملی را روی دست نمی‌گیرند. در ماده شانزدهم قانون حقوق و

از تصویب قانون حقوق و امتیازات اشخاص دارای معلولیت دستکم شش سال می‌گذرد و این یک دستاور است.

امتیازات اشخاص دارای معلولیت از حقوق اطفال دارای معلولیت یادآوری شده و دو بند این ماده این‌گونه حکم کرده است که «اطفال دارای معلولیت در استفاده از حقوق و آزادی‌های اساسی مانند سایر اطفال، دارای حقوق برابر می‌باشد. وزارت‌ها و ادارات دولتی ذیربط، به منظور دسترسی اطفال دارای معلولیت، به تفریح و ورزش، مکان‌ها و محلات اختصاصی و قابل دسترس را ایجاد و با وسایل لازمه آنها را تجهیز می‌نمایند.» اکنون از هرکسی اگر پرسیده شود که آیا اماکن عمومی که برای تفریح، ورزش و... ساخته شده‌اند، دارای ابزارها و امکانات لازم جهت استفاده‌ی کودکان دارای معلولیت است یا خیر، بدون شک پاسخ منفی است.

که در این ماده تذکر رفته است، یا به باد فراموشی سپرده شده و یا هم به بهانه‌های مختلف عملی نشده‌اند.



ماده‌های نوزدهم و بیستم نیز بیانگر امتیازاتی اند که در عرصه‌ی آموزش برای اشخاص دارای معلولیت مد نظر قرار داده شده است. در این ماده‌ها حداقل امتیازات ذکر شده این است که وزارت معارف و تحصیلات عالی را مکلف ساخته است تا زمینه‌ی آموزش فراگیر را برای اشخاص دارای معلولیت فراهم سازند. پنج درصد از بورسیه‌ها برای اشخاص دارای معلولیت اختصاص یابد و مؤسسات تحصیلات عالی خصوصی نیز مکلف اند تا 25 درصد تخفیف را در هزینه‌های تحصیلی شان برای اشخاص دارای معلولیت مراعات نمایند.

با این حال دیده می‌شود که آموزش فراگیر در بسیاری از مراکز آموزشی کشور ممکن نیست. زیرا این مراکز برای اشخاص دارای معلولیت قابل دسترس نبوده و از سویی هم معلمان به مسایل معلولیت و چگونگی آموزش و برخورد با متعلمین و محصلین دارای معلولیت آشنایی

داده است. در ماده بیست و سوم نیز بار دیگر مسأله بازتوانی اشخاص دارای معلولیت مورد تأکید قرار گرفته و این فقره را شامل مسوولیت نهادهایی چون کمیته ملی المپیک، شاروالی‌ها، نهادهای انکشاف شهری و والی‌ها نیز ساخته است. نیاز به گفتن نیست که افغانستان و حتی پایتخت کشور به لحاظ داشتن مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای و خدمات صحتی برای اشخاص دارای معلولیت فاقد استانداردهای لازم و معیارهای کافی است که همین نقیصه نیز باعث شده است تا بسیاری از معلولیت‌های قابل درمان یا آنانی که ظرفیت بازتوانی را دارند، به حالت معلولیت شان باقی بمانند.

ماده بیست و دوم این قانون موضوع استخدام اشخاص دارای معلولیت را مورد توجه قرار داده و تمام ارگان‌های دولتی را مکلف می‌سازد تا سهمیه سه درصدی را به اشخاص دارای معلولیت اختصاص دهند. اما این سهمیه نه تنها در تمامی

سرپناه از این ناحیه به شدت رنج برده و دچار محرومیت‌های مستمری هستند. ماده بیست و پنجم نیز با توجه به مسأله دسترسی اشخاص دارای معلولیت به اماکن عمومی، اداره‌ها و مراکز تفریحی ورزشی چنین حکم می‌کند: «وزارت، ادارات دولتی و سایر مراجع، حین طراحی ساختمان‌ها، اماکن، تفریحگاه‌ها، ورزشگاه‌ها و معابر عمومی، ترانسپورت و تکنالوژی سهولت‌های لازم را غرض استفاده معلولین فراهم می‌نمایند.» این حکم صریح قانون را اگر به لحاظ تطبیقی تنها در شهر کابل که مرکز قانون‌گذاران و مجریان آن است مورد ارزیابی و موشکافی قرار دهیم، خواهیم دید که شهرهای ما به لحاظ دسترسی تا چه اندازه با اشخاص دارای معلولیت نامهربان بوده و محرومیت آنان در این عرصه تا چه حد عمیق و گسترده است.

مسأله آمار و احصائیه نیز موضوع ماده بیست و ششم است که متأسفانه تاکنون این مسوولیت به صورت کلی آن در خصوص نفوس کلی کشور نیز انجام نشده و نبود آمار دقیق از تعداد اشخاص دارای معلولیت و میزان معلولیت با توجه به عوامل و مسایل آن یکی از حلقه‌های مفقوده است که فعالیت‌ها را در این عرصه با مشکل مواجه ساخته است.

در نهایت، ماده سی و هفتم قانون حقوق و امتیازات اشخاص دارای معلولیت به وزارت اطلاعات و فرهنگ و سایر نهادهای ذیربط مسوولیت می‌دهد تا «به منظور بلند بردن سطح آگاهی مردم از معلولیت و حقوق معلولین، تدابیر لازم اتخاذ نمایند.» اما بی تدبیری این نهادها همین بس که حتی رادیوتلوویزیون ملی نیز برنامه‌های لازم را از این مسأله در دستور کار نشراتی خویش ندارد چه رسد به اینکه این تدابیر در نشرات رسانه‌های خصوصی نیز اتخاذ شده و اعمال گردد.

به این ترتیب دیده می‌شود که متأسفانه قانون اشخاص دارای معلولیت در بستر عملی به شدت مهجور مانده و ارزش لازم به آن داده نشده است. امید می‌رود تا وزارت‌های مرتبط و نهادهای مؤظف نسبت به عملی ساختن مواد و مفاد این قانون توجه لازم نموده و مسوولیت ملی و انسانی خویش را در این خصوص ادا نمایند.

## اما به نظر می‌رسد که بسیاری از اشخاص دارای معلولیت فعال در عرصه‌ی حقوقی شان مواد بسیاری از این قانون آن را حفظ باشند و همچنان منتظر اجرای این قانون. اما علی‌رغم تلاش‌های دادخواهانه، مشاهده می‌شود که بسیاری از مواد این قانون چهل ماده‌ای همچنان بسان نوشته‌های روی یخ باقی مانده اند.

ندارند. در بسیاری از موارد مشاهده شده است که معلمان رسمی موظف از سوی وزارت معارف کشور با متعلمین ناشنوا یا کم‌شنوا برخوردهای نادرستی داشته و آنان را مورد توهین و تحقیر قرار داده اند. اختصاص 5 درصد از بورسیه‌ها و 25 درصد از هزینه‌ی تحصیلی نیز در خیلی از موارد، رعایت نشده است. دستکم اینکه مرکز اجتماعی معلولین شاهد این مسأله بوده است که بسیاری از مؤسسات تحصیلی از پذیرش تخفیف 25 درصد در هزینه آموزش اشخاص دارای معلولیت سرباز زده و هیچ مرجع قانونی جهت اجرای این ماده از قانون نیز پاسخگو نیست.

ماده بیست و بیست و یک نیز به ایجاد مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای از سوی وزارت کار، اموراجتماعی، شهدا و معلولین اشاره و تدارک خدمات صحتی از سوی وزارت صحت عامه اشاره دارد و اعزام آنان را به خارج جهت درمان نیز مورد تأکید قرار

ارگان‌ها مطمح نظر قرار داده نشده است، بلکه حتی در ارگان‌های مرتبط با معلولیت نیز عملی نمی‌شد. جالب اینکه در بسیاری از موارد ارزیابی صحتی از معلولیت‌ها به شکل غیرقانونی و بدون ارتباط به وظایف مشخص در عرصه‌ی شغلی در روند استخدام اشخاص دارای معلولیت اعمال می‌گردد. به طور مثال، معاینه صحتی از چشم شخصی که به عنوان تلفنچی استخدام می‌شود از جمله مواردی بوده است که گزارش‌های مرکز اجتماعی معلولین شاهد عینی آن را دریافته است.

اسکان اشخاص دارای معلولیت نیز موضوع ماده بیست و چهارم این قانون است که شاروالی‌ها را به 50 درصد تخفیف حین فروش نمرات رهایشی و وزارت انکشاف شهری و سایر اداره‌های مرتبط را نیز به رعایت 20 درصد تخفیف ملزم می‌کند. با این وجود، هنوز هم اشخاص دارای معلولیت زیادی هستند که بدون داشتن

# توسعه و حقوق بشر برای همه

منبع: سایت سازمان ملل متحد با تلخیص

مترجم: محمدرضا گلکوهی



شعار امسال روز جهانی اشخاص دارای معلولیت این است که دسترسی و توانمندسازی تمام قابلیت‌های همگانی از مسایل مهم شامل‌سازی اند. روز جهانی اشخاص دارای معلولیت از سال 1992 تا کنون به منظور حمایت‌های همه جانبه از اشخاص دارای معلولیت و در راستای شمولیت آنان در جامعه تجلیل می‌گردد. در این روز فعالیت‌هایی به منظور افزایش آگاهی عمومی از موضوعات معلولیت صورت می‌گیرد تا در خصوص شامل‌سازی و دسترسی آنان مؤثر واقع شود.

دولت‌ها، نهادهای مربوطه‌ی سازمان ملل متحد، جامعه مدنی، نهادهای علمی و آموزشی و سکتور خصوصی همگی ترغیب می‌شوند تا با نهادهای فعال در عرصه معلولیت جهت مدیریت مسایل مرتبط با معلولیت و فعالیت‌ها در بزرگداشت این روز سهم گرفته و همواره همکار باشند.

در حدود یک میلیون اشخاص دارای معلولیت در سراسر جهان جهت شامل شدن در جنبه‌های مختلف اجتماعی با موانع مختلفی مواجه اند. در نتیجه، اشخاص دارای معلولیت نمی‌توانند از دسترسی به منابع به صورت مساوی برخوردار شوند؛ این منابع شامل مواردی چون ترانسپورت، استخدام و تعلیم و تربیت یا مشارکت مساوی در عرصه‌های

اجتماعی و سیاسی می‌گردد. راهکار مشارکت آنان در حیات سیاسی یک نیاز اساسی برای ایجاد دموکراسی مستحکم و پایدار است تا در پرتو آن بتوان شهروند فعال را پرورش داده و بی‌عدالتی را از جامعه کاهش داد.

اشخاص دارای معلولیت باید به صورت کامل از ایفای نقش شان در جامعه برخوردار شده و به منابع اساسی بسان سایر شهروندان دسترسی داشته باشند. تمرکز روی معلولیت و عدم معلولیت اشخاص یک امر مهم است. در اغلب موارد، تصویر اشخاص دارای معلولیت از سنت‌های نادرستی شکل گرفته است که آمیخته با تبعیض بوده و آنان را لکه‌ی ننگی برای شان می‌شمارند. این تفکرات غلط موانعی بزرگی را فراروی آنان خلق نموده و باعث می‌شود تا اشخاص دارای معلولیت از توسعه و دسترسی برابر به امکانات باز مانده نتوانند در فرایند توسعه شامل شوند. نکته‌ی مهم این است که معلولیت جزء جداناپذیر از وضعیت انسانیت است. هرکدام از ما به نحوی در جریان زنده‌گی خویش دچار معلولیت هستیم یا خواهیم شد.

بنابراین، رشد توانمندسازی، فرصت‌های واقعی را برای تمام مردم ایجاد می‌کند. افزایش این فرصت‌ها، اشخاص را در راستای تنظیم ظرفیت‌ها

و اولویت‌های حیاتی شان حمایت خواهد کرد. توانمندسازی شامل اشتغال، صحت، تغذیه، تعلیم و تربیت و مراقبت‌های اجتماعی است. هرگاه اشخاص توانمند شوند، آمادگی بهتری برای گرفتن امتیازات خویش دارند، در ایجاد تغییر مثبت، هوشیارتر عمل نموده و به خوبی پذیرای مسئولیت‌های مدنی خویش خواهند بود.

برخی شعارها برای روز جهانی اشخاص دارای معلولیت در سال 2015

1- شمولیت و قابل دسترس‌سازی شهرها برای همه تخمین زده می‌شود که تا سال 2050 حدود 66 درصد از جمعیت جهان در شهرها زنده‌گی خواهند کرد. کنفرانس جهانی سازمان ملل متحد در خصوص خانه‌سازی و توسعه پایدار که در سال 2016 برگزار خواهد شد، در نظر دارد تا از تجربه‌ها و آموزه‌های گذشته استفاده گردد تا برنامه‌ی جدید شهرسازی را دیزاین نماید. این برنامه روی سیاست‌ها و استراتژی‌های تمرکز خواهد کرد که بتواند روند بی‌رویه‌ی سکونت در شهرها را مهار سازد. بخش مسکن سازمان ملل متحد یک اعلامیه را جهت سیاست‌گذاران توسعه شهرنشینی در جهان تهیه خواهد کرد تا کسانی که در عرصه‌ی معلولیت کار می‌کنند نیز با استفاده از آن کوشش‌های کنونی خویش را در جهت

تغییرات مثبت از هویت خویشتم مورد بازنگری قرار دهند.

موارد مهم در نقشه‌ی شهری جدید این است که شهرها، شهرک‌ها، بسترهای اساسی شهرها و خدمات آنان دارای محیط زیست پاک، دسترسی مطمئن و استفاده‌ی آسان مهیا شده و بتواند اشخاص دارای معلولیت را نیز تحت پوشش خدمات خود داشته باشد. روز جهانی اشخاص دارای معلولیت فرصتی است تا روی فعالیت‌های بهتر در راستای ساختن شهرهای همه شمول بحث‌های کارشناسانه و دیدگاه‌های مسلکی ارائه گردد.

2- رشد آگاهی از معلومات و آمار معلولیت کمبود آگاهی از موضوع معلولیت و وضعیت

اشخاص دارای معلولیت در اقصای اجتماعی باعث شده است تا آنان در آمارهای رسمی قابل دید و شمار نباشند. این حالت یک مانع بزرگ فراروی شمولیت اشخاص دارای معلولیت در روند سیاست‌گذاری توسعه و اجرای آن است. به صورت ویژه باید معلومات راجع به معلولیت طبق استندردهای ملی یک کشور جمع آوری شده و در اجرا و نظارت از اهداف توسعه‌ی یک کشور برای اشخاص دارای معلولیت مورد

استفاده قرار گیرد. این برنامه باید براساس اعلامیه توسعه پایدار تا سال 2030 صورت گیرد.

روز جهانی اشخاص دارای معلولیت فرصت مناسب برای فعالیت‌هایی است که در نتیجه‌ی آن مقیاس تقویت ظرفیت‌های ملی جهت رشد آگاهی از موضوعات معلولیت برجسته گردد. این روز همچنان فرصتی است تا در آن چالش‌های موجود فراراه معلولیت یادآوری شده و راه بیرون رفت از آن نیز برای اشخاص دارای معلولیت و نهادهای فعال در این عرصه یادآوری گردد. نشر معلومات و اطلاع رسانی از آمارهای موجود در نهادهای مرتبط با موضوع معلولیت

مسأله دیگری است که نباید در این روز فراموش شود.

3- شامل شدن اشخاص دارای معلولیت پنهان در جامعه و روند توسعه

اشخاص دارای معلولیت روانی و فیزیکی بیانگر یک قرینه معنادار از جمعیت جهان است. میلیون‌ها شخص در سراسر جهان به نحوی دارای مشکلات روانی بوده و به صورت تخمینی از هر چهار شخص یکی از آنان در طول زندگی شان معلولیت روانی را تجربه کرده اند. نزدیک به یک میلیون تن در جهان سالانه بر اثر خودکشی جان خویشتم را از دست می‌دهند و خودکشی سومین عامل مرگ و میر در بین

اشخاص دارای معلولیت باید به صورت کامل از ایفای نقش خویشتم در جامعه برخوردار شده و به منابع اساسی بسان سایر شهروندان دسترسی داشته باشند. تمرکز روی معلولیت و عدم معلولیت اشخاص یک امر مهم است. در اغلب موارد، تصویر اشخاص دارای معلولیت از سنت‌های نادرستی شکل گرفته است که آمیخته با تبعیض بوده و آنان را لکه‌ی ننگی برای شان می‌شمارند. این تفکرات غلط موانعی بزرگی را فراروی آنان خلق نموده و باعث می‌شود تا اشخاص دارای معلولیت از توسعه و دسترسی برابر به امکانات باز مانده و نتوانند در فرایند توسعه شامل شوند. نکته‌ی مهم این است که معلولیت جزء جداناپذیر از وضعیت انسانیت است. هرکدام از ما به نحوی در جریان زندگی خویشتم دچار معلولیت هستیم یا خواهیم شد.

جوانان است. اشخاص دارای معلولیت روانی به طور معمول با تبعیض و توهین مواجه شده و تجربه‌های مشابه با سوء استفاده‌هایی دارند که برای اشخاص دارای معلولیت جسمی یا جنسی در زندان، شفاخانه یا خانه اتفاق افتاده است. اشخاصی که دارای معلولیت‌های غیر قابل دید دیگر هستند، امثال ناشنویان نیز با خطر بالایی در زمینه‌ی محرومیت از فعالیت‌های روزمره، تعلیم و تربیت یا فعالیت‌های اجتماعی دیگر مواجه اند.

روز جهانی اشخاص دارای معلولیت می‌تواند برای جلب توجه به وضعیت آن عده از اشخاص

دارای معلولیت مورد استفاده قرار گیرد که به معلولیت‌های روانی، ذهنی یا شنوایی گرفتار اند و در بیشتر اوقات در معرض دید نبوده و قابل توجه نیستند. این روز به همان اندازه که می‌تواند در راستای تعیین فعالیت‌های موثر جهت آموزش فراگیر یا فعالیت‌های اجتماعی به منظور افزایش آگاهی عمومی از موضوعات معلولیت مورد بهره برداری قرار گیرد، به همان اندازه در برجسته ساختن پیشنهادها خوب نیز قابل استفاده است.

رویدادها در مقر سازمان ملل متحد

1- اجرای برنامه‌های توسعه‌ای پس از سال 2015 برای اشخاص دارای معلولیت

در نشست با موضوع "توسعه پایدار" که در ماه سپتمبر در نیویارک برگزار می‌گردد، راجع به فراهم ساختن راهکار ایده آل برای جامعه جهانی بحث خواهد شد تا اهداف توسعه پایدار چگونه در راستای توسعه شامل‌سازی اشخاص دارای معلولیت، یک چهارچوب مناسب را وضع نماید.

از این رو، موضوع بحث این میزگرد، تعیین آدرس‌های مشخص جهت پرداختن به موقع به ابعاد سه گانه توسعه (زیست محیطی، اقتصاد و اجتماعی) است. انتظار می‌رود تا این بحث راه‌هایی را برجسته سازد که چگونه برنامه توسعه پایدار تا سال 2030، شمولیت تمامی اشخاص را در جامعه عملی سازد.

برای برنامه توسعه پایدار موضوع شمولیت اشخاص دارای معلولیت و توانمندسازی آنان در راستای دسترسی به اهداف توسعه پایدار از اهمیت خاصی برخوردار است.

2- جشنواره فیلم "فعال‌سازی" سازمان ملل متحد همه ساله فیلم‌های مرتبط با موضوع معلولیت در "جشنواره فیلم فعال‌سازی سازمان ملل متحد" ارائه می‌گردد تا مسایل درحال ظهور یا مسایلی که در این خصوص مورد غفلت قرار می‌گیرند، برجسته شود. این جشنواره چشم‌انداز کلی از تنوع اجتماعی، جغرافیای متغییر و تنظیمات منطقه‌ای یا تنوع جامعه انسانی را با توجه به مسأله معلولیت برجسته می‌سازد.



# ضرورت نگاه

## جدی و اجرایی

### به میثاق جهانی حقوق اشخاص دارای معلولیت

داکتر محمد کمالی



#### CONVENTION on the RIGHTS of PERSONS with DISABILITIES

با گذشت قریب به سه دهه از سال جهانی اشخاص دارای معلولیت در 1981 و برقراری روز جهانی اشخاص دارای معلولیت در سوم دسمبر هر سال، به نظر می‌رسد میثاق جهانی حقوق اشخاص دارای معلولیت به عنوان یک خواسته اساسی این جامعه، رنگی از واقعیت به خود گرفته است. در آستانه سال 2010 میلادی، کشورهای زیادی مهر و امضای خود را پای این میثاق انداخته اند و حداقل در ظاهر با موضوع رعایت حقوق اشخاص دارای معلولیت در جامعه همراهی کرده اند. هر چند هنوز برخی کشورها به این پیمان نپیوسته اند، اما شرایط اجرایی میثاق به گونه‌ای است که این امر مانع از اجرای آن نخواهد شد. البته نباید به صرف امضا و تصویب میثاق و تبدیل آن به یک قانون ملی همه چیز را پایان یافته دانست، بلکه تجربه نشان داده است که این خود آغازی است بر یک پایان و بعد از همه این اقدامات باید به رعایت همه جانبه قانون در سطح جامعه نگریست که تا چه حد انجام خواهد شد. به گونه‌ای که دیگر هیچ گونه تبعیضی بین سایر شهروندان و شهروندان دارای معلولیت در عمل دیده نشود و این مسیری بسیار سترگ و سخت است چه ذهنیت‌ها و نگرش‌های جامعه علی‌رغم بالا رفتن میزان آگاهی‌ها در مورد ناتوانی و معلولیت هنوز هم منفی است و تلاشی مضاعف برای غلبه بر آن لازم است.

مسیر تصویب میثاق جهانی حقوق اشخاص دارای معلولیت در افغانستان در مرحله‌ی قانون‌گذاری به خوبی سپری شده و افغانستان در سال 1390 به صورت رسمی به این میثاق پیوسته و قوه مقننه کشور الحاق افغانستان را

لازم است تا با جدیت و تلاش دو چندان و گسترش فعالیت‌های خود اجرای این قوانین را از دولت‌مردان خواستار شود.

از سوی دیگر واژه "قانون" نکته‌ی مهمی را به ذهن متبلور می‌سازد و آن اینکه تنها گروه اشخاص دارای معلولیت نیستند که در این حیطه مسوولیت دارند بلکه آنچه از آن مستفاد می‌شود، آن است که نهادهای دولتی وظیفه‌ای بس خطیر در اجرای قانون بر عهده دارند. بنابراین خطاب دیگر این سطور مجریانی هستند که در متن هر دو قانون از آنان به صراحت نام برده شده است و در قبال آن مسوولیت اجرایی دارند. در قانون حقوق و امتیازات اشخاص دارای معلولیت سازمان‌ها و نهادهای مختلفی مورد خطاب قرار گرفته اند تا امور اشخاص دارای معلولیت را در جامعه سازمان دهند و به آنان مثل سایر شهروندان خدمت رسانی کنند. از سوی دیگر مسوولان دولتی در قبال قانون

به این میثاق مورد تأیید قرار داد. پیش از آن نیز افغانستان دارای قانون ملی حقوق و امتیازات اشخاص دارای معلولیت بود و این قانون طی مصوبه ۱۵۶ مورخ 1388/۹/28 ولسی جرگه تصویب و بعد از توشیح رییس جمهوری در سه فصل و چهل ماده در جریده رسمی به نشر رسید.

بنابراین، در حال حاضر جامعه اشخاص دارای معلولیت کشور از پتانسیل قانونی مناسبی برای پیگیری حقوق مورد غفلت واقع شده خود در طول سالیان گذشته برخوردار شده است. دو قانون جامع حمایت از حقوق اشخاص دارای معلولیت در سطح ملی و بین‌المللی دست‌آویز بسیار گران‌بهایی برای این پیگیری را فراهم کرده است. اینک کمیته دادخواهی از حقوق اشخاص دارای معلولیت که مدتی است با حضور سازمان‌های غیردولتی اشخاص دارای معلولیت تشکیل و کار خود را آغاز نموده است





واژه "قانون" نکته‌ی مهمی را به ذهن متبلور می‌سازد و آن اینکه تنها اشخاص دارای معلولیت نیستند که در این حیطه مسوولیت دارند بلکه آنچه از آن مستفاد می‌شود، آن است که نهادهای دولتی وظیفه‌ای بس خطیر در اجرای قانون بر عهده دارند. بنابراین خطاب دیگر این سطور مجریانی هستند که در متن هر دو قانون (میثاق جهانی و قانون ملی حقوق و امتیازات اشخاص دارای معلولیت) از آنان به صراحت نام برده شده است و در قبال آن مسوولیت اجرائی دارند. در قانون حقوق و امتیازات اشخاص دارای معلولیت سازمان‌ها و نهادهای مختلفی مورد خطاب قرار گرفته اند تا امور اشخاص دارای معلولیت را در جامعه سازمان دهند و به آنان مثل سایر شهروندان خدمت رسانی کنند. از سوی دیگر مسوولان دولتی در قبال قانون حقوق و امتیازات اشخاص دارای معلولیت و میثاق جهانی حقوق اشخاص دارای معلولیت نیز جدیتی در خور و شایسته از خود نشان دهند



مناسب برای کارشناسان و مجریان می‌تواند زمینه ساز رشد آگاهی‌های عمومی و تغییر نگرش نسبت به اجرای قوانین فوق برای اشخاص دارای معلولیت باشد.

برای تحقق شعار امسال روز جهانی اشخاص دارای معلولیت که شامل‌سازی و توانمندسازی اشخاص دارای معلولیت را هدف گرفته است باید نگاه به موضوع اشخاص دارای معلولیت در جامعه اصلاح شود. نگاه ناشی از ترحم و دیدگاه خیریه‌ای به این موضوع باید به نگاهی حقوقی و شهروندی اصلاح شود تا همگان در توسعه جامعه از نقشی مناسب و با فرصتی برابر برخوردار شوند. اشخاص دارای معلولیت شهروندانی درجه دوم نیستند، بلکه نیازمند نگاهی ویژه اند تا بسترهای حضورشان در جامعه به نوعی دیگر از شهروندان غیرمعلول فراهم شود و این وظیفه جامعه است نه اینکه جامعه از سر لطف به آنها عمل کند.

است. قوانین معمولاً بر اساس اطلاعات نخبگان نوشته می‌شود، گاه ممکن است مجریان و حتی بسیاری از ذی‌نفعان نیز در مورد قانون مصوب از اطلاعات و دانش کافی برخوردار نباشند. این مساله در بسیاری موارد مانعی اساسی برای اجرای قانون خواهد بود. از سوی دیگر، علی‌رغم داشتن آگاهی، وجود نگرش‌های منفی است که مانعی جدی برای اجرای قوانین فراهم می‌آورد. این در حالی است که معمولاً ذی‌نفعان چنین موضعی را کمتر نشان می‌دهند. به هر حال فقدان آگاهی مجریان و ذی‌نفعان و وجود نگرش منفی در مجریان، دو عامل مهمی هستند که باید به شکلی جدی از سوی جامعه اشخاص دارای معلولیت و دست اندرکاران اصلی اجرای قانون در نظر گرفته شود. ساخت برنامه‌های مناسب در رادیو و تلویزیون، انتشار مقالات، کتب و جزوه‌های آموزشی در سطح عمومی و برگزاری همایش‌های ملی و گارگاه‌های آموزشی

حقوق و امتیازات اشخاص دارای معلولیت و میثاق جهانی حقوق اشخاص دارای معلولیت نیز جدیتی در خور و شایسته از خود نشان دهند. مسوولیت کلیدی اجرای این قانون بر عهده وزارت کار، امور اجتماعی، شهدا و معلولین قرار داده شده است. بدیهی است که این وزارت باید به لحاظ ماهیت وجودی خود، مسوولیت کلیدی تحقق آن را بر عهده بگیرد و با علاقمندی و درک صحیح از واقعیت‌های موجود، دولت را برای در نظر گرفتن حقوق اشخاص دارای معلولیت در کلیه امور متقاعد سازد.

اجرای کامل یک قانون، زمانی میسر خواهد بود که همه مجریان و ذی‌نفعان در مورد آن از آگاهی، نگرش و عملکرد مطلوبی برخوردار باشند. تجربه نشان داده است که هرگاه هر یک از این اصول و پایه‌ها با اختلالی روبرو گردد، اجرای کامل قانون را شاهد نخواهیم بود. عنصر آگاهی از اهمیت زیادی برخوردار

# اعتماد به نفس



آصف احساس

## کلید موفقیت اشخاص دارای معلولیت



دسته‌ی دیگر نیز اشخاصی اند که از حوادث مختلفی چون تصادف‌ها، بیماری، جنگ و سایر حوادث متأثر شده و معلولیت با آنان همراه شده است.

به هر حال، هر دو دسته از اشخاص دارای معلولیت به دلیل اینکه از جانب جامعه، اعضای خانواده، دوستان و آشنایان مورد بی‌مهری قرار گرفته و به نحوی جایگاه اجتماعی و شأن شایسته‌ی

خویش را کسب نمی‌توانند، ممکن است دچار سرخوردگی‌ها شده و حس اعتماد به نفس شان را از دست بدهند.

لذا این اشخاص نیازمند عناصری اند که بتوانند اعتماد به نفس از دست رفته شان را بازگردانده و با مشکلات روحی - روانی شان فایده‌ی آیند. اما باید دید که چه کس یا کسانی در بازگشت این حس اعتماد به نفس نقش موثری را ایفا می‌توانند و چه عناصر و عوامل در این امر دارای نقش حیاتی می‌باشند. تجربه‌های به



یک شخص دارای معلولیت روحیه‌ی زنده‌گی کردن و امید خود را از دست بدهد نمی‌توان توقع داشت که زنده‌گی سالم و سرشار از آرامشی داشته باشد.

عناصر تأثیرگذار در تقویت اعتماد به نفس اشخاص دارای معلولیت

اشخاص دارای معلولیت دو دسته اند؛ برخی از آنان کسانی اند که از ابتدای حیات خویشتن به دلایل مختلف ژنتیکی، کمبود مواد معدنی و ویتامین‌ها و... دچار معلولیت شده اند.

زنده‌گی پر است از فراز و نشیب‌هایی که در آن لحظه‌های متضاد برای انسان ظاهر شده و هرکدام حالت‌های احساس خاصی را برای او به بار می‌آورد.

تمام انسان‌ها در روزگار خویشتن تجربه‌های مختلفی را داشته اند که در آن لحظه‌ها گاهی امیدوار بوده اند و زمانی هم ناامید؛ اما بدترین حالت زمانی است که انسان "امید" خویشتن را از دست داده و به فراموشی بسپارد زیرا به قول گابریل گارسیا مارکز؛ نویسنده چیره دست کلمبیایی «امید آخرین چیزی است که می‌میرد.» وقتی امید می‌میرد، هیچ اعتمادی به نفس انسان وجود ندارد و همان لحظه پایان زنده‌گی خواهد بود.

بدون شک دنیای امروز انباشته از مشکلاتی است که تحمل آن روح و روان بسیاری از انسان‌ها را آزرده ساخته و ممکن است عنان مقاومت را از کف وی ربوده و حس اعتماد به نفس وی را نابود سازد. اما در این میان هستند کسانی که افزون بر مشکلات روحی و روانی، محدودیت‌های جسمی نیز زنده‌گی شان را احاطه نموده و این مسأله باعث شده است تا حس اعتماد به نفس شان با فشارهای کم‌ترین از بین رفته یا در حد زیادی کاهش یابد. این اشخاص همانا کسانی است که به نحوی دچار معلولیت شده و بخشی از جسم شان به شکل طبیعی فعالیت ندارد. مقاومت این اشخاص در برابر فشارهای زنده‌گی یکی از ضرورت‌های جدی و اساسی این اشخاص است. زیرا هرگاه

دست آمده از زنده‌گی اشخاص دارای معلولیت و توصیه‌های کارشناسان متخصص در این عرصه نشان می‌دهد که عناصر و عوامل ذیل در این خصوص تأثیرگذاری خاصی داشته و می‌تواند در اعاده‌ی اعتماد به نفس اشخاص دارای معلولیت نقش ایفا نمایند.

1- شخص دارای معلولیت: اولین و مهم‌ترین کسی که می‌تواند نقش بسیار موثری در این امر داشته باشد خود شخص دارای معلولیت است که به نوعی مشکل جسمی و حرکتی دارد. اگر شخص دارای معلولیت خودش را قبول داشته باشد و روحیه‌ی مناسب و امید به زنده‌گی را در خود تقویت کند هیچ‌گونه مشکلی نمی‌تواند مانع پیشرفت و موفقیت او شود.

2- خانواده: در درجه دوم خانواده شخص دارای معلولیت می‌تواند نقش موثری در تقویت اراده و روحیه شخص داشته باشد. اگر خانواده بین فرزند دارای معلولیت و غیرمعلول خود تفاوت قائل نشود و به دور از هر گونه ترحم و دل‌سوزی سعی در استقلال فرزند خود داشته باشد می‌توان امیدوار بود که شخص دارای معلولیت در زنده‌گی شخصی و آینده‌ی خود بسیار قوی و غیر قابل شکست حاضر شود.

3- دوستان و همسالان: دسته دیگر، دوستان و همسالان شخص دارای معلولیت هستند. طی دوران تحصیلی، دانشگاه، امور شغلی، تفریحی و تمامی مراحل زنده‌گی، همسالان و دوستان اشخاص دارای معلولیت می‌توانند نقش موثری در زنده‌گی آنها داشته باشند. چه بسیار اشخاصی که به خاطر داشتن دوست و هم صحبت خوب و مفید، به زنده‌گی امیدوار شده اند و تمامی سختی‌ها را به جان خریده اند تا

پایه پای دوستان خود برای داشتن آینده‌ای روشن تلاش کنند.

4- مسوولین و متصدیان امور: دسته بعدی مسئولان و مجریان امور هستند. اگر مسئولان و مجریان هر جامعه‌ای برای حضور اشخاص دارای معلولیت در بین اجتماع مردم تلاش کنند بطور حتم راهکارهای مختلفی نیز برای حل مشکلات به وجود خواهد آمد. در این بین تنها چند ارگان خاص دولتی و غیردولتی مسئول تمامی اوامر نیست بلکه تک تک شهروندان جامعه مسئول اجرای امور هستند. از بین بردن مشکلات مختلف اشخاص دارای معلولیت تنها مختص قشر خاص و سازمان خاصی نمی‌شود. اشخاص دارای معلولیت هم عضوی از اجتماع عظیم

خلاصه اینکه همه ما به حقیقت اشخاص دارای معلولیت و با استعدادی را دیده ایم که درخشیده اند و مقام‌های بسیار با ارزشی کسب کرده اند. پس در اینکه می‌توان روی اشخاص دارای معلولیت حساب کرد شکی نیست. اما در این بین برمی‌گردیم به اراده و روحیه خود اشخاص دارای معلولیت. آیا یک شخص دارای معلولیت اعم از جسمی و حرکتی می‌تواند آن قدر به خود و اراده خود ایمان داشته باشد که حتی مشکلات نیز نتواند در تضعیف روحیه اش موثر باشد؟ البته که می‌تواند، اما رسیدن به این مرحله از اراده نیازمند عزم راسخ و پشتکار عظیم است.



## اگر اعتماد به نفس داشته باشید هر روز صبح می‌تواند آغاز یک روز خوب باشد

مردم هستند و به‌علت داشتن شرایط جسمی خاص نیازمند خدمات خاصی نیز هستند. شکی نیست که داشتن روحیه مناسب، شاد و اراده‌ی محکم و قوی مستلزم دیدگاه روشن بینانه اجتماع است. وقتی شخص دارای معلولیتی شروع به تلاش و تکاپو برای ساختن آینده‌ی روشن برای خود و جامعه می‌کند، اگر اشخاص مختلف و خانواده‌ها و تمامی اقشار جامعه مدام کمبودها و نواقص جسمی او را گوشزد کنند آنگاه دیگر نمی‌توان امیدوار بود که عاقبت جامعه دارای معلولیت به سرانجام شیرین و دلپذیر برسد.

شخص دارای معلولیت اگر خود را قبول کند و به خدای خود ایمان داشته باشد و مطمئن باشد که به همه چیز خواهد رسید پس مشکلات و فراز و نشیب‌ها نمی‌تواند مانع رسیدن او به اوج قله‌های خوشبختی و موفقیت شود. اگر از خداوند یاری بخواهیم و عزم خود را جزم کرده و حرکت کنیم همچنین به داشتن آینده‌ای درخشان امیدوار باشیم دیگر دلیلی برای یاس و نومیدی نخواهد ماند.



# سالمندی و معلولیت

«به مناسبت روز جهانی سالمندان / اول اکتوبر»

روز جهانی سالمندان (اول اکتوبر) یکی از مناسبت‌هایی است که همگان را وامی دارد تا به بررسی وضعیت عمومی سالمندان، نحوه‌ی ارایه خدمات درمانی، صحت و توانبخشی به آنان، ارتباط سالمندی با معلولیت و تاکید آموزه‌های دینی و ملی در رابطه به سالمندان پرداخته و اقدام‌های موثری در این راستا انجام دهند.



مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۱۹۹۰، اول اکتوبر را روز جهانی سالمندان اعلام کرد. روزی که در آن، وضعیت سالمندان و مشکلات و خواسته‌های آنان در مرکز توجه جوامع قرار می‌گیرد. در سال ۲۰۰۲ نیز نماینده دولت‌های مختلف دراجلاسی در مادرید تعهد کردند که برای تامین امنیت سالمندان کوشا باشند و زمینه را برای شرکت آنان را در امور سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جوامع خود یاری رسانند. اما به نظرمی رسد که هنوز هم کشورهای در انجام این تعهدات خود تعلل می‌کنند.

حقیقت این است که وقتی سن و سال به مرز کهولت و پیری می‌رسد، اعضای بدن نیز از یاری دادن صاحب خویشتن به شکل شایسته‌ی آن باز می‌مانند و محدودیت‌های اجتماعی نیز، شخص کهن سال را احاطه می‌کند. به همین دلیل در اندیشه‌ی بسیاری از ما سالمند، شخص کم‌توان است که عصا در دست دارد و از اشخاص دارای معلولیت نیز چنین خصوصیتی در ادبیات نانوشته‌ی ما وجود دارد. همین امر ارتباط وثیق سالمندی را با معلولیت روشن ساخته و سالمندان را نیز در جمع اشخاص دارای معلولیت قرار می‌دهد.

روز جهانی سالمندان (اول اکتوبر) یکی از مناسبت‌هایی است که همگان را وامی دارد تا به بررسی وضعیت عمومی سالمندان، نحوه‌ی ارایه خدمات درمانی، صحت و توانبخشی به آنان، ارتباط سالمندی با معلولیت و تاکید آموزه‌های دینی و ملی در رابطه به سالمندان پرداخته و اقدام‌های موثری در این راستا انجام دهند.

دراغانستان نیز بسیاری از سالمندان، درحالی‌که هیچ مساعدتی از حکومت دریافت نمی‌کنند، همواره متکی به حمایت خانواده و فرزندان خود می‌باشند. اما سالمندان زیادی هم وجود دارند که حتی از حمایت‌های خانواده نیز محروم اند؛ چون سال‌های متمادی جنگ، خانواده‌ها و فرزندان شان

بر اساس گزارش جدید سازمان غیردولتی HelpAge International با همکاری دانشگاه «سوتامپتون»، شاخص «ناظر سن جهانی» به مطالعه روی رفاه اجتماعی و اقتصادی جمعیت مسن در 96 کشور جهان می‌پردازد. این شاخص زندگی اشخاص مسن را در چهار حوزه کلیدی

را از آنها گرفته است و بسیاری از آنها از دسترسی به ابتدایی‌ترین امکانات زندگی و حتی سه وعده غذا و مسکن برای زندگی محروم اند، شماری هم هستند که برای امرارمعاش مجبوراند دست به گدایی یا کارهایی بزنند که انجام آن برای یک شخص سالمند بسی دشوار است.



# ۵ راز موفقیت برای اشخاص دارای معلولیت

شامل درآمد، سلامت، تحصیل و همچنین اشتغال و فراهم سازی محیط فیزیکی و اجتماعی مناسب مورد مطالعه قرار داده است.

کشورهای سوئیس، ناروی، سوئد، آلمان و کانادا در پنج رتبه ی نخست این رده بندی قرار می گیرند. رتبه نهم و دهم نیز به ترتیب به امریکا و انگلیس اختصاص دارد. غیر از جاپان که رتبه هشتم را به دست آورده، تمامی 10 کشور نخست این رتبه بندی از بین کشورهای اروپا و امریکا شمالی هستند.

افغانستان نیز در این رتبه بندی جایگاه آخر را به خود اختصاص داده است. کشورهایی که برای ارتقای کیفیت زندگی افراد مسن سرمایه گذاری می کنند رتبه های بالاتر را از آن خود کرده و سیاست هایی را اعمال کرده اند که به وضعیت مستمری و خدمات سلامتی سالمندان توجه می کند. همچنین فراهم کردن شرایط محیطی فیزیکی و اجتماعی مناسب برای اشخاص مسن بخشی دیگر از این سیاست ها است.

دربسیاری از کشورهای جهان، در نبود خانواده و عدم مسئولیت پذیری آنها، این حکومت ها اند که مسئولیت مراقبت از سالمندان را برعهده دارند. لذا می طلبد تا نگاه دوباره ای به مقوله ی سالمندی و معلولیت از دریچه های تازه و رهگذر نو صورت گیرد تا بتوان از خلال ناتوانی و ضعف، امید و آسایش بهتری برای سالمندان مهیا ساخت. آنچه مسلم است اینکه سالمند و اشخاص دارای معلولیت برای حضور موثر در جامعه، به جز نگاه ترحم آمیز و نگران، فرصت دیگری می خواهند. حضوری که منجر به افزایش شأن و احترام شود نه دل سوزی، حضوری که به مشارکت اجتماعی بیانجامد نه انزوا و گوشه گیری.

روز جهانی سالمندان فرصتی است تا با تجدید نگاه و مورد توجه قرار دادن سالمندان مشارکت نموده و حضورمان نه تنها در راستای رفاه و راحتی این قشر آسیب پذیر، بلکه در جهت تغییر نگاه کلیشه ای و محدود به آنها باشد. از جانب دیگر، این روز باید مسیری را فراروی دولت ایجاد نماید که بر مبنای آن بتواند حمایت های مالی و اجتماعی را نسبت به سالمندان جلب نموده و خدمات ملی و دولتی را نیز برای آنان مهیا سازد. زیرا حقیقت مسلم این است که با تحول حیات بشری از حالت سنتی آن به وضعیت مدرن، سالمندان از دایره ی زنده گی خانوادگی جدا افتاده و از حمایت های خانوادگی به صورت بی سابقه ای محروم می شوند. این امر می طلبد تا خدمات دولتی در قالب مراکز نگهداری و مراقبت از سالمندان ارائه گردد تا کهن سالانی که به دلیل کهنولت سنی دچار معلولیت شده و از حمایت خانواده های نیز محروم اند، در این مراکز مورد مراقبت و حفاظت قرار گیرند. شکی نیست که در نبود چنین میکانیزم حفاظتی از سالمندان، تجلیل از این روز سود و حاصلی ندارد. هرچند دولت افغانستان تاکنون حتی به صورت سمبولیک هم نتوانسته یا نخواسته است از این روز تجلیل به عمل آورده و اقدام های موثری در این خصوص انجام دهد.

دیگری نیز هستند که از مشکلات مشابه رنج می برند اما با وجود این، بر سختی های زنده گی فایق آمده اند. با مشکلات و تنگناهای همتایان خود آشنا شوید و از آنها بخواهید به شما نشان دهند که چگونه برای رسیدن به اهداف شان تلاش کرده اند. با اشخاصی معاشرت کنید که تحسین شان می کنید. وقتی با کسانی هستید که اشخاص موفقی هستند بیشتر می توانید خودتان را باور کنید.

4- باورهای منفی را رد کنید. همیشه کسانی هستند که آیه ی یأس می خوانند و انسان ها را در انجام اهداف شان دلسرد می کنند. در بسیاری از موارد دیده می شود که شخص دارای معلولیت با قدرت اراده و پشتکار تصمیم به انجام کاری گرفته است که خوشبختی او را در آینده تضمین می کند اما تعدادی از اطرافیان دور و نزدیک، او را این گونه با باورهای منفی درگیر می کنند: «تو از توانایی جسمانی لازم برای انجام چنین کاری برخوردار نیستی»، «مگر شرایطت را نمی بینی؟ بهتر است هدف کوچک تری را انتخاب کنی و بلند پرواز نباشی» و یا عده ای به خاطر ناآگاهی از استعداد های شخص دارای معلولیت و یا از سر ترحم با ابراز جملاتی نظیر این که «روحیه تو با قرارگرفتن در چنین اماکنی آسیب می بیند»، «ممکن است رفت و آمد تو در شهر با شرایطی که داری خطرناک باشد»، «معاشر، پیاده روها و جاده ها به هیچ عنوان مناسب عبور و مرور تو نیست» و... مانع شکوفایی او می شوند حال اگر شما به این ندای منفی گوش کنید، از پرداختن به افکار مثبت باز می مانید. پس اگر کسی به شما گفت که نمی توانید کاری را انجام دهید، بهتر است توصیه های او را بشنوید اما آگاهانه و با خواست خودتان تصمیم نهایی را بگیرید. این که اطرافیان چه رفتار و واکنشی نشان می دهند چندان مهم نیست. نگاه خود شما به توانمندی های تان حائز اهمیت است.

5- از امتحان کردن نهراسید. حتی کوچک ترین پیروزی ها می تواند اعتماد به نفس تان را افزایش دهد و باعث شود دفعه ی بعدی که با یک مشکل یا هدف روبه رو شدید، بیشتر به خودتان اعتماد کنید. رفتارهای دفاعی را کنار بگذارید. وقتی به خودتان می گوید که نمی توانید به یک هدف خاص در زنده گی تان برسید، قبل از این که حتی تلاشی کرده باشید اجازه می دهید که شکست بخورید.

فراموش نکنید بازندگان در هر جواب مشکلی را می بینند، ولی برنده ها در هر مشکلی جوابی را می بینند؛ پس مثل برنده ها فکر کنید!

به یاد داشته باشید آنچه توانایی را می سازد، نیروی اراده است و اگر اراده بخواهد جاری شود، هیچ بهانه ای سد راهش نیست! به هر حال، عواملی وجود دارند که رازهای موفقیت اشخاص دارای معلولیت را تشکیل می دهند. این موارد را می توان به شرح ذیل برشمرد:

1- ارتباط اجتماعی موثر برقرار کنید و در جمع دوستان قرار بگیرید.

داشتن دوستان خوب برای اشخاص دارای معلولیت یک ضرورت است. بسیاری از اشخاص دارای معلولیت موفق تلاش می کنند با اعضای خانواده، دوستان و آشنایان خود بیش از پیش ارتباط و دیدار داشته باشند. داشتن رابطه ی سالم با اشخاص سرزنده و موفق باعث می شود شخص دارای معلولیت بتواند در مورد نگرانی ها و احساساتی که درباره خود و معلولیتی که دارد با آن اشخاص درد دل کند؛ از طرفی می تواند از پتانسیل و کمک هر یک از دوستانش استفاده کند و در جهت رسیدن به اهدافش قدم بردارد.

2- داوطلبانه در جامعه حاضر شوید. حضور در اجتماع نکته ی مهمی در زنده گی اشخاص دارای معلولیت است. اگر شخص دارای معلولیت بیماروزد که چگونه می تواند در اجتماع حضور یابد، هم به نوعی به خودش کمک کرده و هم به اشخاص دارای معلولیت دیگری که قصد دارند در جامعه حضور بیابند.

انتظار نداشته باشید در گوشه ای از خانه بنشینید و دیگران بدون آشنایی با شما و اطلاع از توانمندی های تان از شما دعوت به همکاری و حضور در اجتماع کنند. بلند شوید و با تکیه بر نیروی ایمان به اطرافیان و جامعه ثابت کنید شخص دارای معلولیت، شهروند مسئولیت گریز و دست و پا بسته ای که از نیروی ابتکار محروم باشد، نیست. خوش فکری و استعداد های تان را به همگان نشان دهید، به جامعه بیابید تا روی توانمندی ها و قابلیت های شما بیش از پیش حساب کنند.

3- با اشخاص دارای معلولیت موفق ارتباط داشته باشید. بی گمان نمی توان از نظر دور داشت که گاهی اوقات ممکن است احساس تنهایی کنید. در این شرایط صحبت کردن با شخصی که معلولیت مشابهی دارد می تواند موثر واقع شود و همه چیز را تغییر دهد. چرا که او مشکلات مشابهی دارد و از این نظر می تواند شما را به خوبی درک کند. با قرار گرفتن در گروه همتایان خود که توانسته اند به موفقیت های زیادی دست یابند، درمی یابید اشخاص

# صحت روانی؛ عوامل ابتلا و راهکارهای درمان آن

(به مناسبت روز جهانی صحت روانی / 10 اکتوبر)

حدس و گمانی است برگرفته از پاره‌ای گزارشات و آمارهای پراکنده از برخی مراکز صحتی که به اقتضای مناسبت روز جهانی بهداشت روانی تهیه و تنظیم شده است. هرچند این حدسیات (نه تحقیقات) می‌تواند به واقعیت نزدیک باشد اما طبیعتاً واقعی،

دارای مشکلات روانی نیز زنده‌گی شان را به شکل عزتمندانه به پیش ببرند. سعی این سازمان برآن است تا حقوق این اشخاص درپالیسی‌ها و قوانین درج شده و آموزش‌های مسلکی نیز به راه انداخته شود تا احترام به حقوق این اشخاص، درمان آنان و

دهم ماه اکتوبر از طرف فدراسیون جهانی صحت روان (WFMH) به عنوان "روز جهانی صحت روان" نام نهاده شده است. هزاران تن در جهان به دلیل عدم برخورداری از صحت روانی، از حقوق انسانی خویش محروم



دقیق و علمی نیست. وزارت صحت نیز نباید آن را به این صورت با عدد و رقم مطرح کند. هرچند ضرورت انجام تحقیقات جامع، علمی و قابل استناد و اعتماد در این زمینه به شدت احساس می‌شود و از برنامه‌های بسیار مفید این وزرات می‌تواند باشد. نکته دیگر این‌که وزیر صحت اعلام کرد وضع صحت روان در کشور ما نسبت به کشورهای منطقه در شرایط بهتری قرار دارد. این نظر از چند لحاظ قابل نقد است. اگر ایران را به‌عنوان کشوری که از سیستم منظم‌تری در خصوص تحقیقات آماری آسیب‌شناسی بیماری‌های روانی برخوردار است در نظر بگیریم، با توجه به این‌که درصد شیوع اختلالات روانی در ایران ۸ درصد از میانگین جهانی بالاتر است با این حال میزان ابتلا به بیماری‌های روانی در ایران نشان می‌دهد که ۲۳.۶ درصد مردم به این بیماری‌ها مبتلا هستند. حال چطور افغانستان با آمار اعلام شده از

رعایت کرامت انسانی شان در تصمیم‌های عمومی و رفتار مردمی به شکل یک کمپاین عمومی درآمده و محقق شود. این درحالی است که وزارت صحت عامه می‌گوید که 50 درصد مردم از نداشتن صحت روانی رنج برده و به نحوی با مشکلات و امراض روانی دچار هستند. مقامات وزارت صحت عامه می‌گویند که 30 درصد مردم به مشکلات روانی و 20 درصد آنان به امراض روانی مبتلا هستند. به گفته‌ی دکتر فیروزالدین فیروز؛ وزیرصحت عامه کشور، 60 درصد مردان افغانستان با اضطراب و 72 درصد زنان نیز با افسردگی مبتلا می‌باشند. این درحالی است که روح الله رضوانی، ماستر روانشناسی بالینی این آمار را قابل قبول نمی‌داند. وی معتقد است که آمار اعلام‌شده نه بر پایه تحقیقی آماری و متکی بر استانداردهای علمی، بلکه

اند. آنان نه تنها مورد تبعیض قرار گرفته، توهین شده و به حاشیه رانده می‌شوند، بلکه به انواع مختلف، مورد سوء استفاده‌ی جسمی و عاطفی در بخش‌های صحت روانی و امکانات صحتی جامعه قرار می‌گیرند. کیفیت پایین خدمات صحتی، کمبود کارکنان صحتی واجد شرایط و حرفه‌ای و امکانات صحتی ناسالم باعث شده است تا مراقبت از این اشخاص دشوار شده و آنان مورد خشونت بیشتر واقع شوند. شعار امسال روز جهانی صحت روانی که در روز دهم ماه اکتوبر از آن تجلیل به عمل می‌آید، "کرامت انسانی در صحت روانی" تعیین شده است. در این سال، سازمان جهانی صحت در صدد آن است تا آگاهی عمومی را نسبت به این مسأله افزایش دهد. کوشش‌ها براین امر متمرکز است که چگونه می‌توان مردم را متقاعد ساخت تا اشخاص

متوسط کشورهای منطقه شرایط بهتری دارد؟ نکته دیگر این که، آنچه وزیر صحت به عنوان تحلیل در مورد علت پایین بودن میزان بیماری‌های روانی در جامعه نسبت به سایر کشورها ارائه کردند داشت تفکر و زمینه‌های دینی و مذهبی در جامعه افغانستان بود. این درست است که تفکر دینی و مذهبی مکانیزم‌های دفاعی مفید و کارآمدی را در مواجهه با ناکامی‌ها، فجایع و استرس‌ها و مشکلات زندگی ایجاد می‌کند اما این سد آنقدر قدرتمند نیست که بتواند مانع بروز بیماری‌های روانی شود. گذشته از این که خود زمینه‌های مذهبی می‌تواند در اختلالاتی مانند وسواس عامل تشدیدکننده باشد. وسواس‌های فکری و رفتاری از اختلالات شایع در افغانستان است که اتفاقاً محتوای مذهبی در آن بسیار برجسته است.

با توجه به وضعیت فوق، لازم است تا برای درک موضوع باید در نخست سراغ درک اساسی از این مسأله رفت و تعریف درستی از صحت روان به دست آورد و به خوبی فهمید که صحت روان چیست؟

از نظر کارشناسان امور صحت، «صحت روانی یعنی داشتن احساس آرامش و امنیت درون و به دور بودن از اضطراب، افسردگی و تعارض‌های مزمن روانی. از منظر دیگر، صحت روانی؛ یعنی بهره‌مندی از سلامت ذهن و اندیشه و تفکر.»

اما اینکه پیامدهای این بیماری چیست و چه عوارضی را در زندگی اشخاص مبتلا به آن برجا می‌گذارد، کارشناسان براین باوراند که درصد قابل توجهی از بیماری‌های جسمانی، ریشه روان شناختی دارند و بهره‌مندی از صحت روان می‌تواند بر سلامت جسم اثر مثبتی داشته باشد. از آن سو، سلامت جسم نیز بستر مناسبی برای رسیدن به احساس امنیت درون و سلامت ذهن و روان است.

دوکتور بشیر احمد سروری، رئیس دپارتمان صحت روانی و کاهش تقاضای مواد مخدر وزارت صحت عامه می‌گوید، اگرچه مشکلات روانی توجه لازم و جدی صورت نگیرد پیامدهای ناگوار و گوناگونی را در قبال خواهد داشت. به باور وی، اگر مشکلات روانی یک شخص به موقع حل نگردد، امکان دارد که بیماری وی مضاعف شده و زمینه‌ی ابتلای وی به دیگر انواع بیماری‌های روانی را مساعد سازد. در نتیجه، درمان وی نیز مخارج اضافی را به بار آورده و یک ضرر اقتصادی برای مریض و خانواده اش محسوب می‌گردد.

داکتر جلیله سلیمی؛ متخصص بیماری‌های اعصاب و روان باورمند است که امراض روانی شامل مواردی چون: « اضطراب، افسردگی، جنون جوانی، شیدایی، جنون، تشنج، اختلالات عصبی»، است. داکتر سلیمی می‌گوید که بیماری‌های روانی یا نداشتن صحت روان ممکن است منجر به سکنه مغزی، مرگ

حجرات مغزی، حملات اسکیمی گذری یا نرسیدن اکسیجن به صورت موقتی، میرگی و اغما شود.

عوامل مشکلات روانی پرسش اساسی که باید پاسخ آن به دست آمده و روشن شود این است که عوامل اصلی مشکلات روانی چیست و چه مسایلی خاستگاه این بیماری می‌گردد؟

مسئولان امور صحتی می‌گویند که مشکلات صحت روانی انسان متأثر از عوامل مختلفی است که هر یک به نوبه‌ی خود سلامت روان و صحت روانی شخص را تحت تأثیر قرار می‌دهند. فیروزالدین فیروز وزیر صحت عامه در مراسمی به مناسبت روز جهانی صحت روانی/دهم اکتوبر در کابل گفت: خشونت‌های خانواده‌گی، فقر، بیکاری و مواد مخدر از جمله عوامل مبتلا شدن اشخاص به مشکلات و تکالیف روانی می‌باشد.

دوکتور جلیله سلیمی؛ متخصص بیماری‌های اعصاب و روان عوامل ذیل را در این نقیصه تأثیرگذار می‌داند:

- 1- جنگ‌های دوام‌دار و مهاجرت‌ها
- 2- از دست دادن اعضای فامیل و نزدیکان
- 3- ویرانی و از دست دادن خانه و کاشانه
- 4- فقر و وضع اقتصادی وخیم و عدم دسترسی به امکانات اولیه زنده‌گی
- 5- خشونت‌های شدید خانادگی به خصوص برای زنان
- 6- فرهنگ و عنعنات خرافاتی، رسم و رواج‌های ناپسند بخصوص برای جوانان
- 7- عدم توجه و احترام به حقوق مسلم هر یک از اعضای جامعه و مراعات نکردن آن از طرف هم‌دیگر در جامعه افغانستان
- 8- بیکاری و نبودن مصروفیت سالم برای اشخاص
- 9- عدم دسترسی به تفریح
- 10- غذای ناکافی و سوء تغذیه
- 11- محیط زیست ناسالم

با توجه به عوامل این بیماری خطرناک، مشاهده می‌شود که بستر مناسب تولید، رشد و گسترش آن در میان شهروندان کشور ما بسی مهیا بوده و همین امر نیز باعث شده است تا آمار این بیماری رشد فزاینده‌ای را بپیماید؟ در این میان باید پرسید که برای رفع این مشکل چه باید کرد؟

داکتر سلیمه جلیلی، مواردی چون تأمین احتیاجات اولیه زنده‌گی، سکونتگاه مشخص، ثابت و دارای امکانات لازم، نداشتن مشکلات اقتصادی، جلوگیری از خشونت‌های جامعه و خانوادگی، از بین بردن رسوم، عنعنات ناپسند و خرافاتی که روی روان تأثیر ناگوار دارد، غذای کافی، شغل مناسب و سالم، تفریح و آزادی‌های لازم را از لازمه‌های عدم ابتلا به مشکلات روانی و جزئی از نیازهای جلوگیری از این مشکل می‌داند.

پیشگیری از این بیماری یک جانب قضیه است و درمان آن جنبه‌ی مهم‌تری است که باید نسبت به آن توجه لازم مبذول گردد. با این حال، دولت و نهادهای مسئول تاکنون نتوانسته‌اند تا خدمات کافی و تسهیلات لازم برای تداوی این بیماری تدارک نمایند.

فیروزالدین فیروز؛ وزیر صحت عامه با اشاره به ضرورت تداوی این بیماران تصریح می‌کند: "چون امکانات ما و شما محدود است، فرهنگی که بتوانیم چنین اشخاص را به شکل بهتر تداوی نماییم، هنوز هم وجود ندارد، لذا ما در صدد این هستیم که این حالت را تغییر دهیم. مریضان را با حرمت تداوی کنیم مشوره دهیم و به خاطر از بین بردن این مشکل با وجودی که از بین برده نخواهد شد، اما می‌توانیم که شیوع اش را کاهش دهیم"

آقای فیروز همچنان گفت: بیش از 1500 مرکز تداوی تکالیف و مشکلات روانی در سرتاسر کشور فعالیت می‌کند و برای مریضان ادویه به صورت رایگان توزیع می‌کنند. اما وی می‌گوید که تنها در 300 مرکز آن برای این بیماران مشورت‌های روانی داده می‌شود که هرگز کفایت نمی‌کند.

بر اساس معلومات وزارت صحت عامه، در افغانستان بیشتر زنان در مقایسه با مردان به مشکلات و بیماری روانی مبتلا می‌شوند. به گفته آقای فیروز شماری زیادی از بیماران روانی که در میان آنها زنان نیز شامل‌اند از خانواده‌های شان رانده شده و در مرستون‌ها زنده‌گی می‌کنند. مسلم است که نوع برخورد برخلاف کرامت انسانی اشخاص بوده و در تضاد با ارزش‌های انسانی و جهانی مبارزه با مشکلات روانی از نظر سازمان صحت است.

امروزه جوامع مختلف سعی می‌کنند تا سیاست‌های مربوط به صحت روان را سازماندهی کنند، اصول کلی در این تلاش، سالم‌سازی محیط شخصی و اجتماعی است که اعضای جامعه را در بر می‌گیرد این نگرش حکم می‌کند که خانواده‌ها بیش از پیش با صحت روانی خانواده و چگونگی پیش‌گیری و درمان بیماری‌های روحی آشنا شوند.

آنچه مسلم است اینکه چون در برخورد با چالش‌ها و مشکلات روزمره، ما براساس ویژگی‌های روانی خود با آنها برخورد می‌کنیم. هرچه از سلامت روانی بیش‌تری برخوردار باشیم به یقین آسیب‌پذیری ما کم‌تر خواهد بود. با برخورداری از سلامت فکر و روان می‌توانیم به موفقیت‌های بیش‌تری برسیم و بیش از پیش بر مشکلات غلبه کنیم.

بنابراین، هرگاه تا اکنون به امر صحت روان خویش توجه نکرده یا آن را به باد فراموشی سپرده ایم، ضروری است تا به این مسأله نیز در ساختاری اساسی حیات اجتماعی خویش در سطوح مختلف شخصی و اجتماعی اهتمام ورزیم تا از زنده‌گی بهتری برخوردار گردیم.



قانون عصای سفید، تصویر جدید از نابینایان را در جامعه ترسیم می‌کند و از اشخاص نابینا می‌خواهد که به منظور حمایت از منافع خود، از تمام مفاد این قانون مطلع باشند. در میان وسایل کمک حرکتی نابینایان می‌توان عصای سفید را به عنوان پرچم استقلال آنان به حساب آورد. اما این ابزار حمایتی در حرکت نابینایان زمانی موثریت خویش را دارد که موانع محیطی و فیزیکی کاهش یافته یا حذف شوند و فرهنگ حمایت از عصای سفید و قانون آن در افکار عمومی نهادینه گردد. لذا افزون بر آنکه نگاه انسانی و عاطفی به قانون عصای سفید و کمک به نابینایان در تسهیل عبور و مرور آنان ضروری است، هزینه‌هایی

نیز لازم است تا بتوان موانع موجود را از جامعه برداشته و قانون عصای سفید را به عنوان یک قانون اجتماعی به اطلاع شهروندان رسانیده و آنان را نسبت به این موضوع آگاه ساخت.

# عصای سفید، نماد امنیت نابینایان

«به مناسبت روز جهانی عصای سفید / پانزدهم اکتوبر»



از نابینایان را در جامعه ترسیم می‌کند و از اشخاص نابینا می‌خواهد که به منظور حمایت از منافع خود، از تمام مفاد این قانون مطلع

ملل متحد (یونسکو) و شورای جهانی نابینایان نام‌گذاری شد. در حقیقت، قانون عصای سفید، تصویر جدید

پانزدهم ماه اکتوبر روز جهانی عصای سفید یا "ایمنی نابینایان" است. این روز در سال 1950 توسط سازمان آموزشی، علمی، فرهنگی



باشد.

در میان وسایل کمک حرکتی نابینایان می‌توان عصای سفید را به عنوان پرچم استقلال آنان به حساب آورد. اما این ابزار حمایتی در حرکت نابینایان زمانی موثریت خویش را دارد که موانع محیطی و فیزیکی کاهش یافته یا حذف شوند و فرهنگ حمایت از عصای سفید و قانون آن در افکار عمومی نهادینه گردد. لذا افزون بر آنکه نگاه انسانی و عاطفی به قانون عصای سفید و کمک به نابینایان در تسهیل عبور و مرور آنان ضروری است، هزینه‌هایی نیز لازم است تا بتوان موانع موجود را از جامعه برداشته و قانون عصای سفید را به عنوان یک قانون اجتماعی به اطلاع شهروندان رسانیده و آنان را نسبت به این موضوع آگاه ساخت.

شکی نیست که نگرش جامعه نسبت به نابینایان و همچنین برداشت آنها نسبت به خود که طبعاً متأثر از برخورد جامعه و فرهنگ حاکم است، نقش بسیار مهمی در چگونگی تشکیل انگیزه‌ها، توسعه و رشد استعدادهای آنان دارد. بنابراین، جامعه، مکتب و خانواده مسئولیت خطیری را در زمینه ایجاد و تقویت انگیزه‌های بالنده در نابینایان برعهده دارند.

وجود الگوهای رفتاری سازنده در مقابل نابینایان، نقش به‌سزایی در آگاهی آنان و تحقق انگیزه‌های ایشان دارد. در واقع، الگوهای رفتاری مطلوب از سوی جامعه است که اعتماد به نفس لازم را به نابینایان داده و این نوع نگاه را در میان آنان نهادینه می‌سازد که نابینایی هرگز مانع رشد و ترقی نمی‌شود، زیرا شرایط اجتماعی و محیطی است که باعث می‌شود تا شخص نابینا خود را باور داشته باشد و بداند که می‌تواند با وجود نابینایی به موفقیت‌های فراوانی نائل گردد.

این حقیقت در زندگی شاهین حسام، استاد لیسه مسلکی نابینایان به خوبی تحقق عینی یافته است. شاهین حسام، 12 ساله بود که بینایی هر دو چشم اش را از دست داد. به باور او، انسان وقتی بینایی اش را از دست می‌دهد، شاهد انقلابی در زندگی اش است. وی می‌گوید: «در این حالت استفاده از امکانات در همه عرصه‌های زندگی تفاوت می‌کند. با این تغییر همه چیز فرق می‌کند. در ابتدا یادگیری از طریق خط بریل برایم بسیار دشوار بود.»

حسام بعد از چند سال آموزش در لیسه مسلکی نابینایان، با آنجا عادت کرد. آدم‌های زیادی مانند او هم‌سروشت بودند. همان بود که بعد از ختم لیسه، در آنجا به عنوان معلم به کارش ادامه داد. او توانسته زندگی اش را موفقانه به پیش برد. خودش براین باور است که «مردم فکر

می‌کنند وقتی کسی نابینا شد، هیچ کاری انجام داده نمی‌تواند و در واقع یک باردوش است. این نوع تصور درست نیست.»

مسأله‌ی مهم دیگر این است که آموزش شهروندان و مناسب سازی بسترهای حیات اجتماعی برای نابینایان باید در سازگاری کامل با اهداف روز جهانی عصای سفید قرار داشته باشد. به این معنا که عصای سفید از نگاه شهروندان به نماد امنیت مبدل شده و شمولیت اشخاص نابینا را در عرصه‌های مختلف زنده‌گی باعث شود.

نابینایی و عوامل آن

هرچند روز عصای سفید بیش‌تر به جنبه‌ی اجتماعی آن که همانا بسترسازی مصون حیات اجتماعی برای اشخاص نابینا است، توجه دارد، ولی نباید نادیده انگاشت که تمرکز به عوامل نابینایی و راه‌های جلوگیری از آن نیز ابعاد مهم‌تری اند که نباید مورد غفلت قرار گیرند.

سازمان بهداشت جهانی (WHO) تخمین می‌زند در حال حاضر 27 تا 35 میلیون نابینا در جهان زنده‌گی می‌کنند. 90 درصد نابینایان جهان در کشورهای در حال توسعه و عمدتاً در آسیا و آفریقا می‌باشد که اغلب در جوامع محروم و در مناطق روستایی زنده‌گی می‌کنند. خطر نابینایی در بسیاری از این جوامع فراموش شده 10 تا 40 برابر بیش‌تر از مناطق صنعتی توسعه یافته‌ی اروپا و آمریکا می‌باشند.

سازمان جهانی صحت، برای پیش‌گیری از نابینایی، مراکز در 60 کشور در حال توسعه مستقر ساخته است تا با مطالعات گروهی، اطلاعات صحیح اپیدمیولوژیک بدست آیند تا پایه‌ریزی برای برنامه‌ریزی هدفدار، اجرا و ارزیابی صحیح برنامه‌های پیش‌گیری از نابینایی انجام گیرد.

در این میان، عوامل نابینایی در افغانستان نسبت به بسیاری از کشورها بیش‌تر است و می‌توان این کشور را در بخش‌های پرخطر قرار داد. آماره‌ی که وزارت صحت عامه اعلام نموده است نشان می‌دهد که شیوع نابینایی در میان مردم افغانستان از یک و نیم تا دو درصد است و نزدیک به نود درصد بیماری‌های مربوط به قوه بینایی (چشم) در کشور قابل درمان اند. به گفته‌ی داکتر میرویس صالح، متخصص چشم و عضو انجمن داکتران چشم افغانستان، برخی اشخاص نابینا به دنیا می‌آیند و تا حدودی این نابینایی ارثی نیز می‌باشد. اما بیش‌تر اشخاص در افغانستان به اثر عوامل خارجی و بعضی امراض نابینا می‌شوند. وی می‌افزاید که مردم افغانستان، به دلیل جنگ‌های طولانی و استفاده

از سلاح‌های مخرب با گازها و اشع‌های مضر نیز در معرض خطر نابینایی قرار گرفته‌اند. به باور این متخصص چشم، بی‌اعتنایی و استفاده از دواهای خودسر نیز از عوامل دیگری است که سبب نابینایی افراد می‌گردد. همچنان بعضی امراض دیگر نیز وجود دارد که اگر به زمان مناسب آن تداوی نگردد سبب نابینایی چشم می‌گردد. از جمله امراض دیابت، کلوکوما و کمبود ویتامین (A) در بدن در صورتی که در وقت و زمان مناسب آن تداوی نگردد می‌تواند سبب نابینایی چشم شود.

پیشگیری از نابینایی

نکته‌ی کلیدی دیگر در خصوص ابتلا به نابینایی، جلوگیری از آن است که می‌توان با از بین بردن عوامل نابینایی آن را انجام داد. با بررسی عوامل پیدایش بیماری و اجرای روش‌های پیشگیرانه، هرگز نوبت به درد و رنج ناشی از بیماری و هزینه‌های درمانی نمی‌رسد. نابینایی نیز مانند بیماری‌های دیگر، علت‌هایی دارد که در چهار دسته جای می‌گیرند:

با توجه به اینکه یکی از عوامل نابینایی، وجود مشکلات ارثی است که شایع‌ترین دلیل آن‌ها را ازدواج‌های فامیلی دانسته‌اند، لذا بیماری والدین به ویژه مادر، در نابینا شدن نوزاد هنگام تولد تأثیر فراوانی دارد.

علاوه بر آن، برخی از بیماری‌های عمومی و بسیاری از بیماری‌های عفونی، اگر به موقع و به طور صحیح درمان نشود، به نابینایی شخص می‌انجامد. تبلی چشم، دیابت، آبله، سرخک، سرخچه، آب مروارید و آب سیاه، از بیماری‌هایی هستند که می‌توانند به نابینایی بیانجامند. آسیب‌های ناشی از حوادث گوناگون یا سهل‌انگاری و بی‌توجهی نیز از علت‌های از دست دادن بینایی است که می‌توان با رعایت موارد لازم در این عرصه‌ها از نابینایی جلوگیری کرد. با این حساب، روز جهانی عصای سفید را باید در عرصه‌های فرهنگی و صحتی مورد توجه قرار داد. اهمیت دادن به صحت خویش با جلوگیری از نابینایی و درمان به موقع آن یک بخش قضیه است و بخش مهم‌تر آن چگونگی برخورد با اشخاصی است که عصای سفید به دست گرفته و حق دارند تا از مزایای اجتماعی و حقوقی خویش بهره‌مند شده و به کشف و رشد استعدادهای شان پردازند. لذا باید سعی نموده و کمک کنیم تا این اشخاص به زندگی عادی خویش برگشته و به حقوق مسلم شهروندی شان دست یابند.

# میم مثل ماین!

«گزارش تحلیلی از ورکشاپ ICBL برای قربانیان ماین»

تهیه کننده: خیریه میرال فضل



با حرف میم می‌توان بسیاری از واژه‌ها را آغاز کرد، واژه‌های خوب، واژه‌های مملو از صفا و صمیمیت، واژه‌هایی که در ژرفای وجود انسان عشق و عاطفه را خلق نموده و احساس انسانی را شکوفا می‌سازند. میم مثل مادر، میم مثل معلم، میم مثل معرفت، میم مثل ملت و... اما این حرف گاهی نقطه‌ی شروع بسیاری از واژه‌های منفی نیز می‌گردد. میم در زنده‌گی شهروندان افغانستان با کلمه‌هایی چون مهاجرت، معلولیت، مظلومیت و... بیشتر گره خورده است و این حرف بارها در اول کلماتی چون ماین و مرگ نیز قرار گرفته و استفاده می‌شود که حدیث نا تمام حیات بسیاری از مردم افغانستان است.

دوازدهم ماه سپتمبر سال جاری (2015) مرکز اجتماعی معلولین میزبان بیست تن از کسانی بود که زنده‌گی آنان با کلمه‌ی ماین گره خورده بود. در میان این بیست قربانی ماین، هفت زن نیز حضور داشتند. اما اکنون آنان به پا خواسته اند تا در راه مبارزه با این دشمن بشریت گام برداشته و نگذارند کسان دیگری نیز با چنین سرنوشتی دچار شوند. تمام این قربانیان ماین در قالب یکی از فعالیت‌های اساسی پروژه ICBL گردهم آمده بودند و آنان از جمع کسانی بودند که در حال حاضر جزئی از مستفیدین مرکز اجتماعی معلولین و موسسه آلسو می‌باشند.

آغاز این سیمینار با آیه‌هایی از قرآن کریم همراه شد و سپس حاجی احمد شاه اعظمی، معاون مرکز اجتماعی معلولین که خود نیز قربانی ماین است، به حاضرین خیر مقدم گفت. بعد از آن "پرزیتیشن" موسسه آلسو در خصوص تعریف ماین، انواع ماین و میثاق‌های منع این سلاح کشنده ارائه گردید و به شکل گروهی نیز مورد ارزیابی قرار گرفت. بحث آزاد و شرح ماجرای معلولیت چهارتن از اشتراک کنندگان که چگونه قربانی ماین شدند، از قسمت دیگر این سیمینار بود.

آنچه در خصوص مبارزه با ماین و جلوگیری از گسترش آن باید گفت این است که متأسفانه هنوز هم مبارزه با این قاتل خفته در زیر خاک، به یک آرمان همگانی در سراسر دنیا تبدیل نشده است. شعاری که سال‌هاست از سوی سازمان ملل متحد ورد کلام بسیاری از مقام‌های این سازمان و سران سیاسی کشورهای دنیا می‌باشد این است «در جوامع متمدن جایی برای ماین‌های زمینی وجود ندارد» اما مدعیان قدرت جهانی، به مسئولیت و نقش قدرتهای نظامی شان عمل نمی‌کنند. آنان

کماکان به تولید و انباشتن انواع ماین اعم از ضد انسان و ضد تانک و یا پلاستیکی و...! مبادرت می‌نمایند و حاضر به پیوستن به کنوانسیون ۱۹۹۷ از گسترش آن باید گفت این است که اتاوا نیستند. گفته می‌شود که تولید و تجارت ماین در جهان سود سالانه‌ی بالغ بر حداقل ۳ میلیارد دلار را به جیب کارخانجات اسلحه‌کشورهای تولید کننده سرازیر می‌نماید که خود گویای واقعیت تلخی در جهان معاصر است.

برطبق یافته‌های آماری هم اکنون حدود ۹۰ میلیون ماین در جهان کاشته شده که هر ساله سران سیاسی کشورهای دنیا است بین ۱۵ تا ۲۰ میلیون تن قربانی صدمات ناشی از انفجار آنها می‌شوند و کودکان بخش مهمی از آن را تشکیل می‌دهند. افغانستان یکی از قربانیان بزرگ این ابزار مرگبار است. روزی نیست که گزارش رسانه‌های کشور با کلمه‌ی ماین آمیخته نگردد و این سلاح جان شهروندی از مردم ما را نگیرد. گزارش‌های موجود نشان می‌دهد که تا هنوز هم هر روز یک شخص قربانی ماین می‌شود. هرچند براساس مدت زمان تعیین شده برای افغانستان و تمدید آن به دلیل نبود بودجه، باید افغانستان تا سال 2023 از هرگونه ماین زمینی پاکسازی گردد.

ولی گمان نمی‌رود که ادامه‌ی جنگ و درگیری و استفاده‌ی متداوم از این ماده‌ی مرگبار بگذارد که این تعهد عملی گردد.

بنابراین، هرگاه عزم جدی جهت محو این پیامبر مرگ روی دست گرفته نشود، سالیان درازی خواهد گذشت تا دیگر حرف میم در زنده‌گی روزمره‌ی ما با ماین آغاز نگردد. با این حال می‌توان با تسریع در موارد ذیل قدری از مصیبت‌های این ماده‌ی

# میراث سنگین جنگ در افغانستان



بی وقفه میان گروه‌های درگیر، در امان نیست. در این میان نباید رشد فساد را نیز در این کشور فراموش کرد.»

افغانستان از فقیرترین کشورهای جهان است و عده‌ی کمی از مردم آن توانایی پرداخت هزینه‌های صحت و درمانی را دارند. سازمان‌های خیریه مختلف و نیز نهادهای دفاع از حقوق بشر کمک‌هایی را به مردم اختصاص می‌دهند.

یکی از این نهادها کمیته بین المللی صلیب سرخ است. کمیته بین المللی صلیب سرخ یک مرکز بازپروری جسمی برای اشخاصی که بر اثر انفجار ماین زخمی شده اند در کابل پایتخت افغانستان ایجاد کرده و اشخاص دارای معلولیت اعضای مصنوعی و نیز آموزش‌های لازم را برای چگونه زنده‌گی کردن در حال معلولیت دریافت می‌کنند. معمولاً بسیار نادر است که اردوی ملی طرح دقیق از محل قرار گرفتن ماین‌ها ارائه کند. عملیات پاکسازی ماین نیز طولانی و کسل کننده است و تضمینی وجود ندارد که تمام ماین‌های شناسایی و خنثی شوند. در مورد افغانستان عملیات خنثی سازی با تنش و حملات ادامه دارد، پیچیده تر می‌شود. این بدان معنی است که اشخاص همچنان در ترس زنده‌گی کنند و ممکن است هر روز و در هر زمان و مکان بر روی ماین ضدنفر قدم گذارند.

تون کوبینی Ton Koene عکاس سرشناس هالندی به مدت سه سال از قربانیان ماین در افغانستان عکس برداری کرده و عکس‌های فجایع چندین دهه جنگ و رنج مردم را علی‌رغم خواسته‌ی خودشان به تصویر کشیده است.

به گزارش خبرنگاری اسپوتنیک، وی به مدت سه سال بدون محافظ نظامی به مناطق مختلف افغانستان سفر کرد تا با اشخاص عادی که در وضعیت ناامیدی زنده‌گی می‌کنند، صحبت کند. وی در گفتگوی تلویزیونی اعلام کرد مردم افغانستان بسیار آسیب دیده اند و همچنان در ترس زنده‌گی می‌کنند.

عکاس هالندی تصریح کرد: «دست کم ده میلیون ماین ضد انسان در سراسر خاک افغانستان وجود دارد. هر روز مردم افغانستان روی مواد منفجره راه می‌روند و هر لحظه امکان انفجار وجود دارد. زنان و کودکانی که به بازار و یا به سراغ چاه‌های آب آشامیدنی می‌روند از اقبال آسیب پذیر هستند. حتی سال‌ها پس از مناقشه نیز جنگ در حال تخریب و ویرانی است. افغانستان به کشوری ماین‌گذاری شده تبدیل شده که به مرگ هر روزه انسان‌ها عادت کرده است.»

این منبع افزود: «مردم با ناامنی کامل مواجه اند. هیچ کس از حملات احتمالی، درگیری شدید و

رنج آور را کاهش داد:

1- آموزش و آگاهی ساکنان کشور جهت آشنایی با ماین و خطرات ناشی از برخورد با آن

2- تخصیص بودجه و هزینه کافی جهت خرید تجهیزات مدرن به منظور تسریع در امر پاکسازی، کشف و انهدام انواع ماین و مهمات باقی‌مانده در نقاط مختلف کشور

3- استفاده از تخصص و توانایی تکنیکی شرکت‌های خصوصی

4- آمادگی سازمان‌های دولتی و غیردولتی برای تسریع در امر آموزش و رسیدگی به مصدومان ماین

5- برنامه‌ریزی اصولی و رسیدگی به وضعیت معیشتی خانواده‌هایی که در اثر انفجار ماین در سال‌های اخیر نان آور خود را از دست داده و با مشکلات اقتصادی عیدیه‌ای مواجه شده اند

مهم‌تر از تمام این موارد، جلوگیری از افزایش مناطق آلوده به ماین، نیازمند اراده‌ی جمعی و انگیزه‌های انسانی از سوی تمام عناصری است که این سرزمین را خاک آبابی خویش دانسته و خواهان خونریزی هموطنان خویش نیستند. زیرا تا زمانی که عناصر جنگجو وجود داشته باشند و ماین را جزئی از ابزار فشار خویش به شمار بیاورند، ماین همچنان هم‌قرین نقاط مختلف از محیط زنده‌گی ساکنان این خاک خواهد بود. به امید روزی که دیگر حرف مدعیان قدرت جهانی، به مسئولیت و نقش قدرت‌های نظامی شان عمل نمی‌کنند. آنان کماکان به تولید و انباشت انواع ماین اعم از ضد انسان و ضد تانک و یا پلاستیکی و ...! مبادرت می‌نمایند و حاضر به پیوستن به کنوانسیون ۱۹۹۷ اتاوا نیستند. گفته می‌شود که تولید و تجارت ماین در جهان سود سالانه‌ی بالغ بر حداقل ۳ میلیارد دلار را به جیب کارخانجات اسلحه کشورهای تولید کننده سرازیر می‌نماید.

میم ما با کلمات مرگ آوری چون ماین آغاز نشده و نوشته نگردد.



# با تاریکی مقابله کردم



وقتی بینایی یکی از چشمانم را از دست دادم، خیلی احساس یأس و ناامیدی نکردم. دنیایم هنوز هم رنگارنگ بود و از تلاش‌هایم برای پیشرفت و ترقی اندکی کم نشد. مثل همیشه هم کار می‌کردم و هم به درس و مکتب خویش به شکل نورمال آن می‌پرداختم.

اما زمانی که با اصابت تکه‌ی یخ زده از برف زمستانی، جلو چشم دیگرم نیز پرده‌ی سیاه کشیده شد و دنیایم را تاریکی مطلق فراگرفت، احساس کردم سرنوشتم دگرگون شد و کوه بزرگی فرارویم قرار گرفت که نمی‌گذاشت قدم به جلو بردارم. وقتی به خانه بازگشتم، شوق و شور گذشته در وجودم مشاهده نمی‌شد و این احساس روی دوش‌های خودم و خانواده ام به شدت سنگینی می‌کرد.

این پاراگراف زبان حال متعلم نابینایی است که اکنون در لیسه مسلکی نابینایان درس می‌خواند و خاطرات معلولیت خود را با احساس سرد و غمگینانه‌ای بیان می‌کند.

نامش محمدرضا است و در روز جهانی عصای سفید با پیراهن سفید، دریشی سیاه و نیکتایی سرخ خویش با قامت استوار در برابر دوربین‌های عکاس و فیلم‌برداری و در پشت تربیون قد برمی‌افرازد. به گفته‌ی وی، وقتی کلوله‌ی برف یخ‌زده در یک زمستان سرد و سخت و حین انتقال آب آشامیدنی بینایی چشم دوم وی را می‌گیرد، امیدواری به بازگشت بینایی اش زیاد بود.

خودش درحالی که احساس آن روزها در سیمایش بازگشته و به شدت مشاهده می‌شود، از آن روز چنین روایتی را به یاد می‌آورد: "با اصابت برف در چشمانم، دنیایم تیره و تار شد و هیچ جایی را نمی‌دیدم. وقتی به خانه بازگشتم حتی توانایی حرف زدن از من گرفته شده بود و با کمال ناامیدی از مشکلی که برایم پیش آمده بود به خود می‌پیچیدم و به اعضای خانواده نیز چیزی نگفتم." وقتی مادرم از این وضعیت آگاه شد و خبر آن در محیط خانه نشر شد، شرایط روحی و روانی همگی ناگوار شد.

خانواده محمدرضا به امید اینکه بینایی وی بازخواهد گشت و این عارضه موقتی است، اندکی خویششت را تسلی می‌دهند. اما مشکل زمانی مضاعف می‌شود که داکتر معالج محمدرضا، نابینایی وی را ناشی از فشار بالای خون می‌داند. در نتیجه وی نیز مدتی با گرفتن دواهای بی ارتباط به موضوع نابینایی اش به سر می‌برد. وقتی پس از مدتی به پاکستان مراجعه می‌کند، سفارش‌های لازم داکتر و مصرف برخی از دواها می‌تواند برای چند هفته بینایی محمدرضا را بازگرداند. بار دوم وقتی بازهم نابینایی بر چشمانش عارض می‌شود، فوری خود را به پاکستان می‌رساند و این بار پاسخ داکتران این بوده است که دیگر هرگز نور بینایی به چشمان محمدرضا باز نخواهد گشت.

انزوا و گوشه‌نشینی وی از همین زمان آغاز می‌شود و هربار که دوستان قدیم و هم‌صنفی‌های وی نزد او مراجعه می‌کنند، تأثر و درد وی نیز بیشتر می‌شود که چرا او از رشد و پیشرفت همسان با سایر هم‌صنفی‌هایش بازماند. اما روزی از روزها یکی از دوستان وی نزدش آمده و برای ادامه‌ی مسیر زنده‌گی و دادن روحیه‌ی بهتر به رفیق سابق اش، آدرس لیسه مسلکی نابینایان را به او می‌دهد که با جستجوی اندک، دروازه‌ی این مرکز به روی

محمدرضا باز می‌شود.

اکنون محمدرضا متعلم صنف دهم در لیسه مسلکی نابینایان است و توانسته است تا اعتماد به نفس خویش را در راستای پیمودن مسیر حیات خویش بازیابد. توصیه‌ی او به تمام اشخاص دارای معلولیت این است که هیچ وقت با دچار شدن به معلولیت امید شان را از دست نداده و برای یافتن راهی به سوی پیروزی و موفقیت قدم بردارند. وی خودش می‌گوید که با اعتماد به نفس و تشویق دوستانش توانسته است به روشنایی درون خود پی برده و تاریکی‌ها را از بین ببرد. وی می‌گوید که با تاریکی‌ها مقابله کردم و با دل روشن از عصای سفید و آموزش‌های مسلکی کمک گرفتم تا توانستم روی پای خویش بایستم.

به باور محمدرضا، هرچند عامل اصلی نابینایی او اصابت کلوله‌ی یخ زده‌ی برف به چشمانش بود، ولی آنچه این تاریکی را برای یک عمر بر چشمان وی مستولی ساخت، تشخیص نادرست داکتران و تأخیر در معالجه بود. زیرا اگر به موقع، روند درمان چشم وی آغاز شده و تشخیص درستی صورت می‌گرفت، اکنون معلولیت بینایی دچار وی نشده بود و امکان تداوی آن به صورت بهتری امکان پذیر بود.

اسحاق حایز مقام سوم مسابقات قایقرانی چین:

## ورزش، راه رسیدن به موفقیت است



اسحاق غلامی وقتی بیست و دو ساله بود یک پایش را در جریان جنگ‌های کابل از دست داد. ناامیدی نسبت به آینده و نگاه یأس آلود به زنده‌گی یکی از پیامدهای معلولیت بود که احساس ناخوشایندی را به وی تلقین می‌کرد.

اما اسحاق تسلیم این سایه‌ی سنگین نشد و با تشویق دوستانش به ورزش‌های مختلف روی آورد. پینگ پانگ، فوتبال و... از جمله ورزش‌هایی بودند که اسحاق را شور و نشاط می‌بخشید و به زنده‌گی امیدوارتر می‌ساخت. از مدتی بدین سو نیز اسحاق غلامی ورزش‌های آبی را شروع کرد و در بند قرغه، نخلو و... به قایقرانی پرداخت. این ورزش پای اسحاق غلامی را تا مسابقات خارج از کشور نیز کشاند و او دستاورد خوبی

را در سال 2015 از مسابقات قایق رانی در چین کسب کرد. غلامی در این مسابقات در میان شرکت کنندگان از 12 کشور به جایگاه سوم دست یافت. اسحاق می‌گوید که به دلیل نبود امکانات مناسب در کشور، آنها طی یک‌ماه در شانگهای چین تمرین کردند تا بتوانند با آمادگی‌های بهتری در مسابقه شرکت کنند. به گفته‌ی وی، ورزش قایق‌رانی مثل خیلی از رشته‌های دیگر در افغانستان امکانات مناسبی نداشته و حتی کشتی یا قایق مناسب برای آن وجود ندارد. به گفته‌ی وی چین وعده داده است تا زمینی‌های رشد این ورزش را در افغانستان فراهم نماید و قرار است قایق‌هایی را نیز به افغانستان کمک نماید.

این ورزشکار دارای معلولیت به تمامی جوانان بخصوص اشخاص دارای معلولیت توصیه می‌کند که به ورزش روی آورده و زنده‌گی خویش را نجات بخشند. وی دوری از مواد مخدر، روی آوردن به ورزش و گسترش ارتباطات اجتماعی را راه نجات از مغلوب شدن در پرتو احساسات منفی می‌داند که ممکن است پس از معلولیت رخ بدهد.

نایب‌الله:

## می‌خواهم همیشه برنده باشم



دستاوردهای ورزشی است. نایب‌الله از این امر گله مند است که در برخی از مسابقات به دلیل معلولیت وی، او را سهم نداده اند. این درحالی است که او توانندی و قابلیت‌های فوق‌العاده دارد و ظرفیت هرگونه مبارزه با اشخاصی که معلولیت ندارند را نیز دارد.

تأمل در ابعاد زنده‌گی ورزشی نایب‌الله به خوبی این حقیقت را آشکار می‌سازد که اگر جامعه مجال ظهور و بروز استعداد‌های اشخاص دارای معلولیت را مهیا سازد، هیچ مانعی جلو

نایب‌الله معلولیت مادرزادی دارد و دست چپ وی کوتاه‌تر از دست راست او می‌باشد. اما وی در ورزش ووشو دست درازی دارد و موفقیت‌های فوق‌العاده را به ارمغان آورده است.

نایب‌الله که متعلم صنف پنجم و 12 سال از زنده‌گی را سپری کرده است، تاکنون در چهار مسابقه اشتراک ورزیده است که دستاورد وی از هر چهار مسابقه، مدال بوده و هر بار برنده‌ی میدان بوده است. نایب‌الله آرزو دارد که روزی در مدارج بلند ورزشی رسیده و بر سکوی قهرمانی قرار گیرد. پدر پیر نایب‌الله که یاور خوب و پدر دلسوز است، همواره او را تشویق می‌کند و روحیه‌ی سرشار از امید در چشمان وی مانع از این شده است که معلولیت را مانع موفقیت‌هایش بداند.

تقدیرنامه‌هایی که نایب‌الله دارد نشان می‌دهد که او چقدر موفق بوده و زنده‌گی اش سرشار از

رشد و پیشرفت آنان را نخواهد گرفت و از سویی هم عوامل تشویق کننده در کنار آنان نقش به سزایی در ترقی شان دارد.



# تاریخچه ورزش اشخاص دارای معلولیت



و حمایت فدراسیون جهانی سربازان قدیمی گروه تحقیقی بین‌المللی ورزش اشخاص دارای معلولیت جهت مطالعه و تحقیقات ورزش اشخاص دارای معلولیت تاسیس شد و سپس در سال ۱۹۶۴ به افتتاح IOSD یا سازمان جهانی ورزش اشخاص دارای معلولیت ختم شد. IOSD برای ورزشکاران دارای معلولیت مناسب بود که نمی‌توانند به عضویت کمیته بازی‌های جهانی در رشته‌های ورزش‌های نابینایان، قطع عضو، قطع نخاعی، فلج مغزی و فلج قسمت‌های مختلف بدن درآیند.

در ابتدا ۱۶ کشور به عضویت ISOD درآمدند و باعث الحاق نابینایان و قطع عضوها به پارالمپیک ۱۹۷۶ تورنتو و اشخاص دارای معلولیت ذهنی در مسابقات سال ۱۹۸۰ در "آرنهیم" گردید. هدف از برگزاری مسابقات این بود که تمامی انواع ورزش‌های اشخاص دارای معلولیت را در بر گیرد و به عنوان یک کمیته هماهنگ کننده فعالیت داشته باشد. به هر حال دیگر سازمان‌های مربوط به اشخاص دارای معلولیت مانند CP-ISRA و IBSA در سال‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۷۸ تاسیس شدند. این چهار سازمان

برگزار می‌کنند. بعد از جنگ جهانی دوم به دلیل تعداد زیاد معلولین جنگی، ورزش‌های اشخاص دارای معلولیت جسمی - حرکتی پا به عرصه‌ی وجود نهاد. در تحقیقاتی که برای سلامتی این اشخاص انجام شد، مشخص گردید که ورزش یکی از بهترین درمان‌های معلولیت است. در سال ۱۹۴۴ داکتر "لودویگ گوتمن" بر اساس درخواست دولت بریتانیا شفاخانه "استوک مندویل" که یک مرکز جراحی نخاعی بود را تاسیس کرد. در این مرکز ورزش یکی از درمان‌های موثر اشخاص دارای معلولیت به حساب می‌آمد.

ورزش درمانی قدم اول برای ابداع ورزش‌های اشخاص دارای معلولیت بود که سپس به مسابقات و رقابت‌های ورزشی ختم شد. در ۲۸ جولای سال ۱۹۴۸، روز افتتاحیه بازی‌های المپیک ۱۹۴۸ لندن همزمان بود با افتتاح بازی‌های استوک مندویل که در حقیقت در این روز ورزش‌های با ویلچر آغاز شد. در سال ۱۹۵۲ سربازان دارای معلولیت دهمارکی به ورزش معلولین پیوستند و کمیته رقابت‌های بین‌المللی "استوک مندویل" را تاسیس کردند. در سال ۱۹۶۰، تحت نظارت

نیاز به ورزش و تاثیر سلامتی آن در اشخاص دارای معلولیت بسیار بیش‌تر از اشخاص بدون معلولیت احساس می‌شود. بی تردید ورزش، عاملی است که اشخاص دارای معلولیت را به سطح جامعه می‌کشاند و آنان را در انجام فعالیت‌ها مستقل می‌سازد.

امروزه اشخاص دارای معلولیت در سطح وسیعی در فعالیت‌های اجتماعی و مسابقات شرکت دارند و هویت خود را به جامعه شناسانده اند. هم اکنون ۱۰۰ سال از ابداع ورزش‌های اشخاص دارای معلولیت می‌گذرد. قرن ۱۸ و ۱۹ میلادی زمانی بود که تاثیر ورزش در سلامت اشخاص دارای معلولیت کاملا شناخته شده بود. بعد از جنگ جهانی اول فیزیوتراپی و ورزش درمانی به اندازه اورتوپیدی و جراحی مهم شده بودند. در سال ۱۸۸۸ کلوپ ناشنوایان در برلین آغاز به کار کرد. سازمان جهانی ورزش ناشنوایان (CISS) در سال ۱۹۲۲ تاسیس شد ولی اشخاص ناشنوا با دیگر اشخاص دارای معلولیت همراه نشدند و هم اکنون نیز مسابقات جهانی مربوط به خود را با نام "مسابقات خاموش"



بین‌المللی همگی نیاز به هماهنگی را احساس کردند. بنابراین با کمک یکدیگر در سال ۱۹۸۲ ( کمیته هماهنگ کننده ورزشی معلولین در جهان) را با نام ICC افتتاح کردند. این کمیته متشکل از چهار سازمان CP- ISRA ، IBSA ، ISMGF ، IOSD ، و چندین دبیرکل و معاون می‌باشد. در سال‌های بعد کشورهای عضو خواستار حضور بیشتر و داشتن نماینده بیشتر در سازمان‌ها شدند که این امر به تاسیس موسسه مردمی در سال ۱۹۸۹ به نام IPC شد و تا امروز این موسسه تنها سازمان چند منظوره رشته‌های ورزشی اشخاص دارای معلولیت در جهان است .

کمیته بین‌المللی پارالمپیک نماینده بین‌المللی سازمان ورزش معلولین است. IPC مسابقات پارالمپیک و دیگر مسابقات ورزش اشخاص دارای معلولیت را در دو سطح کشوری و جهانی برگزار می‌کند. IPC یک سازمان بین‌المللی غیر انتفاعی است با ۱۶۰ کمیته ملی پارالمپیک و پنج فدراسیون بین‌المللی مخصوص ورزش اشخاص دارای معلولیت. درحالی‌که دیگر سازمان‌های ورزش اشخاص دارای معلولیت تنها یک گروه آنان با یک ورزش را پوشش می‌دهند، IPC

باز می‌گردد و این زمانی است که "لودویک گوتمن" اولین مسابقات اشخاص دارای معلولیت جهان را تحت عنوان استوک مندویل با حضور ورزشکاران قطع نخاعی جنگ جهانی دوم برگزار کرد. سپس دیگر گروه‌های دارای معلولیت سازمان‌های ورزشی و بین‌المللی خود را با انجام ورزش‌ها و مسابقات مختلف به صحنه وارد کردند. پنج سازمان ورزش بین‌المللی فلج مغزی، سازمان بین‌المللی ورزش نابینایان، سازمان ورزشی و بین‌المللی معلولین کم‌توان ذهنی، فدراسیون ورزش‌های بین‌المللی با ویلچر از جمله مراکز سازمان‌های فعال در ورزش اشخاص دارای معلولیت به شمار می‌روند .

اهداف و اصول: طبق اساسنامه سازمان ورزش‌های اشخاص دارای معلولیت، این سازمان دارای اهداف و اصول ذیل است :

- 1) گزینش نماینده بین‌المللی ورزش معلولین بر اساس استانداردهای پارالمپیک
- 2) مسئول تصویب، نظارت و هماهنگی مسابقات پارالمپیک تابستانی و زمستانی
- 3) مسئول هماهنگی جدول مسابقات رشته‌های



به عنوان یک سازمان حمایت‌گر، تمامی ورزش‌ها و رشته‌های ورزشی اشخاص دارای معلولیت را در بر می‌گیرد. سازمان‌های ورزشی که IPC را می‌سازند مطمئن هستند که آینده‌ی ورزش اشخاص دارای معلولیت بستگی به ورود همه ورزشکاران دارای معلولیت به صحنه مسابقات دارد .

تاریخ نوپای جنبش پارالمپیک به سال ۱۹۴۸

5) ارتباط با کمیته بین‌المللی المپیک و دیگر سازمان‌های بین‌المللی ورزشی جهت دستیابی به این اهداف و اصول .

6) تشویق و حمایت از برنامه‌ها و فعالیت‌های توانبخشی، تحصیلی، تحقیقی در جهت اهداف سازمان.

7) ارتقاء ورزش اشخاص دارای معلولیت در تمامی گروه‌های دارای معلولیت بدون در نظر گرفتن تبعیضات سیاسی، مذهبی، اقتصادی، معلولیتی، جنسیتی و قومی.

8) فراگیر کردن موفقیت‌های مناسب جهت شرکت هرچه بیشتر اشخاص دارای معلولیت در ورزش و طرح‌ریزی هرچه بیشتر برنامه‌های آموزشی جهت بالا بردن و شکوفایی استعدادها آنان.

9) الحاق هرچه بیشتر ورزشکاران دارای معلولیت با معلولیت شدید و حضور زنان ورزشکار در رقابت‌های زمستانی و تابستانی پارالمپیک .

10) تلاش هرچه بیشتر جهت نیل به اهداف و اصول سازمان .

### لوگوهای IPC

فدراسیون ورزش‌های معلولین لوگوی IPC از سه رنگ سبز، سرخ و آبی تشکیل شده است که این سه رنگ سمبول سه مشخصه انسان یعنی فکر، جسم و روح می‌باشد. در سال ۱۹۸۸ و در بازی‌های المپیک تابستانی سئول این لوگو برای اولین بار استفاده شد .

### دفتر مرکزی IPC

دفتر مرکزی و بین‌المللی سازمان ورزش‌های معلولین در شهر بن آلمان مستقر می‌باشد. با توجه به رشد چشمگیر فعالیت‌ها و پیچیدگی فزاینده خدمات، سازمان بر آن شد تا از نیروی کاری داوطلب در سطح وسیع و گسترده در این دفتر استفاده نماید. با کمک مالی دولت آلمان و شهر بن، توسعه دفتر مرکزی انجام شد و ساختمان این مرکز مورد بازسازی قرار گرفت تا تمامی تسهیلات برای اشخاص دارای معلولیت در نظر گرفته شود و بالاخره دفتر مرکزی IPC رسماً در تاریخ ۳ سپتامبر ۱۹۹۹ گشایش یافت.

ورزشی اشخاص دارای معلولیت در سطح بین‌المللی و منطقه‌ای و تضمین پوشش کامل کلیه نیازهای فنی - ورزشی در کلیه گروه‌های آنان.

4) تلاش در جهت الحاق رشته‌های ورزشی اشخاص دارای معلولیت به فعالیت‌های ورزشی با حفظ هویت اصلی رشته‌های ورزشی آنان.

# دغدغه‌های مادران دارای معلولیت

مترجم: مریم کاظمی

تنها ۲۰ مورد وضع حمل مادران دارای معلولیت را در مراکز خود قبول کرده اند. همچنین از بین ۱۷۶۰ معاینه خانه داکتران نسائی ولادی، فقط ۱۰۰ مورد آنها تجهیزات لازم برای معاینه و درمان این خانم‌ها در اختیار دارند.

**مادری نشسته بر ویلچر**  
علی‌رغم پیش داوری‌ها و نگرانی‌هایی که بر زنده‌گی خانم‌های دارای معلولیت سایه افکنده، بسیاری از آنها با شرایط سازگاری پیدا می‌کنند. به زنده‌گی این خانم توجه کنید: «سارا خانم جوانی است که وقتی فقط ۲۳ ساله بود که در اثر سانحه ترافیکی پاهایش را از دست داد. اما با امید به زنده‌گی ازدواج کرد و توانست مادر شود. دختر کوچک او حالا ۲ ساله است. سارا می‌گوید: زمانی که باردار شدم از آینده می‌ترسیدم، از اینکه نتوانم کارهای فرزندانم را به خوبی انجام دهم و... اما گویا طفل کوچک من از همان زمان تولد متوجه معلولیت مادرش شد. وقتی او را روی پا می‌نشاندم، خودش را خم نمی‌کرد، گویا به خوبی می‌دانست که پاهای من حس ندارد و این برایش خطرناک است.»



«معلولیت، محدودیت نیست» همه‌ی ما بارها و بارها این جمله را شنیده ایم و حتی خود را مدافع سرسخت آن نیز می‌دانیم، اما آیا واقعا به گفته‌های مان اعتقاد داریم یا نه. گر چه امروزه شرایط زنده‌گی اشخاص دارای دارای معلولیت تا حدودی تغییر کرده و سطح فرهنگ مردم رشد یافته است، اما آنها هنوز هم با مشکلات عدیده‌ای دست و پنجه نرم می‌کنند. در این میان خانم‌های دارای معلولیت مشکلات زیادی برای ازدواج و خصوصا مادر شدن دارند و متاسفانه هنوز هم نگاه‌های سنگین و ترحم آمیز اطرافیان را تحمل می‌کنند.

«او چطور می‌خواهد کارهایش را انجام دهد»، «نمی‌تواند مسئولیت طفل را به عهده بگیرد» و ... انتقاداتی از این قبیل معمولا در مورد این خانم‌ها شنیده می‌شود. قطعا تحمل این نگاه‌ها و رفتارها چندان آسان نیست و متاسفانه دولت نیز امکانات خاصی برای این گروه قائل نمی‌شود.

بنابر تحقیقی که در سال ۲۰۰۲ در پاریس انجام گرفت، از بین ۵۹ زایشگاه این شهر،

## کودکانی که گلیم خود را از آب بیرون می‌کشند.

گرچه برخی از داکتران براین باور اند که فرزندان مادران فلج، دیرتر از بقیه نظافت شخصی را یاد می‌گیرند، اما در واقع چنین نیست. سارا درباره تایید این ادعا می‌گوید: «دختر من در ۲ سالگی نسبت به همسالانش بسیار پاک‌تر بود. او خیلی زود استقلال را یاد گرفت. لباس‌هایش را به تنهایی می‌پوشید، وسایلی که روی زمین می‌ریخت، خودش جمع می‌کرد و حتی مراقب من نیز بود. وقتی پاهایم از روی لبه چوکی پایین می‌افتاد کمک می‌کرد تا اذیت نشوم.»

## ظرفتهای لازم زنده‌گی روزمره

گرچه کودک به طور طبیعی متوجه شرایط مادر می‌شود، اما برخی تکنیک‌های مادرانه در این باره می‌تواند بسیار لازم و کارآمد باشد. میزی برای عوض کردن و نظافت کردن کودک، به مادر کمک می‌کند تا به راحتی و بدون نیاز به کمک دیگران کارهای فرزندش را انجام دهد. همچنین برای حمام کودک نیز بهتر است تب حمام را روی قسمت بلندی در حمام گذاشت تا مادر مجبور به خم شدن

ندارند زودتر از سن‌شان عاقل شوند.

## مادران ناشنوا

ناشنوایی نیز مانند هر نوع معلولیت دیگری به مادر می‌آموزد که چطور با محدودیت‌هایش سازگار شود. نشنیدن صدای کودک یکی از نگرانی‌های خانم‌های ناشنواست، اما این حق مسلم مادر شدن را از آنها سلب نمی‌کند. برای جلوگیری از اینکه کودک مدت طولانی گریه کند، می‌تواند از وسیله‌ای استفاده کند که مشکل را مرتفع کند. این دستگاه طوری طراحی شده که نسبت به شدت صدای گریه کودک می‌لرزد و چراغ‌های آن روشن می‌شود. از آنجا که این دستگاه حالت وایبره نیز دارد، مشکل مادر را در زمان خواب نیز برطرف می‌کند. برخی کمره‌های مخفی نیز در این زمینه کاربرد دارند.

## صحبت کردن با کودک

آیا نیازی دارد با این که کودک شنوا و قادر به حرف زدن است، بازم زبان اشاره مادر را یاد بگیرد؟ شاید این پرسش برای بسیاری از چنین خانواده‌هایی پیش بیاید. در پاسخ باید گفت که چون اشخاص ناشنوا به سادگی می‌توانند لب‌خوانی کنند، اگر فرزند آنها این کار را یاد بگیرد،

بگیرند. مادران روشن دل، بهتر است از همان روزهای اول خود پمپر طفل را عوض کنند، لباس‌هایش را مرتب کنند و ... شاید در برخی موارد حضور پرستار طفل در مورد کارهای نوزاد هم نتواند مادر را قانع کند. مادرانینا در واقع نیاز دارد که فرزندش را احساس کند و با نوازش، او را ببیند. در این صورت است که او کم کم می‌تواند تمام کارهای فرزندش را انجام دهد و حتی ناخن‌هایش را هم بگیرد. این مادر موفق به افراد شبیه خودش توصیه می‌کند که همیشه فقط به خود تکیه کنند و به حرف‌های منفی دیگران اهمیت ندهند.

## چند توصیه کاربردی به مادران نابینا

معمولاً «زمانی که به کودک غذا می‌دهیم، لباس‌هایش کثیف می‌شود. مادران نابینا برای اینکه خیلی مشکل پیش نیاید، می‌توانند لباس یا پیش بندی را مخصوص غذا دادن کودک داشته باشند که تا حد ممکن نیازی به تعویض لباس‌های طفل نباشد. هنگام غذا دادن به کودک بهتر است کودک را روی زانویش بنشانند. این حالت نسبت به نشان دادن کودک روی چوکی این مزیت را دارد که مادرمی‌تواند حرکات سر طفل را کنترل کند.

علی‌رغم پیش داورى‌ها و نگرانی‌هایی که بر زنده‌گی خانم‌های دارای معلولیت سایه افکنده، بسیاری از آنها با شرایط کنار می‌آیند. به زنده‌گی این خانم توجه کنید: سارا خانم جوانی است که وقتی فقط ۲۳ ساله بود در اثر سانحه ترافیکی پاهایش را از دست داد. اما با امید به زنده‌گی ازدواج کرد و توانست مادر شود. دختر کوچکی او حالا ۲ ساله است. سارا می‌گوید: زمانی که باردار شدم از آینده می‌ترسیدم، از اینکه نتوانم کارهای فرزندم را به خوبی انجام دهم و ... اما گویا طفل کوچک من از همان زمان تولد متوجه معلولیت مادرش شد. وقتی او را روی پا می‌نشاندم، خودش را خم نمی‌کرد، گویا به خوبی می‌دانست که پاهای من حس ندارد و این برایش خطرناک است.»

مادر راحت‌تر می‌تواند با او ارتباط برقرار کند. خصوصاً اگر پدر هم از نظر شنوایی ضعیف باشند. آموزش زبان اشاره همزمان با رشد کودک برایش مفید است و به زبان آموزی او نیز کمک می‌کند. به علاوه، تا پیش از اینکه کودک قادر باشد نخستین کلمات را به زبان بیابد، مادر می‌تواند با او ارتباط برقرار کند. یکی از مادران ناشنوا در این باره می‌گوید: «از زمان تولد نوزادم، با حرکات اشاره، مفهوم کلمات را به او یاد می‌دادم. تا جایی که فرزندم در ۱۷ ماهگی ۳۵ عبارت را متوجه می‌شد». مزیت دیگر این روش، جلوگیری از عصبانیت مادر هنگام ارتباط با فرزندش است.

در مورد شیشه (کوکور) طفل نیز یک راه حل ساده وجود دارد. ظرفی با درجه بندی برجسته را انتخاب کنید تا برای تعیین مقدار غذای کودک نگرانی نداشته باشید. از آنجا که کودک خیلی زود خطر را می‌شناسد؛ البته اگر آن را احساس کند، می‌توان آتش را از ۲ تا ۳ سالگی به فرزند شناساند و به او خاطر نشان کند که خود قادر به مراقبت از او نیست. اما اگر فرزند شما پر جنب و جوش است برای پیش‌گیری از خطر می‌توانید جلو بخاری مانعی بگذارید و یا حتی طنابی به کمر طفل و سر دیگرش را به ستون یا وسیله‌ای ببندید تا نتواند به آن نزدیک شود. چرا که بعضی از کودکان دوست

نباشد. البته حضور شخص دیگری در کنار او برای نگه داشتن کودک و مراقبت بیش‌تر لازم است.

## مادران نابینا

«نابینایی» مانعی برای مادر شدن نیست. تقویت حواس دیگر به خانم نابینا این امکان را می‌دهد که به فرزندش رسیدگی کند، بدون اینکه به کمک شخص دیگر نیاز حتمی داشته باشد. یکی از مادران نابینا در این باره می‌گوید: «من سه فرزند دارم و هیچ وقت از همان زمان تولد فرزند اولم ترس و واهمه‌ای نداشتم». مسلماً این مادران نیز مانند دیگران از هنگام تولد نوزاد باید رسیدگی به کارهای او را یاد



# گدایی، مانع خلاقیت و زاده‌ی فقر فرهنگی – اقتصادی

(به بهانه سوء استفاده گداها از معلولیت)

فرشته شمال

کاهش منظری پر نمایش گدایان شهر موفق باشد. هر گوشه از شهر شاهد ده‌ها گدایی است که به انواع مختلف تلاش دارند تا توجه عابران را به خود جلب نموده و به نحوی حس ترحم آنان را تحریک کنند تا شاید مبلغ ناچیزی بر کف دست شان قرار دهند. احمدذکی یکی از کودکانی است که هر روز از بام تا شام مشغول اسپند کردن موترها است. اما وی که از ناحیه‌ی یک دست خویش معلولیت دارد، پیش از آنکه دود اسپندش بالا شود، دست چپ اش که معلولیت آن نمایان است تا آرنج بالا شده و برای عابران نمایش داده می‌شود. این روش کسب

گدایان یک جامعه شاخص اساسی در شناسایی عقب افتادگی آن جامعه به شمار می‌آید. در حقیقت، پدیده گدایی با خود همه عوامل و عناصر منفی را یکجا دارد، از یک طرف فقر فرهنگی و تباهی جامعه را می‌رساند، از جانب دیگر به روشنی محرومیت را با تمامی ابعادش هم مادی و هم روانی به منصفی ظهور می‌گذارد.

متأسفانه که شهر کابل به عنوان پایتخت کشور سی میلیونی که طی چهارده سال گذشته شاهد سرازیر شدن میلیون‌ها دال بود، نتوانسته است حتی در

تکدی‌گری یا همان گدایی یکی از معضله‌های اجتماعی است که ارتباط مستقیم با ساختارهای اجتماعی – اقتصادی هر جامعه دارد و این معضل در شهرها و کلان‌شهرها پیامدهای ناگوار دیگری نیز دارد که در نهایت پدیده‌های انحرافی دیگری را تولید نموده و در پی می‌آورد. یکی از این موارد، سوء استفاده از اقشار آسیب دیده، کودکان و اشخاص دارای معلولیت است که همواره به اشکال مختلف و مظاهر متفاوت نمود یافته و تبارز پیدا می‌کند. به باور جامعه شناسان، "منظره هزاران گدا که در نهایت ذلت

و با ارائه اندام‌های از کار افتاده و زخمی یا نشان دادن عضو دارای معلولیت خود با یکی از بستگان، نمایش کودکان بیمار و... در گوشه شهرها پدیدار می‌شوند، نشانگر فقر، زوال منابع انسانی و همه نوع آمادگی در راه تکوین و بسط انواع جرایم است. از همین دیدگاه، می‌توان گفت: همان‌طور که یکی از مهم‌ترین شاخص‌های رشد، آمادگی‌های انسانی یک جامعه است، به همان نسبت نیز تعداد



درآمد هرچند با قوطی اسپند و در بدل انجام یک کاری صورت می‌گیرد، ولی بیش‌تر از آن ابزاری را به خدمت می‌گیرد که همان معلولیت است.

شاید احمدذکی یکی از انواع سوء استفاده‌ها از معلولیت را در منظر عابران شهر نمایش دهد. بدون شک صدها مورد دیگر نیز از این دست وجود دارند که هرکدام از ما شاهد آن بوده ایم. به باور جامعه شناسان، این نوع استفاده از معلولیت به اعتماد به نفس اشخاص به شدت آسیب رسانده و مسیر هرگونه سعی و تلاش مثبت و مشروع را از وی می‌گیرد. این روند به نحوی است که حتی باعث

سوء استفاده‌ی دیگران نیز گردیده است. مهتا زنی است که معلولیت ندارد، ولی به خاطر جلب ترحم دیگران در سطح شهر خود را به حالتی درآورده است که گویا معلولیت دارد. وی می‌گوید این کار را به منظور جلب ترحم مردم و گرفتن کمک از آنان انجام می‌دهد.

علیرضا حسنی؛ جامعه شناس براین عقیده است که " مفید بودن هر کاری در یک جامعه از این جهت است که آن شغل راه را برای رشد و توسعه فراهم نماید. ولی امروزه در بسیاری از کشورها از جمله کشورهای جهان سوم در کنار بسیاری از معضلات شهری، بسیاری از اشخاص به کارهایی روی می‌آورند که این آسیب‌ها و معضلات را دو چندان می‌کند، نمونه‌ی بارز آن تکدی گری در شهرهاست که با شیوه‌های گوناگون و با سوء استفاده از احساسات و عواطف انسانی سعی در کسب منافع خود هستند."

این نوع کسب درآمد بخصوص در جوامعی که بر محور احساسات دینی و عواطف مذهبی عمل می‌کنند، جایگاه بارزتری داشته و به زودی گسترش یافته و شرایط برای آن مهیا می‌شود. همان‌گونه که اشاره شد، بیش‌ترین اشخاصی که دست به این کار می‌زنند از

میان اقشار آسیب‌پذیر جامعه می‌باشند. آماری که وزارت کار، امور اجتماعی، شهدا و معلولین ارائه نموده است نشان می‌دهد که تنها در شهر کابل 60 هزار گدا وجود دارد که بیش‌ترین آنان را زنان و کودکان تشکیل می‌دهند.

این درحالی است که گدایی برحسب قانون ممنوع است و طبق فرمان رییس جمهور کرسی مورخ 26/8/1387 هیچ شخصی حق گدایی و تکدی گری را ندارد. اما این قانون

ند. مثلا،

### مفید بودن هر کاری در یک جامعه از این جهت

است که آن شغل راه را برای رشد و توسعه فراهم نماید. ولی

امروزه در بسیاری از کشورها از جمله کشورهای جهان سوم در کنار

بسیاری از معضلات شهری، بسیاری از اشخاص به کارهایی روی می

آورند که این آسیب‌ها و معضلات را دو چندان می‌کند، نمونه‌ی بارز آن

تکدی گری در شهرهاست که با شیوه‌های گوناگون و با سوء استفاده

از احساسات و عواطف انسانی سعی در کسب منافع خود هستند.

بسیاری از مواد قانونی، نوشته‌ای بر روی یخ شده و در آفتاب فساد و بی کفایتی کنونی نهادهای مسئول آب شده و محو گردیده است.

حقیقت این است که برخورد با معضل گدایی نباید با فرمان‌های مقطعی یا برخوردهای سطح صورت گیرد. رفع این معضل که بیش‌ترین قربانیان آن را اقشار آسیب‌پذیر از جمله اشخاص دارای معلولیت تشکیل می‌دهد این است که روی عوامل و بسترهای آن مطالعه جامعه شناسانه و کارشناسی شده صورت گرفته و در صدد رفع علت‌ها باشیم نه معلول‌ها.

با توجه به اینکه مهم‌ترین عامل گسترش تکدی گری فقر است و نیز در جامعه ای که شاهد فقر باشیم حتما نتایج سوء آن را هم در جامعه می‌بینیم، حل معضل تکدی‌گری در گرو حل مسایلی از قبیل بالا بردن سطح زنده‌گی و ایجاد کار، انکشاف دهات و

فراهم نمودن بستر مناسب زنده‌گی است تا بتوان جلو رایج شدن هرگونه سوء استفاده از اقشار آسیب‌پذیر را بگیریم.

ما این تنها یک سوی ماجرا است، سوی دیگر ماجرا مردمی هستند که به گدایان کمک میکنند و اجناس آنان را با بهای کاذب

می‌خرند. چرا در میان مردم چنین اقتناعی وجود دارد که به این اشخاص کمک می‌کنند؟ مردم پذیرفته اند که اشخاص بسیاری با وضعیت مالی نامناسب وجود دارند. حتی

می‌دانند قصه‌های دروغ می‌یافتند، اما این دروغ هارا باور می‌کنند. گداهای از مسوولیت اجتماعی معاف اند، به خاطر نیازمندی شان سرزنش نمی‌شوند، توقع دارند دیگران به آنها کمک کنند، نقش تولیدی نداشته، از دست رنج

دیگران بهره می‌برند. بخشی از جامعه بر اساس وظیفه شرعی به فقرا کمک می‌کنند، برخی دیگر یاری به متکدیان را وظیفه بشریت می‌دانند و گروهی نیز نذرهای خود را این گونه می‌پردازند.

این درحالی است که دین اسلام، گدایی را بسیار منفور دانسته و آن را سخت مورد مذمت و سرزنش قرار داده، دستور می‌دهد که مردم تن به مذلت و خواری ندهند و دست گدایی دراز نکنند.

بنابراین، برچیدن این پدیده از جامعه و مقابله با آن که یک بلا بزرگ برای کسب اعتماد به نفس انسان بوده و آینده اش را تباه می‌کند، باید دولت، جامعه، بسترهای تبلیغی چون ملا امامان مساجد و رسانه‌ها دست به دست هم دهند. چرا که نابودی فقر نیازمند رشد اقتصادی، ایجاد زمینه‌های شغلی مناسب و در عین حال آگاهی لازم از آموزه‌های اخلاقی، انسانی و اسلامی است.



عبدالقهار:

# ستونزو ته تسليمدل، د فنا په مفهوم وی

او د تداوی لپاره یې خارج ته د تگ هیله درلوده، ملگری شو ترڅو ورسره درملنی په جریان کې مرسته وکړی خپل کاروبار یې تعطیل او دهغه سره د پاکستان په لوری وخوځید، د سهار ۷ بجی وی چې د ننگرهار ولایت د بتی کوټ ولسوالۍ دریم فارم ساحی ته ورسیدو هلته د داسی په وسلو سمبالو کسانو له خوا چې مخونه یې پټ وو د دوی د سپرلی موټر ته د دریدلو اشاره وشوه، موټر چلونکی د وسلوالو اشاری ته پام نشو او موټر یې ونه دراوه، وسلوالو د موټر په لوري ډزی پیل کړی چې په پایله کې یې ډریور په حق ورسید او عبدالقهار په پښه ټپي شو دهغه ځایه جلال آباد روغتون ته یورل شواو له جلال آباد څخه خپلو ترونو د اسلام آباد شفاء روغتون ته یور. روغتون ډیر مجهز وو خو د ده د پښې ټپونه دومره ژور وو چې ډاکتران یې د علاج نه عاجز شول او د پری کولو فیصله یې وکړه. د روغتون په قانون کې د مریض د یو عضو د پری کیدو څخه مخکی دهغه اجازه ضروری وه. دا فیصله او اجازه د ده د ژوند تر ټولو گرانه، دردونکي او ناهیلې کونکې فیصله وه. ددی سره د ده ژوند د ناهیلیو دردونو او سوچونو یوه نوی پړاو ته ور ننوت چې خپلې هیلې او آرزوگانې یې نیمه خوا ولیدلې. د وطن د بچو خدمت، د خپلو تحصیلاتو بشپړول د ورونیو تعلیم او تحصیل، د خپلی کورنی اقتصاد په پښو درول (چې تر دی دمه د مهربانه ترونو په لاس ټول اقتصادی مشکلات حل کیدل) دا ټول هغه څه وو چې ده یې د سر ته رسولو هوډ درلود، دی د خپلو ذاتی آرزوگانو ترڅنګ ډیر لیوال دی ته وو چې وکولای شي خپلو هیوادوالو او

سره په مرسته او د خلکو د مشکلاتو په ختمولو او یا هم کمولو کې ښه نوم لري. د ده نیکه په سخاوت، میلمه پالنې، دوستی او خپلو پالنې کې ښه شهرت لري، د ملک په گوټ گوټ کې یې خلکو ته نه هیریدونکی خدمتونه کړیدی او خلک ورته لاس په دعا دي. د ده غور نیکه هم بیا ټوله هستی اودارایی د خلکو د خدمت په لار کې قربان کړي ده. د ده پلار د نیمگری صحت او کمزوري وجود سره سره لا هم چې له مړینې یې کلونه تیریری خلک یې نیکي او خصوصاً د مریضانو خدمتکی چې ده څومره تکلیفونه گاللی یادوی، او ورته لاس په دعا دی، دی د نورو ښیگنو سره سره یو ډیر مهربانه پلار هم وو د دوی په تعلیم او تربیه کې یې د هیڅ راز هلو ځلو نه دریغ ندی کړی، د ده د مړینې څخه وروسته، اوس د ده ترونو دا ځل په خپلو مهربانیو سره ډکه کړیده، هیڅ راز محرومیت ته یې نه دی پری ایښی، دهغوی نیکو لارښونو د ده په تعلیم او تربیه کې ډیره مرسته کړی ده. الله (ج) دي خوشحاله او په عمرونو کې برکت واچوي. لکه څنګه چې می مخکی ورته اشاره وکړه د خلکو سره مرسته، نیکي او دهغوی د مشکلاتو ختمول او یا کمول، د ده د نیکونو څخه وریاتی میراث دی چې دی پری وپاری. او د الله (ج) شکر اداء کوو چې ده ته یې هم د همدی میراث د ژوندی ساتلو توفیق ور په برخه کړي دي. که یې پلرونو خپله دارایی د الله (ج) په لار او د خلکو سره په مرسته او تعاون کې له لاسه ورکړه عبدالقهار د خپل وجود یو غری پدی لار کې د لاسه ورکړ او هغه داسی چې: ۱۳۹۲ هـ ل کال د لرم په ۱۲ یوه کلیوال په غوښتنه چې د زړه له ناروغی ځوریدو

عبدالقهار د مرحوم حاجی محمد ظاهر زوی او په ۱۳۶۶ هـ ل کال کې یې د وردک ولایت د سید آباد ولسوالی دحسن خیلو په کلي کې دنیا ته سترگی غړولی دي. لومړنی زدکړی یې په عثمانیه ښونځي کې او د لیبسی زده کړي یې د امام ابوحنیفه (رح) په لیسه کې بشپړی کړیدی او په کال ۱۳۸۶ هـ ل کې فارغ شو. د کانکور په آزموینه کې د کندهار پوهنتون د تعلیم او تربیې پوهنځی ته لاره ومونده خو د څه مشکلاتو په وجه یې ونشو کولای چې خپلی زده کړي پرمخ بوځي. د فراغت د نیټی څخه بیا تر ټپي کیدو تر موده پوری یې مختلفې دندی سر ته رسولی دی، لکه څرنګه چې تاسو ته بهتره معلومه ده وردکو ولایت د افغانستان په زړه کې پروت یو له ښایسته ولایتونو څخه دی چې ښایسته درې یې تل په شنو ونو پوښلی دي او د درو په منځ کې د رنو اوبو سیندونه بهیږی چې د منطقی ښکلا یې نوره هم زیاته کړي ده. د ولایت د ظاهری ښکلا په څنګ کې یې خلک د اخلاقو، غیرت، همت او تعلیم په ښکلا مزین دي، تعلیمی سطح یې دهیچانه پټه نده د تعلیم په برکت یې چې په هر دور کې کومی کارنامی کړي دي هغه ټولو ته لکه لمر روښانه دي. باغونه او گلونو ډکې اوبنیرازه ځمکی یې د لیدلو وړ دي، کله چې لمر خپلی زرینی وړانګی د لمر ختو په وخت کې په باغونو پوښلی دره باندی وغوروي داسی گمان به وکړی لکه چې د زرغون بخل په منځ کی زرینی وړانګی پریوتی دي. زمونږ پلرنی ټاټوبی هم په همدی شنو او د باغونو ډکه یوه دره کې موقعیت لري. دی په داسی یوی کورنی کې دی دنیا ته راغلی دی چې د سځاء، غیرت او د خلکو

۱۳۹۲ هـ ل کال د لرم په ۱۲ یوه کلیوال



هغه څه ترسره کړي چې دیر نا معلوله وگړي نشي تر سره کولای رینښتیا هه په الله توکل او پخه عقیده د بری لومړی شرط دی.

### دی ځوانانو ته پیغام لری چې :

پخه عقیده، په الله توکل، لوړ عزم او همت، صبر او زغم، په هر نوع مشکلاتو د بریا تضمین دي. په ځان باور او په دوامداره توگه هڅه کول خپلو هیلو ته رسیدو یوازینی وسیله ده.

ځوانانو ته یې توصیه داده چې کله هم مشکلاتو ته تسلیم نشي ژوند یوه دوامداره هڅه او مبارزه ده چې باید ترسره شي مشکلاتو ته تسلیم کیدل د فنا په مفهوم وي خپلو هڅو ته باید د ژوند تر اخری لحظی پوري دوام ورکړو.

هڅه بریا او خپلو هیلو ته د رسیدو ضمانت کوي.

دی وایي زه د الله شکرادا کوم چې زه یې د دی جوگه کرم چې د خپل وطن دین او خپلی کورنی ته یو ځل بیا د خدمتگولو جوگه وگرځیدم.

د هر راز مرستی وعده وکړه او عملا یې ده ته ددی زمینه برابره کړه ترڅو وکولای شي د طبی منځنیو زده کړو په انستیتوت کې داخله واخلی او خپل تحصیلات بشپړ کړي همغه و چې د ۱۳۹۳ کال په پیل کې یې د الجامع کمپلکس په انستیتوت کې د فارمسی په څانگه کې داخله واخیسته او په ۱۳۹۴ کال کې د نوموړی انستیتوت د فارغینو په کتار کې ودرید.

د تحصیل په لړ کې یې د خپلو هڅو په نتیجه کې وکولای شو چې د تحصیل په څنگ کې په یوه شخصی درملتون کې دنده ترسره کړی او په نورو ورزشی او د معلولینو په پرگرامو کې برخه واخلی، کوم چې د مختلفو موسساتو له لوری جوړیږی. او د باسکتبال د تیم فعال غړی دی، اکثریت لوبو کې چې د معلولینو لخوا جوړیږی برخه اخلی. داسی فکر نه کوی چې له نا معلولو وگړو سره څه توپیر لري. یا هغه کارونه کوم چې نامعلوله وگړي یې ترسره کوی، دی نشی ترسره کولای د ده همت، عقیده او هڅه ددی وسیله شوه چې په ډیرو مشکلاتو بری ومومي او

نورو مسلمانانو ته د خدمت جوگه شي. د معلولیت او د پښی د لاسه ورکولو وروسته یې ټولی آرزو گانی او ارمانونه خاوری خاوری او نیمه خوا ورته ښکاریدل، زړه یې مات شوی وو ځان ورته ډیر ناتوانه او کمزوری ښکاریدو د داسی ناهیلیو سره مخ شو چې نور ژوند ورته بی مفهومه، او مرگ ته یې په ژوند ترجیح ورکوله، خود ده پخه اسلامي عقیده او د دوستانو تشویق او هڅونی ددی لامل شوی چې یو ځل بیا په ډیر همت سره کار وکړي نو یې د ژوند د نوي باب د پرانیستو عزم وکړ د معلولیت په څنگ کې خپل تعلیم او تحصیل بشپړ کړ او د خپلو ورونیو او خویندو د خدمت جوگه شو.

رینښتیا یی ویلی دی چې : جوینده یابنده است او یا داسی وایي:

چې غوټي پسی وهی په لاس به درشی: چا ویل چې په دریاب کې گوهر نشته

په همدی لټه کې وو چې د دوستانو له جملی د سره صلیب د یو کارکونکی داکتر حیات الله په مرسته او سفارش (دسی سی دی) اداری ته معرفی شو. هغوی د ده سره

## معلولیت لرونکی وگړي او بشری حقونه

زما په اند معیوب هغه کس بولم چې انسانی احساس، پوهه، زړه سوی، بشر دوستی، ورین تندی، سخاوت، صداقت، شرافت، تربیه او خور کلام نه لری. فزیکي معلولیت عیب نه دی، خو معنوی معیوبیت ډېر لوی عیب دی.

په نړیوال تړون کې د معلول تعریف : معلولین څوک دي؟ هغه کسان چې یو اوږد مهاله فزیکي، اروایي، فکری او یا احساسی نیمگرتیا لری او په ټولنه کې د ډول-ډول خنډونو له وجی د هر ډول فعاله او گتوری برخی اخیستی څخه له نورو سره په برابره توگه مخ ته نسلی تللای.

په تاسف سره باید ووايو چې په افغانستان کې ډېر معلول اشخاص د جنگ قربانیان دی، جنگ د ټول بشریت دښمن دی، ټول

یاد سی، ځکه چې د یو شخص بشپړ نوم یادول، هغه شخص ته درنښت دی او هغه شخص زموږ په وړاندی همدا شان عمل کوی. نوم د هرانسان هویت دی، کله چې د یو شخص هویت له گواښ سره مخ شی، هغه شخص په هر ډول چې وي، له خپل هویت څخه دفاع کوی، مور که داسی یو شخص پیژنو چې معلولیت لری او د هغه کس نوم هم راته معلوم وی، لازمه دا ده چې په نامه یې را وبولو یا په نامه یې یاد کړو او خپلو کوچنیانو ته دا ور زده کړو، چې پلاني همسایه مو پلانکی یا پلانی جانه نومیږی چې په دی کار سره به مو هم خپلو کوچنیانو ته ښه تربیه ور زده کړي وي او هم به د نورو انسانی کرامت ته سپکاوی نه وی شوي.

معلولیت، معیوبیت څه دی؟ په پیل کی لازمه گنم چی د معیوب او معلول پر یو لنډ تعریف باندی یو لنډ بحث وکړم ؛ معیوب له عیب څخه عبارت دی، خو معلولیت نیمگرتیا ته ویل کیږی، هغسی نیمگرتیا چی دهغه شخص انسانی کرامت ته گواښ نه وی. کله چی مور معلولین وایو(جسمی نیمگرتیا) هغه کسان چې جسمی نیمگرتیا لری هغوی ته معلول اشخاص ویل کیږی، ځکه چې معیوبین یا معیوب عیب یا عیب لرونکو ته ویل کیږی او د معیوب کلمه بوه ترخه کلمه ده، استعمال یې معلولیت لرونکی شخص متاثره کوی. تر ټولو غوره خبره خو داده چی زموږ اسلامی فرهنگ هم دا رابنودلی دی چې هر شخص په خپل نوم سره باید

بشري حقونه ځپي، د ټولني ټول معنوي ارزښتونه له منځه وړي او په ټولنه كې د انسانانو ترمنځ عقدي او بدې پاته كوي، لكه څنگه چې مور په افغانستان كې د يو مليونو په شاوخوا كې شهيدان وركړيدي، كه څه هم دقيقه مالومه نه ده، خو ويل كېږي چې د يو مليون په شا وخوا كې معلولين لرو، خو له بده مرغه چې دغه خپل شوي قشر ته هيڅ پاملرنه، نه ده سوې. دا جوته ده چې په افغانستان كې د روغو انسانانو بشري حقونه لا، له گواښ سره مخ دي، خو د معلولو اشخاصو د بشري حقونو څخه څنگه چې بايد ملاتړ سوې واي نه دي سوې. د بيلگي په ډول په افغانستان كې رسني د هرې موضوع لپاره ټوليزوني او راډيويي پرگرامونه لري، خو د معلولينو د حقونو د پراختيا، درناوي كوم پروگرام نشته. د كلونو په اوږدو كې اوس مهال هم معلول اشخاص د افغانستان په سطحه له ډېرو بشري ستونزو سره مخ دي، دا ځكه چې د معلولينو په وړاندې پرته ستونزې لا نه دي حل شوي او نه چا پاملرنه ورته كړې ده. د معلولينو په وړاندې د پرتو ستونزو بيلگي به لږ وروسته ذكر كړو.

كومه سروې چې د افغانستان د بشري حقونو د خپلواك كميسيون او نورو ارگانو لخوا شوې ده، هغوى دغه ستونزې د معلولينو په وړاندې لوى خنډ گڼلى دى او د معلولينو د بشري حقونو څخه يې سرغړونه بللې ده. كومى ستونزې چې معلولين تل ورسره مخ دي دادى:

د ځينو روغو كسانو له خوا له معلولينو سره بد چال چلند او تعصب كول. معلولينو ته په نا مناسبو او ډيرو منفي الفاظو برغ كول او يا هم په يوه بد نامه بلل. بيكارى، د سرپنا نه درلودل. د روغتيايي مركزونو نشتوالى. د معلولينو لپاره د زدكړي د ځانگړو ښوونځيو يا مركزونو نشتوالى، په خاصه توگه، رندو او كڼو معلولينو ته. نامناسبه ماركيټونه او تعميرونه، د واده سالونونه، په تاريخي او علمي سفرونو كې د معلولينو نه شامليدل، په غونډو، مشاعرو، يا نورو ملي ورځو په لمانځولو

كې معلولينو ته بلنه نه وركول..... او داسې نور. په عمومي ډول نه شو ويل، چې معلولو اشخاصو ته دى په رسمي ډول، په دغو پورتنيو پروگرامونو كې بلنه وركړل شوې وي.

د بيلگي په ډول، د واده سالونونه دومره لور يا دومره تيب دى چې معلول شخص بلکل نشي كولاى چې هلته ورسى، مثلاً كه يو معلول شخص د ماركيټ څلورم پور ته خيژي، آيا دا معلول په زينو كې ختلاى شي؟ خو كه په دغه ټولو ځايونو كې د معلولو اشخاصو لپاره هغه مخصوصه لاره جوړه شي (رېمپ) چې دا د معلول شخص بشري حق دى، خو تراوسه چا دې ته پاملرنه نه ده كړې. همدا شان د ډاكټر صاحبانو كتنځايونه، خوړنځايونه، درملتونونه، هوټلونه، تفريحي پاركونه، د موټرانو تمځايونه نامناسبه دولتي او غير دولتي ودانې او ..... ډېر لږ به داسې وي چې معلولو كسانو ته دى د ملي او تاريخي ورځو په لمانځلو كې بلنه وركړل شوې وي، دا ټولى هغه ستونزې دي چې د معلول شخص ټول فزيكي او رواني روغتيا له گواښ سره مخ كوي او هر څومره چې يو شخص له ټولنيزو مسايلو څخه ليرى پاته سي، عاطفي ماته خوري او د نورو په وړاندې عقده كوي په اروايي ناروغيو اخته كېږي، خو دا مور او د ټولني وگړي دي چې دې ته پام نه كوو، چې معلول شخص له نورو روغو كسانو سره د انساني كرامت پر بنسټ هيڅ توپير نه لري، ځكه چې الله (ج) ټول انسانان برابر پيدا كړي دى او ټول انسانان برابر انساني حقوق لري، هيڅ انسان پر بل يوه په رنگ، پوست، قوم، ژبه، شتمنى، مقام او منصب لوړتيا او مرتبه نه لري. الله (ج) ته هغه څوك نژدې او محترم دى چې تقوا لري او د بشريت لپاره خدمت وكړي. دغسې چې روغ انسانان حق لري چې د ژوند ټولى آسانتياوى ورته برابرې شي، معلول كسان هم دغه ټول حقوق لري، چې بايد وركړل شي.

ځيني كسان داسې وايي چې خداى (ج) داسې نيمگړى او معلول اشخاص د نورو د عبرت لپاره پيدا كړي دى! چې دا خبره د خداى (ج) پر ضد خبره ده، ځكه چې الله (ج) نعوذ بالله ظالم نه دى چې د نورو لپاره ننداره جوړه كړي. الله (ج) په قران كريم كې انسان ته دخپل خليفه لقب وركړى دى پر روغو انسانانو باندې د نورو پاتو كسانو سره مرسته او خواخوږى شرعى او انساني دنده ده. كه په هره ټولنه كې د هغه ټولني د وگړو ترمنځ د زړه سوې، مرستې او مهرباني قانون پلى نه شي، هغه ټولنه به يوه نېكمرغه ټولنه، نه وي لكه اوس چې زموږ افغانى ټولنه ده، د اسلام د سپيڅلي دين له نظره لاسنيوي، مرسته او لارښوونه څومره حكمتونه لري، له هر هغه عمل څخه چې د اسلام سپيڅلى دين مور منع كړى يو په هغه كې هم زموږ، هم د الله پاك د نورو بندگانو خير دى چې بشري قانون هم دغه غواړي. كه مور روغ انسانان په رښتيا سره خپل د هيواد د معلولو اشخاصو حقونو ته پاملرنه وكړو، دا جوته ده چې معلول كسان به خپل بشري حقونه لاس ته راوړي او په ټولنه كې به د ټولو بدمرغيو مخه ونيوله شي چې په دې اړه د بشري حقونو د نړيوالي اعلاميې د يوڅو مادو ذكر كول وړ بولم. د بشري حقونو نړيواله اعلاميه په (۱۹۴۸) ميلادى كال كې د دسامبر (۱۰) چې (۱۳۲۷) لمريز كال د (۹/۱۹) سره برابره ده، د ملگرو ملتونو سازمان د عمومي غونډې مصوبه .

۱ ماده: ټول انسانان آزاد نړى ته راځي او د حقونو او حيثيت له پلوه سره برابر دي. ټول د عقل او وجدان درلودونكى دى او بايد يو له بل سره د وروړگلوى په روحيه چلند وكړي .

په همدې اساس د بشري حقونو د اسلامي اعلاميې د لومړي مادې ذكر د بشر د حقونو اسلامي اعلاميه په (۱۴۱۱) قمرى كال كې د محرم الحرام په (۱۲) مه چې د (۱۹۹۰) ميلادى كال د اگست (۵) مه او د (۱۳۶۹) لمريز كال د آس د زمرى (۱۵) مى سره برابره ده تصويب شوى ده.

د سياسي او مدني حقونو نړيوال تړوند

ملګرو ملتونو د سازمان د عمومي ټولني د ۱۹۶۶ ميلادي کال د دسامبر ۱۶مې نېټې تصويب.

۲ماده:- ۱- د دغه تړون لوري هيوادونه ژمنه کوي چې په دغه تړون کې ټول پيژندل شوي حقونه د خپل حاکميت اوواکمني په پولو کې د استوګنو وګړو د پاره د توکم، رنگ، جنس، ژبې، مذهب سياسي عقيدې يا نورو عقيدو، د ټولنيزي او ملي منشا، يا نورو حالاتو د نه پام لرلو او پر ته له هر ډول توپير څخه محترم ګڼي، تضمينوي يې او د هغوی درناوی کوي. ۲- د دغه تړون لوري هيواد ژمنه کوي چې د خپل اساسي قانون او د دغه تړون د مقرراتو له مخې د قانون جوړلو په اړه د تدبيرنو نيول کوم چې په دغه تړون کې پيژندل شوي وي او مخکې د موجودو قوانينو يا نورو تدبيرونو له مخې اجرا شوي نه دي اوس د دغه تړون د موادو له مخې دهغوی په پلي کولو کې اقدام کوي.

۲۵ماده: هر وګړی په ټولنه کې ددې حق لري چې په دويمه ماده کې د راغليو تعبيضونو او نورو محدبتونو څخه پرته ددې امکان ترلاسه کړي چې سوکاله ژوند ولري. الف) په مستقيمه توګه يا د خپلو استازو له ليارې د عمومي چارو په اداره کې ونډه تر لاسه کړي. ب) په پراويزو ټاکنو کې چې په برابره او پټه توګه تر سره شوي وي، او د ټاکل شويو کسانو د ارادې، او د بيان ازادې تضمين وکړي، رای ورکړي او يا ځان کاندي کړي. ج) د بشپړو شرايطو سره سم د مساوي او برابرو حقونو په لرلو سره د هيواد په عمومي دندو کې ونډه واخلي. د دغسی اسنادو په لرلو سره بيا هم دولت هيڅ نه دي کړي. دا اوسني ضعيفه او له فساده ډکه اداره څنګه کولای شي چې د افغانستان د اساسي قانون سره سم د وګړو د سياسي، مدني او اقتصادي حقونو ملاتړ او مور وپنو چې د افغانستان اوسني اساسي قانون کې دولت څه ټينګي ژمني له مور سره کړېدی. د وګړو د حقونو د ساتنې په اړه د

اساسي قانون اړوندی مادي!

خوپه تاسف سره بيا وایم چې هره ورځ د هر ډول وګړي د اولس ۱۷ بشري حقونه څخه ډول حق هر وګړي نقص کيږي بيکارۍ، د مخدره موادو قاچاق او وده، د خارجي قواوو په بمباريو کې د بيګناه وګړو مرګ ژوبله، اداري فساد، په ځينو کورنيو کې د فقراو بيکارۍ له وجې شخړي تاوتریخوالي د کورني ترمينځ دمېرمنو ځان سوځني، په ځينو سيمو کې پرماشومانو جنسي تيري او عاملي نوته د سزا نه ورکول، اختلاس، اختطاف .... د دغو ذکرو شوو اسناد پر اساس تراوسه دولت د کومو نقص شويو حقونو مخه نيوله ده ؟ د درو لسيزو د معلوليت لرونکو وګړو زخمو نه لا نه دی درمل شوي چې پدې ورستيو انتحاري حملو، چاودنو او بمباريو کې په لسګونو نور وګړي معلول شوي دي. د معلوليت لرونکو وګړو د نړېوال کنوانسيون د ډول څو مادو ذکر پدې ځای کې ورپولم چې نړی بيا هم د بشري حقونو د ملاتړ په موخه ځيني قوانين تصويب وي، چې پدې ورستيو کې د معلوليت لرونکو وګړو نړيوال ميثاق (تړون) (۵۰) مادي لری د ۲۰۰۶ ميلادي کال د دسامبر ۱۳مه چې د ۱۳۸۵ لمريز کال د قوس ۲۲مې نيټې سره برابره ده تصويب شوي دي.

بايد د هغو بشري حقونو او بنسټيزو آزاديو په وړاندې کوم چې د همدې ميثاق د غړو هيوادونو لخوا په رسميت پيژندل شوي هيڅ ډول بنديز يا فسخ د قانون، ميثاقونو، مقرراتو او دودونو له مخې، په دې بهانه چې همدا کنوانسيون دا شان حقوق او آزادي په رسميت نه پيژني او يا يې هم په ډېره کمه اندازه په رسميت پيژني، تر سره نه سي. ۱۲ د دې ميثاق شرايط بايد د فيډرالي دولتونو ټولو برخو ته، له هر ډول محدوديت او استثنا څخه پرته وغزول سي. که د دغسی قوانينو پلي کول امکان ونه لري، نور ملي ملاتړونه سنه چې د معلولو اشخاصو د حقونو ملاتړ

او درناوی وکړي. ساده مټا لونه يی دادی

معلولو اشخاصو ته په بدو الفاظونوم نه ورکول، د سرک د تيريدو پر مهال له هغوی سره پوره مرسته کول، په ملي بس يا نورو نقلیه وسايطو کې د ناستي لومړيتوب معلول کس ته ورکول، د معلول شخص څخه د هغه د جسمي نيمګړتيا له وجې کرکه نه کول او په ټولو خوبنيو کې معلول اشخاص له ځانه سره شريکول، په ټولنه کې د معلولينو د ژوندانه د چارو د لا بنه کيدو لپاره د حکومت له خوا ټوله اسانتياوی برابرول. د معلولينو لپاره د حرفوي زدکړو د مرکزونو جوړول، کوچني پورونه ورکول، چې بايد په ورکول سوی پور خپل د ورځني ژوند اقتصادي چاری پياوړی کړي او د گټو په لاسته راوړلو سره بېرته هغه پور د لسو مياشتو يا يوه کال په موده کې مسوول ارگان ته ورکړي. د معلولينو د حقوقو د درناوی په موخه، په مساجدو کې د ديني عالمانو تبليغ کول، ملي قوانين پلي کول، خپلو کوچنيانو ته دا ور زده کول، چې په کوڅه او محل کې مو کوم معلول همسايه وي د هغه شخص ماشومانو ته د ګوډ يا شل زوی و نه وايي، ځکه چې اکثر معلول اشخاص له دغسی بدو کړو سره مخ دي او ځنی ځورېږي. د ټولني د وګړو د عامه پوهاوی په موخه د تلویزيونی پروگرامونو جوړول. نو په دې سره به هم خدای خوشحاله شي او هم به د ټولني له يوه خاص قشر (معلول) سره مرسته شوي وي او همدا ډول داکتر صاحبان د بي وزله معلول د ناروغی په خاطر د خپل فيس نيم اخیستل، يا هم فيس نه اخیستل، د دولتي او غير دولتي فابريکو فعاله کول او په دې فابريکو کې معلول شخص ته د هغه د توان په اندازه د کار لمړيتوب ورکول، يا د معلول د کورني يو غړی په کار ګمارل ... نور ډېر څه د لي کولو لپاره سته خو د حضرت سعدی صاحب په دغه بيت سره بسنه کوم چې. تو کز منت دېگران بی غمی نه شاپد که نامت نهند آدمی.



# دانستی‌ها

## ویتامینی که ناشنوایی را درمان می‌کند



یک مطالعه علمی نشان داد مصرف ویتامین B3 می‌تواند از ناشنوایی به دلیل سن بالا یا صداهای گوش‌خراش، جلوگیری کند و به طور کلی باعث درمان ناشنوایی می‌شود.

با توجه به مطالعه‌ی اخیر، مصرف ویتامین B3 باعث حفظ شنوایی به مدت طولانی می‌شود و حتی می‌تواند ناشنوایی کامل را درمان کند؛ گوش دادن به موسیقی با صدای بلند، صدای هارن موتورها یا اثرات موبایل اغلب باعث ناشنوایی و کم شنوایی شود.

حلزون گوش بخش شنوایی گوش است و لوله‌ای ماریچی شکل است که در حول خود مانند حلزون می‌چرخد؛ حلزون یک ساختار استخوانی دارد و یک ساختار غشایی که در داخل ساختار استخوانی قرار دارد و به نام مجرای حلزونی است؛ حلزون گوش هم در تشکیل لایبرنت استخوانی گوش و هم در تشکیل لایبرنت

به گفته‌ی دانشمندان در خصوص این مطالعه، از طریق یک مکمل غذایی از مولکول Nicotinamide Ribosite یا NR B3 «نیکوتینامید ریبوسایت» که نوعی ویتامین B3 است، از آسیب‌های عصبی در حلزون گوش جلوگیری می‌کند. دانشمندان در حال حاضر آزمایشی بر روی موش‌ها انجام داده‌اند که بر روی صداهای بلند به خوبی پاسخ داده است.

«سامی جافری» پروفیسور فارماکولوژی (دواشناسی) گفت: آزمایشاتی که ما انجام دادیم اثر کاملاً قابل توجهی داشت درست مانند زمانی که گوش هرگز در معرض صدای بلندی نبوده است. ویتامین B3 در مرغ، حبوبات و غلات وجود دارد؛ بهترین منابع این ویتامین غذاهای غنی از پروتئین مانند گوشت بدون چربی، مرغ، ماهی، تخم مرغ، لوبیای خشک پخته شده، نخود، زردک، سبوس گندم، سمارق و سبزیجات، سویا، شیر بدون چربی و پسته است.

ویتامین B3 در اثر پخته شدن در آب از بین می‌رود. در ضمن این ویتامین عامل ترمیم سول‌های مغز است.

غشایی گوش نقش دارد. در طول حلزون، سه مجرا یا (زینه) در کنار هم قرار دارند. این مجاری عبارتند از زینه‌ی دهلیزی، زینه میانی و زینه صماخی.

این مجراها (یا زینه‌ها) به وسیله غشا از هم جدا می‌شوند. در داخل حلزون اجسامی به نام جسم کرتی قرار دارد که حاوی گیرنده‌های حس شنوایی است و خروجی این بخش، قسمت شنوایی عصب شنوایی تعادلی (زوج عصب) را تشکیل می‌دهد.

## شکلک‌های معلولیت وارد بازار اینترنتی می‌شود



به نوشته‌ی گرگ اسمیت، شکلک‌های افتخار معلولیت به اشخاص دارای معلولیت این فرصت را می‌بخشد که حین گرامی‌داشت سالگرد تصویب قانون ADA، خود را نیز آن‌گونه که هستند، توصیف کنند: "امروزه مفهوم معلولیت ناظر است بر نوعی شیوه‌ی زنده‌گی که میلیون‌ها انسان آن را در زنده‌گی اجتماعی، از جمله زنده‌گی آنلاین و مبتنی بر اینترنت، تجربه می‌کنند. اگر هرکسی می‌تواند با استفاده از این اشکال خود را به شکلی که هست توصیف کند، پس چرا اشخاص دارای معلولیت نتوانند خود را آن‌گونه که هستند، توصیف کنند؟

در سالگرد ۲۵ سالگی قانون امریکاییان دارای معلولیت یا ADA (American with Disabilities Act)، پروژه‌ی "شکلک‌های افتخار معلولیت" از سوی diversions طراحی و چهارده شکلک جدید مربوط به معلولیت به تصاویر قبلی اضافه شده که روی آیفون و آی‌پد قابل دریافت است.

"گرگ اسمیت" از فعالان رسانه‌ای حوزه‌ی معلولیت، در این باره نوشته است: "اگر این چهارده شکلک بازار خوبی پیدا کنند، صدها شکل دیگر مرتبط با موضوع معلولیت به مجموعه‌ی شکلک‌ها اضافه خواهد شد و انواع مختلف معلولیت را در بر خواهد گرفت." طراحان گفته‌اند که اگر معلولیت شما در این مجموعه نیست، نگران نباشید و با خرید این نرم افزار، از این ایده حمایت کنید. نرخ نرم افزار یک دالر و ۹۹ سنت تعیین شده است.

## بیک مناسب برای ویلچر



بیک‌ی که درعکس مشاهده می‌کنید، نمونه‌ای از بیک مناسب و کاربردی برای استفاده کنندگان ویلچر است. از لحظه‌ای که شخص بیک را روی ویلچر قرار می‌دهد، می‌تواند آن را در هر زمان در جلوی چشمان

پشتی معمولی استفاده کردم. اما بعد متوجه شدم که می‌توانم آن را در قسمتی از جاپایی ثابت کنم. از آنجایی که بیک پشتی من خیلی کوچک بود، تصمیم گرفتم یک بیک پشتی بزرگ‌تر بخرم. من هم بعد از انتخاب بیک موردنظرم از فروشنده خواستم که آن را برای من مناسب سازی کند. او هم آن را طوری لایه گذاری کرد که هیچ فشاری به پشت ساق پاهای من وارد نشود.

خود ببیند. در واقع بیک در جلو پای کاربر قرار می‌گیرد و به دورساق پای او بسته شده و پایه ویلچر بصورت یک تکیه‌گاه برای آن عمل می‌کند. رابرهایی که در اطراف ساق بسته می‌شوند، از نوع لایه دار هستند و مراکز تهیه این بیک‌ها، آن‌ها را به روی بیک نصب می‌کنند.

یکی از استفاده کنندگان چنین می‌گوید: در سفر به کشور اسپانیا برای اینکه بیک پوئم جلوی چشمانم باشد، ابتدا از یک بیک

## عقب ماندگی ذهنی چیست؟

داکتر سلیمانی



عقب ماندگی ذهنی شرایطی است که در آن عملکرد کلی ذهن به طور مشخصی پایین‌تر از متوسط بوده و همزمان با آن در رفتارهای انطباقی دوره رشد نارسائی‌هایی مشاهده می‌شود.

به باور روان شناسان، آنچه که از نوشته‌های مذهبی و طبی روزگاران باستان و قرون وسطی مشهود است نمایانگر عدم آگاهی مردم از مسأله عقب ماندگی ذهنی می‌باشد. در قرن نوزدهم واژه ضعف ذهنی پدیدار گشت و متعاقب آن اصطلاح اختلالات ذهنی و سپس نارسائی ذهنی واژه‌ای بود که کاربرد بیشتری داشت و از سال‌های دهه 1920 به بعد واژه "عقب ماندگی ذهنی" جای آنها را گرفت.

امروزه گرچه تعریف‌های متعددی از عقب ماندگی ذهنی توسط روان شناسان به عمل آمده است اما تعریفی که جامع‌تر از همه شناخته شده و اکثر متخصصین فنی آن را پذیرفته‌اند تعریفی است که گراسمن بیان داشته است. بر اساس این تعریف عقب ماندگی ذهنی شرایطی است که در آن عملکرد کلی ذهن به طور مشخصی پایین‌تر از متوسط بوده و همزمان با آن در رفتارهای انطباقی دوره رشد نارسائی‌هایی مشاهده می‌شود.

در این تعریف عملکرد کلی ذهن بر اساس نتیجه آزمون‌های هوشی استاندارد شده مشخص می‌شود. رفتارهای انطباقی عبارت است از درجه رسیدن شخص به معیارهای مناسب سن و گروه اجتماعی در استقلال شخصی و مسئولیت اجتماعی (نضج)

این طبقه بندی علل عقب ماندگی‌های ذهنی

را بر اساس مراحل مختلف زنده‌گی از تشکیل تخم گرفته تا زنده‌گی جنینی و تولد و دوران کودکی مورد بررسی قرار داده است. بر اساس تعریف روان‌شناسان آنچه در زمان جنینی موجب عقب ماندگی ذهنی می‌شود، تأثیر دواهای کیمیاوی، تأثیر الکل، تأثیر اشعه ایکس و پرتوهای رادیواکتیو، دخانیات، سن مادر، هیجان مادر و مسمومیت مادر است.

عوامل موثر بر مبتلا شدن به عقب ماندگی ذهنی بعد از تولد، انواع مننژیت‌ها، مننژ و آنسفالیت‌های ویروسی، ضربه‌های مغزی، اختلالات تشنجی، تب و تشنج‌های همراه با آن، اسپاسم‌های کودکان، فلج‌های مغزی و مسمومیت‌ها می‌باشد. یکی از مهم‌ترین عواملی که در موقع تولد کودک می‌توانند عقب ماندگی ذهنی ایجاد کند می‌توان به تولد پیش از موقع و صدمات ناشی از زایمان اشاره کرد.

شور و شوق، هلهله و هیجان، شادی و شوت، تلاش برای پیروزی، دویدن برای قهرمانی و توپ انداختن برای رسیدن به مقصد نهایی از ویژگی‌های بازی بسکتبال میان دختران دارای معلولیت در کابل بود.

سالون ورزشی مرکز اورتوپدیک صلیب سرخ کابل در روز پنجشنبه (بیست و ششم سنبله ۱۷ سپتمبر) حاوی تصویرهای فوق از بازی‌های بسکتبال بانوان ولچرسوار دارای معلولیت میان تیم‌های کابل، هرات و مزارشریف بود. این بازی‌ها به هدف انتخاب ورزشکاران نخبه از میان تیم‌های سه ولایت بود. قرار بود در این بازی‌ها تیم نگرهار نیز شرکت نماید که به دلیل مشکلاتی نتوانست

در این دور حضور یابد.

در این بازی‌ها به خوبی نشان داده شد که معلولیت ناتوانی نیست، بلکه مصداق کامل از توانمندی‌هایی است که می‌تواند توجه همگانی را به خود جلب نماید. دختران ولچرسوار در این بازی که شوق و شادی در سیمای شان موج می‌زد، به خوبی توانستند توانمندی را به تمام معنا تمثیل نمایند. در این صحنه همگان شاهد بودند که چگونه ولچرهایی که نماد معلولیت است، ابزار توانمندی برای این

دختران شده بود. زیرا ولچر در بازی‌های بسکتبال این دختران هم پای رفتن بود و هم ابزار دفاع و جلوگیری از رسیدن حریف به توپ و هم زمینه حرکت‌های مختلف را می‌داد تا آنان بتوانند برای رسیدن به توپ از انعطاف بهتری بهرمند باشند.

شکرالله زیرک؛ مسوول بخش فیزیوتراپی شفاخانه صلیب سرخ که مسئولیت برگزاری این مسابقات را نیز به عهده دارد می‌گوید که هدف از راه اندازی این دوره از مسابقات این است که از میان آنان اشخاص نخبه برای ورود به تیم ملی بسکتبال بانوان دارای معلولیت گزینش شود. وی پیشرفت دختران بسکتبالیست دارای معلولیت را بسیار خوب و شایسته می‌داند و تأثیر این ورزش را در

# قهرمانان ولچر سوار

اینکه توانسته است شامل تیم ورزش بسکتبال شود، خود را موفق می‌پندارد. به گفته‌ی پلوشه، شرایط زنده‌گی او تا چند سال پیش بسیار متفاوت است و اکنون او همان دختری نیست که از سرزنش یا احساس ترحم مردم، دچار ضعف شده و ناتوانی را احساس نماید. اکنون او تبدیل به شخصی شده است که همانند دیگران احساس شخصیت و تأثیرگذاری دارد و می‌تواند از نقش خود در جامعه ابراز رضایت نماید.

هرچند در این مسابقه تیم بسکتبال مزارشریف با برد ۲۳ امتیاز در برابر ۱۷ امتیاز کابل توانست در سکوی قهرمانی بایستد، ولی حاجی شیرپادشاه، مربی تیم ولایت کابل نیز از کارکرد تیم خود رضایتمندی دارد و می‌گوید که رشد اعضای این تیم در یک سال اخیر خیلی خوب بوده است. وی از دولت می‌خواهد تا از ورزشکاران دارای معلولیت حمایت نماید و از جامعه و مردم نیز تقاضا دارد تا نگاه خویش را نسبت به اشخاص دارای معلولیت اصلاح نمایند. زیرا به گفته‌ی وی، وقتی او برای تربیت تیم بسکتبال دختران دارای معلولیت لباس



تپیه کننده: علی اکبر آل جعفری

روحیه‌ی آنان بسیار ارزنده توصیف می‌کند. به گفته‌ی آقای زیرک، این دختران علی‌رغم اینکه به لحاظ داشتن امکانات ورزشی در سطح پایینی قرار دارند و حمایت‌های لازم دولتی از آنان صورت نمی‌گیرد، بازهم توانسته اند مهارت‌های ورزشی خوبی را در بخش بسکتبال کسب نموده و موفق ظاهر شوند. مسوول برگزاری این مسابقات، انگیزه‌ی اصلی حمایت صلیب سرخ از ورزش اشخاص دارای معلولیت را تشویق آنان برای ورود به جامعه دانسته و آن را جهت جلوگیری از انزوا و گوشه‌نشینی اشخاص دارای معلولیت موثر می‌داند.

پلوشه نام دختر دارای معلولیتی است که عضویت تیم مزارشریف را دارد. وی از شرکت در این مسابقات احساس خرسندی نموده و از

ورزشی می‌پوشد، مردم با نوعی نگاه حیرت انگیز و گاهی نیز تمسخر آلود به وی می‌نگرند. در ختم این مسابقات، برخی از مسوولین ورزشی در راستای حمایت و تشویق دختران دارای معلولیت بسکتبالیست سخن گفتند و هرکدام از شرکت کنندگان مدال افتخار شرکت در مسابقه را دریافت کردند. خانم جمیله افغان؛ معین شهدا و معلولین وزارت کار، امور اجتماعی، شهدا و معلولین که خود نیز معلولیت دارد از برگزاری این مسابقات ابراز خرسندی نموده و تمامی شرکت کنندگان را قهرمانان واقعی خواند. سرانجام هرسه تیم مستحق جوایز، مدال و جام (کپ) شدند که تیم مزارشریف جام (کپ) قهرمانی این بازی‌ها را به خانه برد.



پاک ساختن زمین از ماین:  
کاهش مرگ و معلولیت



د زمکی پاکول له ماینونو څخه:  
د مرگ او معلولیت کمول

Clean the earth from the **landmines**:  
Reduction in **casualties and disabilities**



the material and Mohammadi donated his time and talent on the weekends on making the motorcycle. It costs 50 thousand Afghani (around \$ 1000) and the price is much reasonable. It took Mohammadi a month and half to build it.

Amir was excited about the project. He wanted something fast and stylish, and he certainly

hand,” he said and he would like to see the design developed for mass production.

“If we produce them in bulk, the costs can be reduced substantially to make it more affordable for all disabled,” he said. This, however, would require a large monetary investment, which is, so far at least, beyond his reach.

Mohammadi, now supports

with just one hand” he says.

This is not Mohammadi’s only into innovation. He is also known for his design of a solar-powered car and a self-rocking cradle, which he built for his son, whose constant crying was driving his wife crazy.

The inventor is just 30 years old, and has a high school education. Poor economic situation did not let him to



got his money’s worth. Mohammadi’s sleek design features a 400cc engine, and can reach speeds of up to 180 kilometers an hour. “Especially at U-turns he should not go over 40 kilometers an hour,” he insists.

Mohammadi explained that his trike has functions similar to a car built for the handicapped. “It has reverse gear, and all features can be managed by

himself with a variety of activities from metal-working to power-tool manufacture and, later, has developed a special fascination for the artistic properties of fiberglass. However, his main love is invention.

“I keep all my designs in a notebook and I have made another motorcycle in Bagram for a man who lost his arm; all of the features can be controlled

continue higher studies and attracting some investors is in his priority to get rich.

He recalls how Amir reacted to the trike the first time he saw it. “At first he was hesitant,” said Mohammadi with a smile. “But after a few minutes on the motorcycle, he turned to me and said, ‘Now I have feet.’ That one short sentence was thanks enough for me.”

**Resource:** <http://paiwandgah.af>



Continued from page 43

Some white canes are long, and help give the person who is blind or visually impaired information about the environment they are traveling through. The long white cane can help the person find obstacles that may be in their way, or warn them when they are approaching a curb. Other white canes are short, and serve as a signal to others that the cane user is visually impaired.

### Dog Guides

Dog guides are specially trained dogs that lead blind or visually impaired travelers around obstacles and assist with street crossings. A blind or visually impaired individual who uses a dog guide for mobility is called a “handler.” Handlers have received extensive training on how to direct the dog to get from one place to another. The job of the handler is to give the dog guide commands and the job of the dog guide is to safely get the pair to their destination.

### Florida White Cane Law

Each state has laws that pertain to pedestrians with white canes or dog guides. In Florida, the law states that drivers must come to a full stop when there is a pedestrian using a white cane or a dog guide while crossing, or attempting to cross a public street or highway. For the safety of individuals who are visually impaired, please be aware of and on the lookout for individuals using the cane or dog guide. As a user of a white cane or dog, please proceed with caution.

## Motorcycle for persons with disability



Riding motorcycle at the speed of 180 Kilometer per hour in the capital city of Afghanistan would have been impossible for disabled persons but a young inventor, Mustafa Mohammadi, has made a hand-controlled motorcycle that will be used by many people around Kabul.

Mohammadi was in touch with one of nearly 1 million disabled of three decades war in Afghanistan. Amir-Mohammadi's friend- has lost his legs due to polio in childhood who became motivation of the invention. Most of disabled persons lack even wheelchairs and are not

aware of their rights.

Mohammadi says that all the functions of motorcycle can be operated by hand and has three wheels which technically make a motor trike. Although the concepts of a three-wheeled wheelchair is not new but it's not enough convenient as motorcycle for disabled to use it in the roads.

Afghanistan and its neighboring Pakistan, are two of the few remaining countries in the world where polio still exists. Decades of war and Taliban banned the vaccinations that is why the virus still remain active.

Amir provided money for



# World Mental Health Day 2015

## Dignity in mental health

Thousands of people with mental health conditions around the world are deprived of their human rights. They are not only discriminated against, stigmatized and marginalized but are also subject to emotional and physical abuse in both mental health facilities and the community. Poor quality care due to a lack of qualified health professionals and dilapidated facilities leads to further violations. The theme for this year's World Mental Health Day, observed on 10 October, is "Dignity in mental



health". This year, WHO will be raising awareness of what can be done to ensure that people with mental health conditions can continue to live with dignity, through human rights oriented policy and law, training of health professionals, respect for informed consent to treatment, inclusion in

decision-making processes, and public information campaigns. Then, the defined theme of WHO must be part of the policies and decisions of Afghanistan government and people's code of conduct and insure everybody of its implementation. Since, absence of suitable and desired criteria is obviously visible in our country rather than any other one and it proves a high demand for implementation of (Dignity in mental health). Undoubtedly, if the theme can't bring any significant changes within our legal

channels and systems, celebration of the day would be senseless and a waste of resource. It requires issue's insertion in decisions and policies of Afghanistan Governments and people's code of conduct. Since absence of appropriate and convenient criteria is more tangible if Afghanistan rather than any other country.

## White Cane Awareness Day

# Walk for Independence



### October 15th is White Cane Safety Day!

White Cane Awareness Events are held annually, in several parts of the country, to educate the public and to keep walkers safe. Our Lighthouse began hosting its annual White Cane Awareness Day Walk for Independence in 2008. White Cane Awareness Day Walks for Independence provide an opportunity for the Lighthouse, our clients and the community to come together to celebrate the independence gained by those who use white canes and guide dogs. The event is especially helpful for teaching the public about the abilities of persons who are visually impaired and blind.

### What is a White Cane?

The white cane is the universal symbol for blindness or visual impairment. It is a common misconception that the white cane is only used by those who are totally blind. However, the white cane is also used by individuals who may have a small amount of vision remaining. Every day, millions of Americans who are blind or visually impaired use a white cane (or dog guide) to get to work, school, shop and travel. White cane training, also called Orientation & Mobility training is available at the Lighthouse for residents of Pasco, Hernando and Citrus counties.

### Types of White Canes

read more on page 42

## Theme for 2015 of International Day of Persons with Disabilities - 3 December(1998-2015)



**Theme for 2015:** Inclusion matters: access and empowerment of people of all abilities

The annual observance of the International Day of Disabled Persons was proclaimed in 1992, by the United Nations General Assembly resolution 47/3. The observance of the Day aims to promote an understanding of disability issues and mobilize support for the dignity, rights and well-being of persons with disabilities. It also seeks to increase awareness of gains to be derived from the integration of persons with disabilities in every aspect of political, social, economic and cultural life.

Since 2009, the Department of Economic and Social Affairs organizes a film festival as a part of the events at UN Headquarters to commemorate the Day. The United Nations Enable Film Festival (UNEFF) includes short disability-related films selected on the basis of their content and message that can help raise awareness of disability issues

and further promote the full and effective participation of persons with disabilities in society.

Since 2015, the Department of Economic and Social Affairs organizes a Photo Exhibition. The UN Enable Photo Exhibition will work to help change misperceptions to counter stigma and stereotyping about persons with disabilities. It will also promote a better understanding about disability issues and present persons with disabilities as individuals that are a part of our human diversity.

Themes for previous years:

2014: Sustainable Development: The Promise of Technology

2013: Break Barriers, Open Doors: for an inclusive society and development for all

2012: Removing barriers to create an inclusive and accessible society for all

2011: Together for a better world for all: Including persons with disabilities in development

2010: Keeping the promise: Mainstreaming disability in the

Millennium Development Goals towards 2015 and beyond

2009: Making the MDGs Inclusive: Empowerment of persons with disabilities and their communities around the world

2008: Convention on the Rights of Persons with Disabilities: Dignity and justice for all of us

2007: Decent work for persons with disabilities

2006: E-Accessibility

2005: Rights of Persons with Disabilities: Action in Development

2004: Nothing about Us without Us

2003: A voice of our own

2002: Independent Living and Sustainable Livelihoods

2001: Full participation and equality: The call for new approaches to assess progress and evaluate outcome

2000: Making information technologies work for all

1999: Accessibility for all for the new Millennium

1998: Arts, Culture and Independent Living

opportunities, they become agents of change and can more readily embrace their civic responsibilities.

Sub-themes for IDPD 2015:

- Making cities inclusive and accessible for all
- Improving disability data and statistics
- Including persons with invisible disabilities in society and development

Making cities inclusive and accessible for all

It is estimated that by 2050, 66% of the world's population will be living in cities. The United Nations' Third Global Conference on Housing and Sustainable Development - Habitat III - will take place in 2016 to review the progress, experience and lessons learnt in the past and to design a "New Urban Agenda". This Agenda of focused policies and strategies is hoped to harness the power and forces behind urbanization. Habitat III will provide an important platform for the world's urban development policy-makers and practitioners, as well as those working in the field of disability to review current practices and identify opportunities for change.

Importantly, the New Urban Agenda must ensure that future cities, towns and basic urban infrastructures and services are more environmentally accessible, user-friendly and inclusive of all people's needs, including persons

with disabilities. The International Day will be used to discuss and present some best practices of inclusive urbanization.

Improving disability data and statistics

The lack of data and information on disability and the situation of persons with disabilities at the national level contribute to the invisibility of persons with disabilities in official statistics. This presents a major obstacle to achieving development planning and implementation that is inclusive of persons with disabilities. In particular, to be internationally comparable, data should be collected in line with international standards. Data collected can be used the implementation and monitoring of internationally agreed development goals for persons with disabilities, such as the 2030 Agenda for Sustainable Development.

The International Day will be used to highlight measures to strengthen national capacities to improve and mainstream disability data collection, based on existing good practices. The Day will also be used to highlight challenges and map out strategies to involve persons with disabilities and their organizations in disability data and statistics collection and dissemination.

including persons with invisible disabilities in society and

development

Persons with mental and psychosocial disabilities represent a significant proportion of the world's population. Millions of people worldwide have mental health conditions and an estimated one in four people globally will experience a mental health condition in their lifetime. Almost one million people die due to suicide every year, and it is the third leading cause of death among young people. Persons with mental and psychosocial disabilities often face stigma and discrimination (World Health Organization), as well as experience high levels of physical and sexual abuse that occur in a range of settings, including prisons, hospitals and homes. Persons with other invisible disabilities, such as persons with hearing impairments, are also at risk of exclusion from mainstream activities, education or social activities.

The International Day can be used to draw attention on the situation of persons with invisible disabilities, such as mental health and psychosocial disabilities, intellectual disabilities, as well as hearing impairments. The Day can be used to identify good practices of integrative and inclusive education, to organize social activities and awareness raising initiatives, as well as highlight good practices and make recommendations.

**Resource:** <http://www.un.org>



# Development and human rights for all

Theme - Inclusion matters: access and empowerment for people of all abilities

Background  
The International Day of Persons with Disabilities (IDPD) has been commemorated since 1992 to promote awareness and mobilize support for critical issues relating to the inclusion of persons with disabilities in society and development. The Day works to promote action to raise awareness about disability issues and draw attention to the benefits of an inclusive and accessible society for all.

Governments, UN agencies, civil society organizations, academic institutions and the private sector are encouraged to partner with organizations of persons with disabilities to arrange events and activities to commemorate the Day.

Theme for 2015: Inclusion matters: access and empowerment for people of all abilities

The estimated one billion people living with disabilities worldwide

face many barriers to inclusion in many key aspects of society. As a result, people with disabilities do not enjoy access to society on an equal basis with others, which includes areas of transportation, employment, and education as well as social and political participation. The right to participate in public life is essential to create stable democracies, active citizenship and reduce inequalities in society. Persons with disabilities must be able to fulfil their role in society and participate on an equal basis with others. It is important to focus on the ability and not on the disability of an individual. Often, the societal image of persons with disabilities is impacted by attitudes based on stigma and discrimination, as well as archaic ideas about disability and persons with disabilities that are often the



greatest barrier to their full and equal participation in society and development on an equal basis with others. It is important to note that disability is part of the human condition, and that all of us either are or will become disabled to one degree or another during the course of our lives.

By promoting empowerment, real opportunities for people are created. This enhances their own capacities and supports them in setting their own priorities. Empowerment involves investing in people - in jobs, health, nutrition, education, and social protection. When people are empowered they are better prepared to take advantage of

banking- system which allows banking operations from home- and also e-mail which enables to communication between one computer and another computer is progressing. Currently At the present time, the press before the release is stored in soft form and moreover printed documents can be scanned to be transferred to computers. Using new approaches of audio analysis, audio is converted into Braille script, command buttons, rows of appropriate keys and so on... all this information can be made accessible to people with disabilities. To achieve this aim, there must be rules that are expected to have centralized backup electronically, on the other hand, appropriate systems are available to persons with disabilities.

A part from innovative technologies, it has been very long time that televisions are broadcasting programs with translation and subtitles for persons with hearing impaired. In United Kingdom, a plane is intended to provide oral information in theaters and documentary films so that persons with visual disability

should participate in events which are conducted for all members of the society.

This plan is called "Audio Description of Television" which is based on more description of location, operation and method of coverage. The TV has chosen this system which adds description to images so that visual impaired should be able to follow different TV programs. Programs with audio descriptions are broadcasted for four hours weekly.

**Fortunately, technology has helped humans to integration of society and profession. In the field of Information Technology, it facilitates the every citizen with ability to express, to communicate and to think and every citizen has the right to be aware of any information in a completely and wellbest way. Innovation in Information Technology has profoundly altered human's life and afterward, remote communication and access to participants database forms participation and integration of social life. It is one of the inalienable rights of persons with disabilities for equality in behavior should have access to these innovations.**

In Paris, a hotel offers special rooms with sensors for persons with disabilities. The equipment like lights, telephones, doors and etc can be controlled by finger or voice remotely. In addition, eight conference rooms are designed to receive persons with multiple variety of

disabilities. As we observe, developed countries that provide there are various possibilities in developed countries for persons with disability to access information. However, suggestions should be given to the organizations to increase and emphasize developing the opportunities and public service provider and organization should respond better to the needs and improvement persons with disability.

Meanwhile, Afghanistan is in very low level in terms of access and empowerment. Ethen states the deficiencies in the country that even white cane is not available for visual impaired persons and lack of accessibility streams from all over the country.

Therefore, the theme of this year with the theme of "access and empowerment" requires the effort of the institutions, government agencies and non-governmental agencies. Otherwise, the symbolic celebration of this occasion would not change anything in the life of persons with disabilities, and moreover, out social responsibility is not performed.

# Inclusion

is the right of persons with disability



This year, theme of person with disability is inclusion matters: accessibility and empowerment. This slogan in the current era where public service accessibility is said to be one of the main objective of international organization, is part of millennium Development Goals.

Now, accessibility is not considered as empowerment of persons with disability, however, it's not very realistic like a dream in many countries. On the other hand, interpretation of accessibility concepts to empowerments requires further and clearer analysis because incomplete and miss understanding of these concepts would have led to wrong implementation of them in the

society. For example accessibility concept is meant to have the ability to enter by wheelchair to a building. However, accessibility include a wide area which reflect to social life and activity like access to information, access to participation in different political, cultural, economic and social events, access to education, and access to job and all other services and facilities.

It's clear that empowerment concept covers concept includes a wide area as like accessibility which cannot be limited to specific training for disabled persons with disabilities. This concept of empowerment will be effective, if it leads to rehabilitation of capabilities and opportunities of persons with disability using effective tools.

Fortunately, technology has helped humans to integration of society and profession. In the field of Information Technology, it facilitates the every citizen with ability to express, to communicate and to think and every citizen has the right to be aware of any information in a completely and wellbest way. Innovation in Information Technology has profoundly altered human's life and afterward, remote communication and access to participants database forms participation and integration of social life. It is one of the inalienable rights of persons with disabilities for equality in behavior should have access to these innovations.

In international level, home



# Activities of Community Centre for the Disabled (CCD)

Community Centre for the Disabled (CCD): A Resource Center for Persons with Disabilities

CCD was established in 2004 based on needs of Afghan society and specifically the Disabled segment to support, advocate and improve The civil rights of PwDs that are interpolated in Afghanistan constitution and they international rights statements and conventions.

The vision of CCD is to create a positive culture towards disability in Afghanistan for inclusion of persons with disabilities in Afghan society. and our mission is to promote and improve the social, cultural and economic situation of women and men with disabilities and their families, whatever the nature and cause of disabilities, and to advocate for their civil and human rights for full participation in Afghan society.

Therefore, for the achievement of the aforementioned goals and objectives CCD and its associate organizations present the following needy programs:

- Analyzing the socio-economic situation of PwDs and their families
  - basic need assessment of PwDs in the communities
  - Psychological advices to PwDs and support the counterparts
  - Introducing PwDs to educational, health, capacity building, physical and rehabilitation organizations
  - Offering trainings and basic education services
  - Offering port and leisure programs
  - Conducting sports awareness programs
  - Coordination and conduct of meetings and discussions with different social organizations concerning PwDs
  - Advocate for the civil and human rights of PwDs
  - Offering short-term vocational training program
  - Employment services for PwDs
  - Financial support to start a business after vocational trainings
  - Sensitizing the community from the rights and privileges of PwDs
  - Adaptation of school buildings, work places and educational centers for the physical accessibility of the PwDs
  - Initiating reciprocal and cooperative network with other organizations for referrals and other types of cooperation
  - Sensitizing the services provider organizations about the PwDs rights and privileges to initiate better occasions towards their inclusion and participation in the community and services
- Building-up organizational and civil capacity of PwDs.

## Appreciation

Community Centre for the Disabled (CCD): A Resource Centre for Persons with Disabilities would like to **thank** its donors that have provided financial supports for CCD to continue its programs to advocate for the rights of persons with disabilities in Afghan society. Your support makes it possible to sustain our programs to support persons with disabilities to enjoy their human rights.

### Talash Grantee:

Community Centre for the Disabled (CCD): A Resource Centre for Persons with Disabilities.

### Editorial Boards

**Editor-in- Chief:** Mr. Saifuddin Nizami

**Assistant Editor:** Haji Ahmad Shah Azami

**Authors:** Saifuddin Nizami, Haji Azami and M. Reza Golkohi

**Pashto Editor:** Nasreen Sharar

**English Editor:** Sohaila Frogh & Kobra Saeedi

**Desginer:** M. Reza Golkohi

### Address:

CCD main office, Last bus station of Kabul University, at the Street of Noor private high school, Next to Ali Ebn Abo Talib Masjid, opposite of Karwan Higher Education Institute

**E-mail:** [ccd\\_kabul@yahoo.com](mailto:ccd_kabul@yahoo.com) –[info@ccd.org.af](mailto:info@ccd.org.af)-[talash.ccd@gmail.com](mailto:talash.ccd@gmail.com)

**Mobil:** +93(0)799 215 820-0752128328

**Website:** [WWW.ccd.org.af](http://WWW.ccd.org.af)

**Facebook:** [Facebook/ccd.org.af](https://www.facebook.com/ccd.org.af)



# اهمیت شمولیت: دسترسی و توانمندسازی اشخاص دارای معلولیت د گډون اهمیت: د معلولیت لرونکو وگړو لاسرسی او ځواکمنتیا







**Inclusion matters:  
access and  
empowerment  
for persons with  
disabilities**

# Talash

The publication of Community Centre for the Disabled (CCD)  
A Resource Centre for Persons with Disabilities



28 issue -Special edition on the international day of PwDs 2015

White Cane;  
**the independence  
flag of persons  
with visual  
disabilities**

